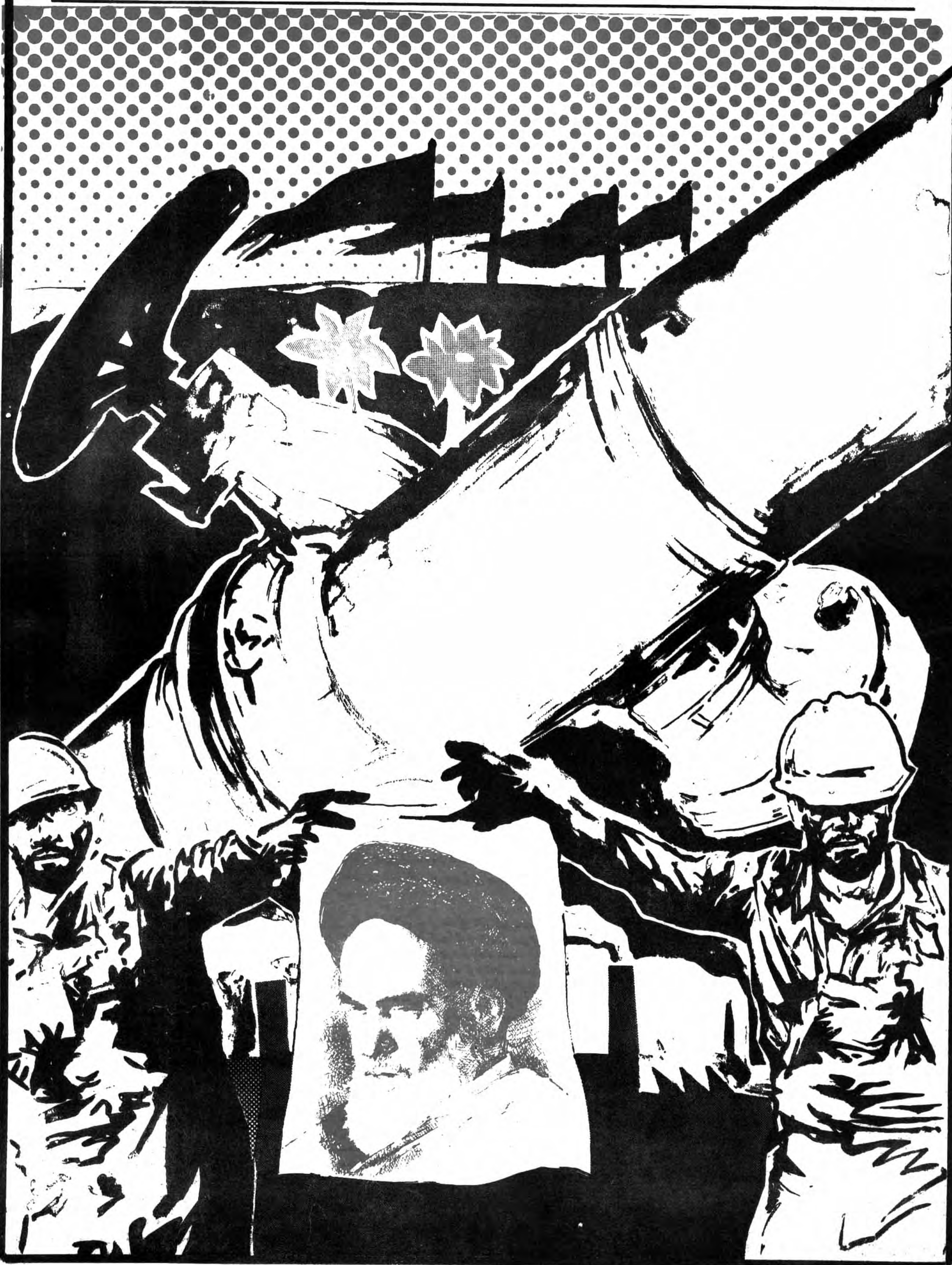
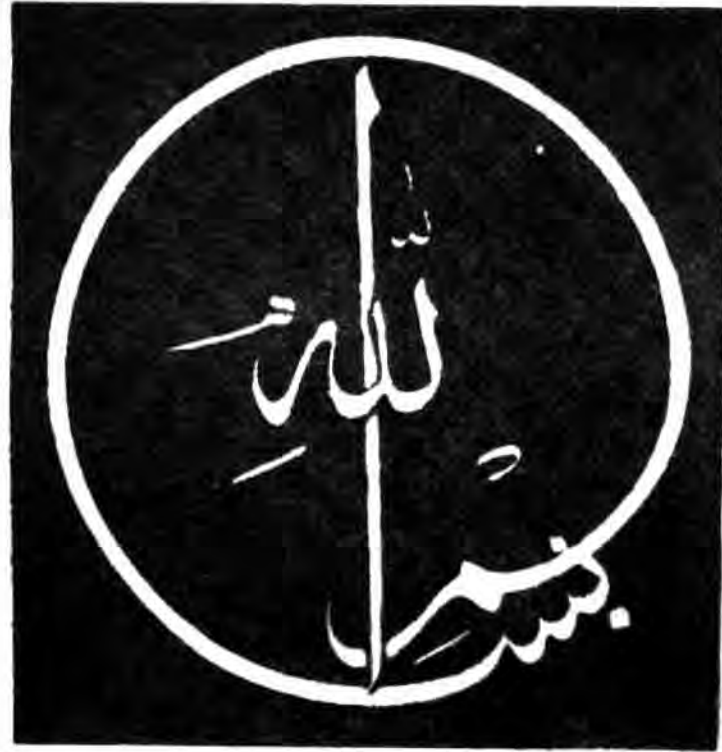




کار در اسلام



بنام آنکه «کار» جلوه‌اوست

در احکام فرعی اسلام، سه چیز دارای اهمیت ویژه‌ای هستند: جان، مال و عرض، جان، اگر نباشد، سخن از مال و ناموس گفتن بیهوده است. زیرا تا آدمی خود نباشد نه مالی به او تعلق میگیرد و نه عرض. مال، محصول مادی جان است، و عرض (ناموس) پایه و اساس زندگی خانوادگی است. ارزش و اهمیت فراوانی که اسلام برای عرض قائل است نشانه اهمیت است که امور مربوط به زن و خانواده در سلامت جامعه دارد. و اینکه مال در کنار جان و ناموس قرار گرفته نشان دهنده ارزشی است که اسلام برای «کار» قائل می‌باشد، زیرا «مال» محصول کار است.

آنچه در این زمینه گفتنی است اینست که جان و مال و ناموس تنها در صورتی با ارزش و محترمند که در خدمت «عقیده» باشند. این تفسیری است دقیق از سخن حضرت سیدالشهداء امام حسین (ع) که فرمود: انما الحیاة عقیده و جهاد (زندگی، چیزی جز عقیده و جهاد در راه پرپا داشتن عقیده نیست). زیرا جان و مال و ناموس عناصر اصلی تشکیل دهنده زندگی مادی هستند و زندگی مادی باید در خدمت حیات معنوی انسان (عقیده) باشد تا او راه کمال را طی کند.

گفتنی‌تر اینست که اسلام، جهاد در راه عقیده را با کار برای تامین خانواده دارای ارزش مساوی میدانند. این واقعیت را از طریق دقت در یک حد شریف که از پیامبر اکرم (ص) رسیده است بروشنی میتوان دریافت. در این حدیث آمده است: الکاد لعیاله کالمجاهد.

فی سبیل... آنکس که برای تامین معاش خانواده‌اش کار میکند مانند کسی است که در راه خدا جهاد مینماید.

اکنون اگر این دیدار را وسعت بخشیم و از همان زوایای به انسان نگاه کنیم که اسلام نگاه میکند، به جهان گسترده و با عظمتی از معنا و مفهوم دست خواهیم یافت که میتواند نمایشگر ارزش واقعی «کار» باشد. در آن جهان گسترده معانی و مفاهیم، خواهیم دید که «کار» میتواند از محدوده جهان ماده فراتر برود و پا به پای جهاد و شهادت و ایثار به ماوراء طبیعت سفر کند و کارگر را که کار از او منشاء میگیرد بر بال خود پنهانند و او را به جایی برسانند که «به جز خدا نبیند».

اسلام، به انسان از کدام زاویه نگاه میکند؟ اسلام، همه انسان‌ها را عیال خدا میداند. بنابراین، انسان هم میتواند انسانهای دیگر را که عیال خدا هستند، عیال خود بداند و نیروی «کار» خود را نه فقط برای رسیدگی به خود و عیال خانواده کوچک خود، که برای عیال خانواده بزرگ خود که خانواده انسانیت است بکار گیرد. در این نگاه، دیگر «کار» منشاء «مال» نیست، بلکه منشاء «کمال» است. کمال «کارگر» و کمال «انسانیت». تنها در اینصورت است که ارزش واقعی «کار» شناخته میشود و نقش اساسی «کارگر» در سیر انسان بسوی خدا ظاهر میگردد. و اینست یکی از معانی کلام کامل امام که فرمود: کار جلوه حق تعالی است.

وقتی انقلاب اسلامی ایران پیروز شد، این سؤال ذهن

بسیاری از مردم وبخصوص ناظران جهانی را به خود مشغول کرد که: این انقلاب به کدام سو خواهد رفت؟ بسوی ماده یا بسوی معنا؟ به سوی تکنیک و رفاه یا بسوی معنویت و عرفان؟

اشتباه بزرگ این ناظران آن بود که فکر میکردند انسان تک بعدی است. یعنی اینطور است که یا باید بسوی تکنیک برود و یا معنویت و عرفان فکر میکردند که انسان یا باید با ماده گلاویز باشد و یا با معنا شاید آنها چندان هم مقصر نبودند زیرا جهان امروز بر مبنایی به پیش میرود که توانائی آن را ندارد که انسان را در ابعاد گوناگونش ببیند.

انقلاب اسلامی، علاوه بر همه معجزه‌هایش این یک معجزه بزرگ را هم از خود نشان داد که توانست طرز تلقی جهان کنونی نسبت به انسان را بکلی دگرگون نماید و نگرش اسلام نسبت به انسان را به جهانبیان عرضه کند و در میان عمل به اثبات برساند که: انسان میتواند در عین حال که با ماده سروکار دارد، در میدان معنویت هم به پیش برود.

و بدین ترتیب، پاسخ این سؤال که انقلاب اسلامی به کدام سو خواهد رفت؟ هم روشن شد. همه دریافتند که انقلاب اسلامی بر آنست تا در جهان طرحی نو دراندازد.

بر آنست تا انسان را در هر دو بعد ماده و معنا به پیش ببرد. بر آنست تا ایران را بصورت کشوری پیشرفته از نظر صنعتی، کشاورزی و رفاهی درآورد که اقتصاد و صنعتش را وسیله‌ای برای تکامل معنوی مردمش قرار دهد و از طریق بدست آوردن رفاه مادی بدنبال چیزی برود که امروزه در جهان یافت نمیشود و انسان بدون آن چیزی جز یک حیوان نیست.

ایران اسلامی برای تحقق کامل این معجزه بزرگ، بیش از هر چیز به نیروی کاری که از بازوان کارگران خداجو و متعهد و انقلابی برمیخیزد نیازمند است. این را دشمنان این انقلاب هم بخوبی درک کرده‌اند. به همین دلیل آنها از همان اولین روزهای انقلاب بیشترین توان خود را برای به تعطیل کشاندن کارخانجات و به انحراف کشاندن افکار کارگران و به هدر دادن نیروهای آنها بکار گرفتند. و

کارگران ما که تنفس در هوای عطرآگین انقلاب اسلامی آنها را برای رها شدن از بندهای اسارت وابستگی به شرق و غرب بر سر شوق آورده بود، با هوشیاری کامل کارخانه‌ها و کارگاهها را به سنگر تبدیل کردند و نشان دادند که انقلاب اسلامی را «عیال» خود میدانند و به یاد آوردند که ارزش کار در این سنگر و برای پاسداری از این انقلاب با جهاد در سنگرهای خوزستان و غرب برابر است. و چنین شد که ایران اسلامی اکنون در چهارمین بهار آزادی علیرغم همه توطئه‌های رنگارنگ شرق و غرب و عمال داخلی آنها بیش از حد انتظار در جهت شکوفائی استعدادهای کاری و فکری و رسیدن به استقلال کامل اقتصادی به پیش رفته است. بی‌تردید بخش عظیمی از این پیشرفته‌ها مرهون بکار افتادن دستهای کارگران است، همان دستهایی که پیامبر اکرم (ص) بر آنها بوسه میزد.

حجت‌الاسلام امامی کاشانی در یک مصاحبه اختصاصی:

سبحان الله الرحمن الرحیم
ما کار و کارگر را دو اصطلاح داریم. یک اصطلاح اصولاً کار و کارگری و یک اصطلاح کارگری است که در دنیای امروز اسمش است این کلی است اینست که کار و کارگر در همه کارها در کشاورزی در صنعت در پزشکی در مهندسی حتی در کارهای فکری مطالعات، تدریس، بحثهای مختلف که در دنیا است در ابعاد مختلف همه اینها کار می‌کنند بنابراین یک کار و کارگر آن طوری ما داریم که این کار و کارگر در اسلام به او توجه شده است و گفت تمام ارزش تو مربوط کار تو است و این آیه مبارکه لیس للانسان الاماسی هم معنایش همین است یعنی آنچه انسان کار می‌کند همان عاید خودش می‌شود. و از این قبیل فراوان است و وسیع و یک سری کارهایی است که کارهای متعارفی است که اشخاص انجام می‌دهند مثل کشاورزی و امثال اینها که کار می‌کنند اینهم باز هست الکاد بعیال کالمجاهدین فی سبیل الله کسی که برای زن و بچهایش کار می‌کند و هر کار که بکند مانند جهاد می‌ماند مانند یعنی ارزش جهاد در راه خدا دارد دو قیمت بهش می‌دهد این یک صورت کارگری است باید به یک صورت وسیعتری عرض کنم و آن این است که اصولاً جامعه از نظر یک بنیشت توحیدی و یک پیشین خدایی همه کارگر یکدیگر هستند این را ما می‌توانیم یک همچنین حرفی را بزنیم که همه کارگر یکدیگرند و همه یک بخشی از زندگانی را می‌گذرانند و یعنی آیه زندگی مانند یک ماشینی است که هر کدام وسیله‌ای از آن را درست می‌کنند و هر کدامی که دارند این کارها را می‌کنند در حقیقت به دیگری دارند خدمت می‌کنند و یک آیه‌ای است در قرآن که آیه بسیار جالبی است... ولی آنهایی که مردم را فریب می‌دهند این آیه را دست‌آویز قرار می‌دهند برای رسیدن به مقاصد شوم خودشان و این آیه ۳۲ سوره مبارکه زخرف که میفرماید که هم یقسمون رحمت ربک نحن قسمنا بینهم معیشتهم فی الحیوة الدنیا و رفعتنا بعضهم فوق بعض درجات لیتخذ بعضهم بعضا سخریا و رحمت ربک خیر مما یجمعون

معنای آیه مبارکه این است که ما برائت نظامی که آفریدیم زندگی را در بین مردم تقسیم می‌کنیم. معیشت و زندگی را در بین مردم براساس قانونی که خدا در عالم آفریده است تقسیم می‌کنیم. و تقسیم خدا براساس قانون است و حساب است و تمام علل و عواملی است که در جهان قرار داده و ما اینچنین قرار دادیم که یک سری از انسانها نسبت به یک سری دیگر از انسانها در فعالیت و کار و فکرشان بالاتر است یعنی این انسان نسبت به آن

انسان در آن بخش از کار خودش و آن انسان نسبت به آن انسان در آن بخش کار خودش بالاتر است که آن کسی که در این کار وارد است و بالاتر است او را مسخره کرده و آن دیگری او را مسخره کرده است یعنی و رفعتنا بعضهم فوق بعض درجات یعنی هر کسی، مهندس نسبت به طبیب یک درجه بالاتر است مهندس طبیب را استخدام می‌کند طبیب مهندس را استخدام می‌کند نانوالبنیاتی را استخدام می‌کند و لبنیاتی نانوا را استخدام می‌کند نساج کشاورز را استخدام می‌کند و کشاورز پارچه باف را یعنی تمام دستهایی که به نام دست بشر بر روی زمین کار می‌کنند همه اینها یکدیگر را به خدمت می‌کشند این نظامی است که خداوند قرار داده است که هر کدام را در یک جبهی موفق کرده و یک نیرو و اندیشه و شرایط و ذوق داده که این در این جهت بر دیگری مسلط است و این جهت را او به خدمت خودش می‌گیرد و آن دیگری هم در جهت دیگری مسلط است و اولی را به خدمت خودش قرار می‌گیرد. این از چیزهای بسیار عالی است که نظام آفرینش را توضیح می‌دهد می‌فرماید که لیتخذ بعضهم بعضا سخریا یعنی مسخر خودش قرار می‌دهد و دیگری هم او را قرار می‌دهد یعنی لیتخذ بعضهم بعضا نه اینکه یکدما یک عده دیگر را مسخر قرار دهند و همیشه یکدما تسخیر کننده باشند معنای آیه این نیست این را همان گروههایی که خواستند همراه کنند اشخاص را یک هم چنین استدلالی کردند معنای آیه تمام و هر بعضی نسبت به بعض دیگر و این آنرا تسخیر می‌کند و آن اینرا تسخیر می‌کند این یک چیزی است که در عالم است و به این پیش اگر نگاه کنیم می‌بینیم که تمام انسانها همه بنده خدا و همه کارگر و همه نسبت به یکدیگر کار می‌کنند که این ماشین حیات و تکامل انسانی را به حرکت در می‌آورند و این خلاصه بنیشت توحیدی است که نسبت به این والیه اگر ما با این فرهنگ حرکت می‌کنیم خیلی عالی حرکت خواهیم کرد پس بنا براین یک مطلب که کار و کارگری و چیزی است که نسبت به همه انسانها و وظیفه همه انسانها در آن بعد انسانی خودش این یک اصل ولی یک اصل مادر دنیای امروز داریم که نسبت به کارگر و کارفرما و همین جریانی که براه انداختاند در بلوک غرب یک جور دعوا راه انداختاند و در بلوک شرق هم به نحوه دیگر یعنی عربیها یک علم برداشتند و آن علم آزادی و شرقیها هم یک علم برداشتند به نام کمک به کارگر و یک عدای را به همین طریق زیر بار خودشان گرفتند. این در دنیای امروز هست این کارگری که در برابر کارفرماست و کار می‌کند و کارگری است این را هم اسلام بهش توجه کرده و خیلی هم اهمیت به این نحو کارگری داده

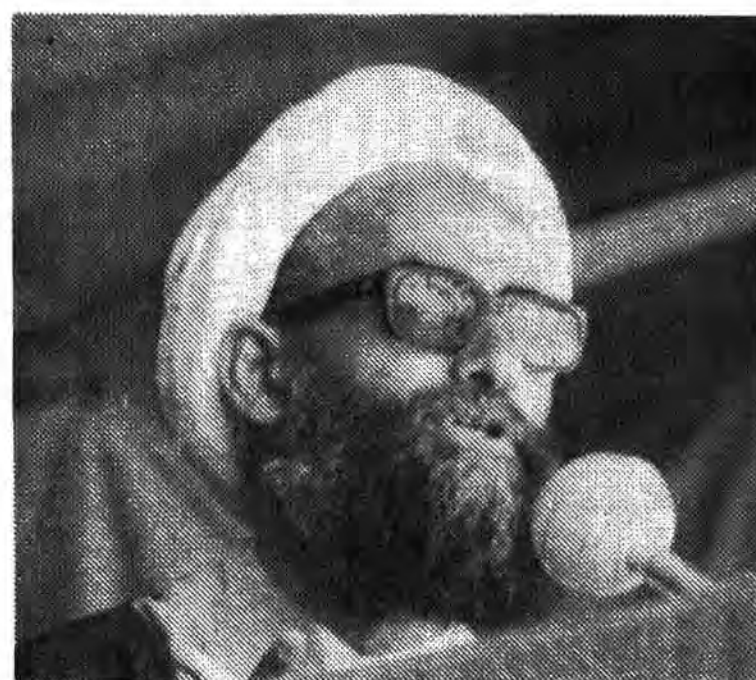
ارزش معنوی و جهاد دارد



حاجی اندرید در کشورهای سرمایه‌داری مسأله این است که کار آزاد است و هر کاری را هم که می‌خواهی انجام بدهی بده و ما هم مزد و اجرت خودتان را در هر کاری که شما حواس‌تید بهتان می‌دهیم. ولی اشکال کشورهای سرمایه‌داری این است که اولاً سرمایه چه سرمایه‌ای است؟ از کجا بوجود آمده؟ و بعد این است که سرمایه‌دار چه طور آدمی است؟ و در چه راه می‌خواهد سود و سرمایه‌اش را به کار برد؟ بحث سوم این است که نوع کاری

خدا بدو باید این ماشین زندگی را همه با هم راه بسازند اصلاً با آن بیش و با آن ظرافت و با آن رحمت و عطف اسلامی و آن فرهنگ اگر ما به هم دیگر نگاه کنیم اصلاً دعوی کارگر و کارفرما به طور کلی از عالم بر گشته شده و این اختلافات دیگر وجود ندارد بی‌سیم که دنیا موجود نسبت به کارگر ناچه دیده‌ای نگاه می‌کند و مایعی اسلام و جمهوری اسلامی چه می‌اندیشد دنیای سرمایه‌داری و دنیای کمونیستی هر دو استثمار

یعنی گممه سه کله مزدش را بدهید و مزدش را بعد از اینکه قصد کردید حتی بیشتر کنید که او خوشحال بشود که یک روایت دارد از امام رضا (ع) که می‌گوید: مردی است به نام سلیمان که می‌گوید حضور امام رضا (ع) بودم که می‌آمدیم عده‌ای برای یک کاری، کارگری را گرفته بودند و غروب آفتاب بود امام (ع) رسید دید کارگر کارش تمام شده و نزدیک غروب آفتاب است فرمود بهش مزدش را دادید گفتند که ندادیم فرمود که چطور؟ گفت یک چیری بهش می‌دهیم آقا خیلی عصبانی شد و گفت یک چیری بهش می‌دهید شما اصلاً به قراری برایش گذاشته بودید و نه می‌لفش را معین کردید حالا می‌گوئید یک چیری بهش می‌دهیم کارگر را باید هم قرار با و گذاشت و وقتی هم که قرار گذاشتید او میدانند که چقدر قرار گذاشتید و کار خودش را انجام می‌دهد و وقتی هم شب به او اضافه دادی او با یک خوشحالی و با یک محبت دیگری از انسان جدا میشود این بهر حال اهمیت به کارگر و کار او و مزد او و حتی بیش از مقداری که طی کرده آدم به او بدهد همه



که می‌خواهد بکند چه نوع کاری است؟ اینها همه مطرح است و در اسلام سرمایه حد دارد و چنین نیست که هر کسی از ربا و دروغ و خیانت و کلاهبرداری بخواهد سرمایه جمع کند خیر سرمایه وجود سرمایه در اسلام مشروع است و بر مخرج طبیعی مشروع و بعد کاری که می‌خواهد انتخاب بشود آن کاری است که نیاز بهتر جامعه است و باید نیاز جامعه را رفع بکند نه اینکه یک سرمایه‌داری بخواهد فلان کار را انجام بدهد نه در اسلام این است که کار باید آن چیزی باشد که الان بدرد جامعه می‌خورد و نیاز جامعه است باید انجام بدهد و این کارا باید حکومت اسلامی بکند که آن کارا صلاح و بهتر را انجام بدهد یا مثلاً مسأله انحصار که در انحصار یکی قرار بدهد و سپس هر چه می‌خواهد بفروشد آنهم با اسلام موافق نیست یعنی اسلام نمی‌خواهد این کارها را بکند که یک کسی سرمایه‌ای را در انحصار خودش قرار دهد و هر طوری که می‌خواهد از آن استفاده بکند. روایات هم دارد از امام صادق (ع) که چند نفر را فرستاده بود برای تجارت که رفته بودند آنها وقتی رفتند به طرف شام و با چند نفر دیگر قرار دادی گذاشتند و تمام کالائی را که از خارج از شهر می‌آمد با هم خریدند و در دست خودشان بود و درآمد زیادی از این کالا بردند وقتی برگشتند پیش امام صادق (ع) مقدار پولی را که آقا به آنها داده بود و دو برابر آن پول را آوردند باینکه هزینه راهشان را از همان خرج کرده بودند آقا فرمودند شماها هزینه‌هاشان را داده‌اید و باینحال ۲ برابر پول آورده‌اید گفتند بله مادر راه چند نفر با هم بودیم و آن کالائی که می‌آمد زیر دروازه خریدیم و بعد هم در شهر

و هر دو تکثیر است و هر دو بلعیدن و خوردن یکدیگر است که همان الهیکم التکثیر حتی زرم المقابر آن است که زراوندی کنند و همه بخورند و دیگری را بخواهند ببلعند در همه جا وجود دارد و الان هم می‌بینیم که کشورهای کمونیستی هم در داخلش استثمار است و هم در بیرونش استثمار است در داخلش استثمار است آن وقتی انسان در کشورهای کمونیستی می‌رود می‌بیند که آن عیاشیها و آن اسرافها و تیزبیرها و هوسبازیها که هست و همچنین دردنیای سرمایه‌داری که در هر دو اینها استثمار و تکثیر وجود دارد در هر کدام به یک شکلی ولی شعار است یعنی چپ و راست یک شعاری راه انداختند و امیر المومنین (ع) در نهج البلاغه می‌فرماید که اصولاً با همین شعارهایی که رنگ حق دارد.

اینها در اسلام وجود دارد یعنی خوب و سزاوار است که آدم بیش از مقدار به کارگران بدهد، این یک بعد کار است که به اینصورت است ولی ما باید برگردیم به همان بحث اخلاقی خودمان و آن این است که در یکی از اصول قوانین اساسی دارد که می‌گوید اقتصاد وسیله است نه هدف این مسئله‌ای که اقتصاد وسیله است نه هدف، مسئله بسیار مهم است که اسلام اینجوری حرکت کرده و می‌فرماید که در تحکیم اقتصاد وسیله است نه هدف در مقدمه قانون اساسی هست البته در تحکیم بنیادهای اقتصادی اصل رفع نیازهای انسان در جریان رشد و تکامل اوست نه همچون دیگر نظامهای اقتصادی تمرکز و تکثیر ثروت و سودجویی زیرا که در مکاتب مادی اقتصاد خود هدف است و بدین جهت در مراحل رشد اقتصاد عامل تخریب و فساد و تباهی میشود ولی در اسلام اقتصاد وسیله است و از وسیله انتظار نمی‌رود جز کارائی بهتر در راه وصل به هدف نمیتوان داشت باین فرام کردن زمینه بروز زمینه مناسب برای بروز خلاقتهای متفاوت انسانی است و بدین جهت تامین امکانات مساوی متناسب و ایجاد کار برای همه افراد و رفع نیازهای ضروری جهت استمداد حرکت تکاملی او بر عهده حکومت اسلامی است منظور از بیان این اصل از قانون اساسی این است که اقتصاد را هدف قرار نداده اقتصاد را وسیله قرار داده باین طرز که اقتصاد وسیله قرار بگیرد متوجه میشویم به آن حرکت فرهنگی که در اسلام وجود دارد که یعنی همه یاریکدیگر باشند و همه کمک بکنند و اگر این حرکت باشد که به اصطلاح همه انسانند و بنده

- فهرست
- سرمقاله
- کار در اسلام ارزش معنوی و جهاد دارد
- پیام امام امت
- پیش بسوی آینده اسلامی
- روز کارگر در جهان اسلام
- نظر خواهی بی سابقه جمهوری اسلامی از کارگران سراسر کشور
- سخنرانی شهید مظلوم
- فرازهایی از سخنان امام
- مصاحبه اختصاصی بابا در کمالی
- نماینده مجلس شورای اسلامی
- آشنایی با دفتر بسیج و گسترش فرهنگ اسلامی وزارت کار
- گفتگو بابا در علیرضا محبوب
- بوشهر میراث ۲۵۰۰ سال سلطه طاغوت
- به بهانه یکمین سالگرد خلبان شهید شیرودی
- آموزش رزمی
- جغرافیای سیاسی بحرانیهای جهانی
- شعر:
- خون شهیدان بخروش آمده
- گزارشی از لاله زار
- آغاسی باز میگردد
- خدا رحمت کند ملک الخطاطین را
- بچه‌ها
- آخرین قسمت مشورت
- تصویری از غرب
- قصه سگها
- عکس و حرف



پنجشنبه

هر صبح پنجشنبه

ضمیمه روزنامه جمهوری اسلامی

ارگان حزب جمهوری اسلامی

برادر و خواهر مسلمان با ارسال نامه‌ها، پیشنهادات، انتقادات اشعار، قصص یا طنزی جالب ما را در این مهم یاری فرمائید. مطالب خود را به آدرس:

تهران خیابان سعدی جنوبی شماره ۵۷۱ اطاق شماره ۵۵۵

«صبح پنجشنبه»

ارسال فرمائید.

و یا تلفنی از ساعت ۲ بعد از ظهر به بعد با تلفنهای

۳۰۶۱۱۴ ۳۰۶۱۱۶

۳۰۶۱۱۵ ۳۰۶۱۱۷

داخلی ۵۷ تماس حاصل فرمائید

پیام سال گذشته امام خمینی - مناسبت روز جهانی کارگر

● بزرگداشت روز کارگر، وظیفه‌ای است ملی و اسلامی و همگانی.

● طبقه شریف کارگر ثابت کرد که قادر است با خواست خداوند متعال کشور عزیز خود را با کوشش شبانه روزی از وابستگی نجات دهد.

● گروهک‌های نادان باکردار و گفتار خود ثابت کردند که دشمنان خلق و خالق و بازیگرانی ناشی در صحنه می‌باشند.

بیشتر زند.
امروز بعد از دو سال جنایتکاری گروهک‌های وابسته به قدرتهای خارجی مشت آنان در پیشگاه ملت و خصوص کارگران عزیز بخوبی بازو این گروهک‌ها نادان باکردار و گفتار خود ثابت کردند که دشمنان خلق و خالق و بازیگرانی ناشی در صحنه می‌باشند.
این سوداگران در اعمال فتنه انگیز بچگانه خود چهره قبیح خود را به ملت و خصوص طبقه مستضعف که بی‌رست پستی‌بانی آنان را باور کند آنچنان ناشیانه نشان دادند که برای کسی نباید جای شک و تردید باقی باشد که اینان جیره خواران کاخ سفید و کرملین می‌باشند و دشمن درجه یک کارگران و کشاورزانند.
برادران عزیز کارگر که برای خود کفایتی کشور باجان و دل و کار طاقت فرسا به خدمت به کشور اشتغال دارید، اینان به خیال خام خود می‌خواهند شما عزیزان را آلت مقاصد شوم خود قرار داده و در نفع ابرقدرتها از شما استفاده نمایند، بهوش باشید که اینان کسانی هستند که دانشگاه راستگر جنگ علیه اسلام و ایران کردند و اصرار آنان و هوادارانشان برای باز شدن دانشگاه بمنظور مقاصد شوم آمریکا است. اینانند که در کردستان و دیگر جاها بر ضد جمهوری اسلامی با دشمنان اسلام پیوند بسته و به جنگ افروزی برخاسته‌اند و اینان هستند که در هر فرصت جوانان متعهد ما را با اسلحه گرم و سرد مورد حمله قرار داده و می‌دهند و اینان هستند که پس از هر پیروزی چشم گیر از طرف قوای مسلح در جبهه و در پشت جبهه در شهرهای مختلف به جنگ افروزی و فساد می‌پردازند. تا ذهان را از جبهه‌ها معطوف کنند و اینان اند که

* بهوش باشید که خدمتهای ارزنده شما در راه کشور عزیز اسلامی، بادست جنایتکار این گروهکها به خدمت آمریکا کشیده نشود.
* برای کسی نباید جای شک و تردید باقی باشد که اینان جیره خواران کاخ سفید و کرملین می‌باشند.

بسم الله الرحمن الرحيم

مبارک بادروز کارگر (بخصوص کارگران گرانقدر و بر عموم ملت و مستضعفان جهان) بزرگداشت روز کارگر این ستون فقرات استقلال کشور و این اسطوره سرنوشت ساز و رهائی بخشی ازواستگی‌ها و ویوستگیها وظیفه‌ای است ملی و اسلامی و همگانی طبقه شریف کارگر در این مدت کوتاه و خصوصا بعد از تجاوز عمال احانت به خاک میهن عزیز ثابت کرد که قادر است باخواست خداوند متعال کشور عزیز خود را با کوشش شبانه روزی ارواستگی نجات دهد و مشت قدرتمند گره کرده خود را بر دهنان پايه گویان و تبلیغات چپان خارج و تفاله‌های وابسته مردور داخل کوبید و دست رد بسینه منحرفان و منافقان وابسته به چپ و راست با قدرت هر چه

پیش بسوی آینده اسلامی روز کارگر در جهان اسلام



کارگران آمریکا بهتر نشده است، بلکه سرمایه‌داران آمریکائی بر این سوی اقیانوسها هم پنجه انداخته‌اند. امروز پس از گذشت نود و اندی سال از آن روزها و روزها، سیاهان مظلوم آمریکا به همراه برادران سرخ و سفید خود، در آتش ظلم و تبعیض و ستم میسوزند و به محله‌های هارلم در قلب نیویورک، واقعیت می‌بخشند. اما، این همه ماجرا نیست. سیاهان آفریقا، از کناره‌های اقیانوس هند تا اطلس هم هستند و در همان شرایط و آتشی میسوزند که سیاهان «کثیف» میخوانه‌های مهد حقوق بشر و سفیدها و سرخها و زردهای دیگر دنیا هم. امروز پس از نود و اندی سال، مسئله فلسطین و عمان و جنوب لبنان و فیلیپین مطرح است. امروز این مسئله مطرح نیست که آیا کارگران شیکاگو حق دارند از مرخصی‌های سالیانه استفاده کنند یا نه، مسئله این شده است که آیا اصولاً صحبت از حق مجاز است یا خیر. نود و شش سال پیش، پلیس آمریکا دست به اسلحه و باتوم برد تا یک اعتصاب کارگری را در یک شهر این کشور سرکوب نماید. اما امروز بدون آنکه نیازی به البسه مزین به آرم پلیس فدرال باشد، کارگر فلسطینی، عراقی، مصری، افغانی و عربستانی را به خاک و خون می‌کشند. نود و شش سال نه، هزاران سال است که

می‌گیرد و برگزاری مراسم روز جهانی کارگر هم نتوانسته است مانعی برای او درست کند. اکنون حتی از استخوان کشته شدگان شیکاگو هم اثری نیست، لکن ریگان ششول بند وجود دارد و به اتفاق رقیب خطرناک خود، کله حق طلبان فلسطینی، اریترای، اتیوپیائی، لبنانی، مکزیک و آرژانتینی را مثل قوطی آبجو می‌پراندند. نود و اندی سال است که همه ساله میلیونها کارگر و زحمتکش و اقشار متوسط جوامع به خیابانها می‌آیند تا از حق دفاع نمایند و ظلم اقتصادی را محکوم می‌کنند و بخصوص از قیام حق طلبانه‌ای تحلیل بعمل آورند که پروتکل‌های آمریکای ۱۸۸۶ بها کردند. اما نتیجه این همه فریاد چه بوده است و سرمایه‌داری آمریکا که مجرم است، تا چه اندازه از مواضع استیلاطلبانه و استثمارگرانه خود عقب نشسته است؟

واقعتهای جهان امروز و بخصوص وضع رقت‌بار مظلومین و محکومین ایالات متحده و شرکا در اقصای نقاط گیتی، حکایت از عقب‌نشینی ندارد. در آن روزهایی که دهها هزار کارگر صنعتی شیکاگو خواهان وضع بهتری برای خود و خانواده‌های خود شدند، هنوز آمریکا، امپریالیزم نشده بود. اما امروز نه تنها وضع تعداد بیشمار از

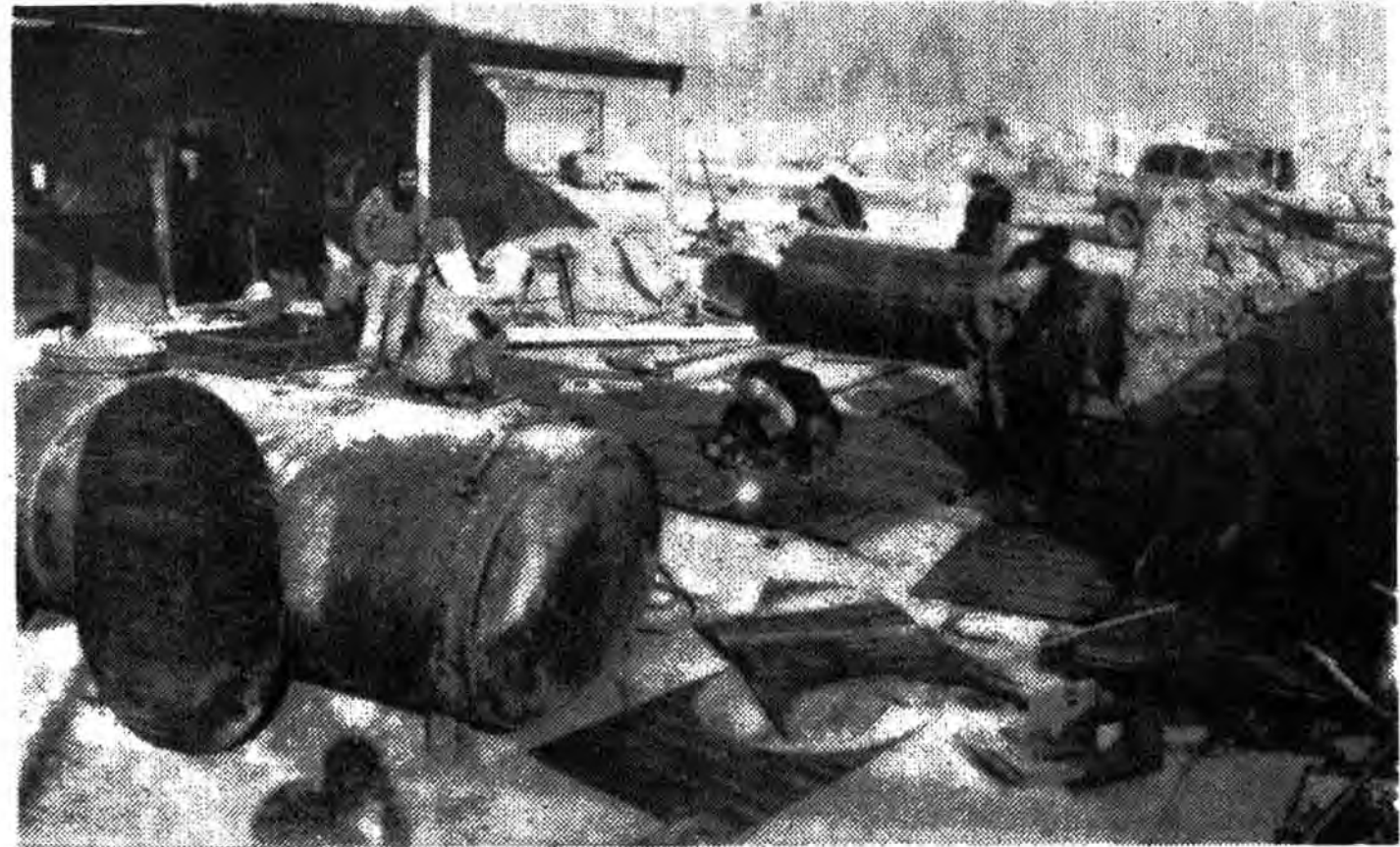
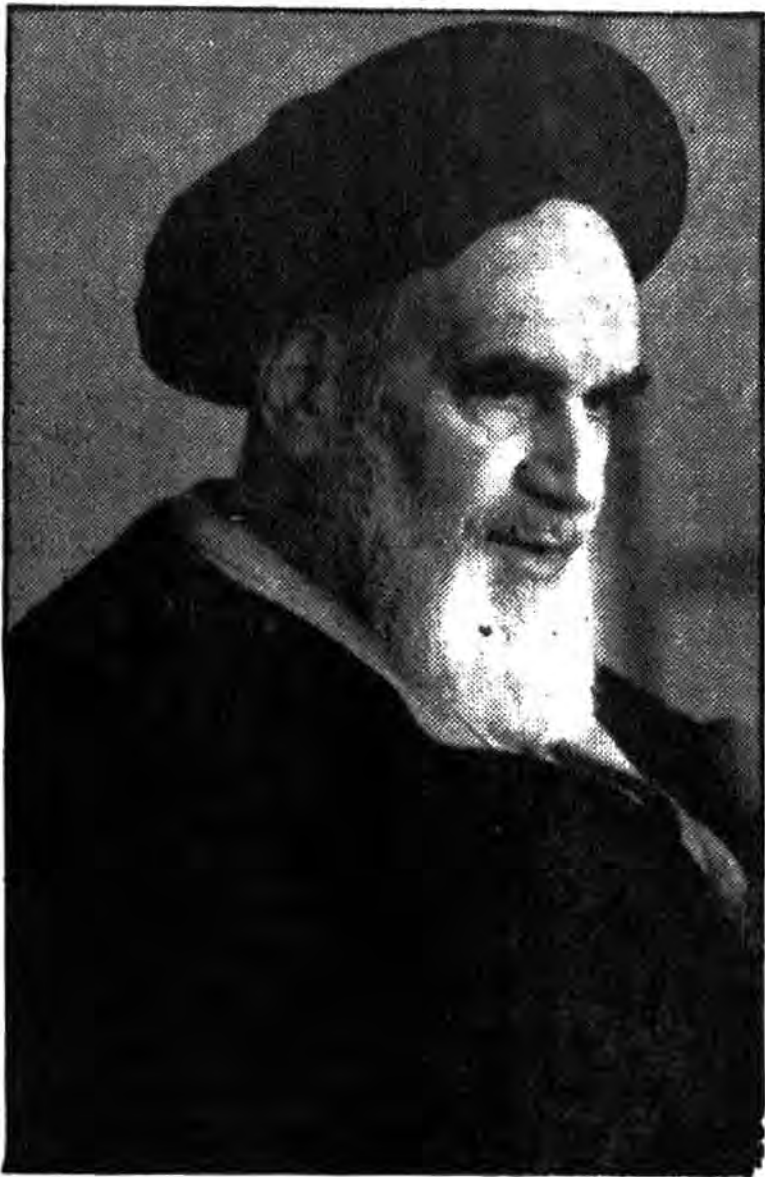
خاص خود را میدهند. نود و اندی سال است که مارکسیستها بعنوان خونخواهی کارگران شهید اعتصابی، علیه سرمایه‌داری آمریکا تبلیغ نموده‌اند و خواهان همبستگی همه خلقها علیه نظام مزدوری و بورژواها شده‌اند. نود و اندی سال است که آمریکا و شوروی با هم کوبیده شده‌اند. و نود و اندی سال است که سرمایه‌داران تبلیغ نموده‌اند که خطر کمونیستها جدی است. نود و اندی سال است که در کشورهای دیگر نزاع بر سر این بوده است که کدام خطر جدی‌تر است. و ۳ سال است که یانگ اکبر شیده میشود. و دقیقاً ۳ سال است که شرق و غرب هر کدام به بهانه خط دیگری در محدودهای جغرافیائی بنام ایران قدرت نمائی می‌کنند. و باز هم دقیقاً ۳ سال است که ایران خطر تهدیدکننده‌ای برای آن دو برادر ربر و درشت شده است

نود و اندی سال از آن روزی که دهها هزار کارگر صنعتی یا پروتکل خواهان افزایش دستمزدهای خود، کم شدن میزان ساعات کار به هشت ساعت و استفاده از مرخصی‌های سالیانه شدند، می‌گذرد. اما هنوز سرمایه‌داری‌ها از آمریکا قویتر از آن روزها باقی است و در هر ثانیه، بیشتر از تعداد کشته شدگان قیام شیکاگو قربانی

بسم الله الرحمن الرحيم

نزدیک به یک قرن است که همه ساله در اکثر کشورهای جهان، مراسمی در اول ماه مه بنام روز جهانی کارگر برگزار میشود.
برگزاری این مراسم، اختصاص به کشور خاصی ندارد، هم در کشورهای سرمایه‌داری و هم در کشورهای سوسیالیستی و هم در کشورهای مستقل از این دو بلوک برگزار میگردد. در کنار این برگزاریها، تحریمهایی هم وجود دارد که بیشتر از جانب دیکتاتورها و رژیمهایی که از بحرکت درآمدن نوده‌های مستضعف کشور خود وحشت دارند، اعمال میشود. اما به آن تحریمها و نه این برگزاریها، نمی‌تواند ما را قانع سازد که روز جهانی کارگر با محتوای کنونی می‌تواند محرک مستضعفین و محرومین کشورهای تحت ستم جهان، در جهت مبارزات پیگیر با طواغیت جهان امروز و فردا شود....

اکنون نود و اندی سال است که قیام کارگران ستم‌دیده شیکاگو به منظور دست یافتن به خواسته‌های خود، ارج نهاده میشود. نود و اندی سال است که کارگران کشورهای سوسیالیستی، سرمایه‌داری و ظاهراً آزاد، در روز اول ماه مه به خیابانها میریزند و شعارهای



من بار دیگر روز کارگر را برملت عزیز و خصوص کارگران
تیزیک و تهنیت عرض می‌کنم و از خداوند متعال سعادت همگان
خواستار و قطع ریشه‌های فساد را امیدوارم.
دروود و تهنیت برملت بزرگ ایران.
پایدارباد جمهوری اسلامی ایران.

روح الله الموسوی الخمینی
۱۰ اردیبهشت ماه سال ۱۳۶۰

در توطئه‌ها علیه جمهوری اسلامی دست دارند.
برادران و خواهران بهوش باشید که خدمت‌های ارزنده شما در راه
کشور عزیز اسلامی بادیست جنایتکاران این گروه‌ها که خدمت
آمریکا کشیده نشود.
وای ملت بزرگ قهرمان و شهید پرور باشید که این
تفاله‌های استعمار دختران و پسران شما را آلت دست جهان‌خواران
چپ و راست قرار ندهند.

کارگران، جنگ روز کارگر...

کارگران، جنگ، روز کارگر...

روز کارگر، این روز که مصادف است با اول ماه مه سال
میلادی و یازدهم اردیبهشت سال شمسی آغازش با قیام
کارگران معروم و مستضعف شهر شیکاگو آمریکا علیه ظلم و
استبداد بوده و سرانجامش نیز همین است که هم‌کنون
شاهدش هستیم.

در ارتباط با روز جهانی کارگر امسال گفته‌ها و نوشته‌های
زیادی مطرح شده است و همانگونه که در ابتدا اشاره شد به
نظر ما، کارگران از این روز باید سهم بیشتری داشته باشند
لذا بدنبال این عقیده بر آن شدیم که نظرات مختلف کارگران
کشورمان را در رابطه با روز جهانی کارگر، چگونگی برگزاری
آن و آینده این روز داشته باشیم، با توجه به اینکه ما در حال
جنگ با آمریکای جنایتکار و نوکر سرسپرده او صدام هستیم
و همیشه معتقد بوده و هستیم که جنگ مهم‌ترین مسئله
برای ما است زیرا که مصمم هستیم که با پیروزی کامل اسلام
بر کفر به این جنگ خاتمه بدهیم، نظرات کارگران را درباره
مسئله جنگ نیز جویا شده‌ایم با هم این نظرخواهی را
میخوانیم:

است، اصولاً روز کارگر بایستی
روز تجلی وحدت و یگانگی بین
همه کارگران باشد بمنظور اینکه
بتوانیم در یکروز بخصوص گرد
آمده وحدت و یک پارچگی خود
را به نمایش گذاشته و با امام
عزیز و انقلاب اسلامی تجدید
بیعت نمائیم و جهت افشای
گروه‌های منحرف و فاسد و
خائن چون حزب توده که داعیه
حمایت از کارگر را دارند، در
مراسم این روز شرکت خواهیم
کرد، روز کارگر نمایانگر وحدت
کارگران با دیگر اقشار جامعه و
افشای چهره منافقین و گروه‌های
مزدور بیگانه که به عناوین
مختلف سعی در فریب نیروی
کارگرانی دارند و شناساندن
خط فکری

ابوالقاسم مقدسی کارگر
کارخانه ستالوین وحسین
کنعانی کارگر کارخانه
موتورسیکلت سازی
گواسوزکی شهرستان ساوه:
ما بخاطر اینکه به ابرجنایتکاران
نشان دهیم که با وحدت خود
پوزه آنها را بر خاک میمالیم و
بخاطر اینکه مستحکمتر نمودن
این وحدت در مراسم روز کارگر
شرکت میکنیم این روز باید با
شکوه اسلامی خاص خود برگزار
شود روزی که کارگران ایرانی
وحدت خود را در درجه اول با
مستضعفین عالم و سپس با دیگر
اقشار جامعه اسلامی خود اعلام
میکند.

محمد رضا جعفری کارگر
قسمت ابزار سازی کارخانه
روغن نباتی پارس (قو): بنام
خدای حامی مستضعفان و دشمن
مستکبران، در اسلام همه روزها
روز کارگر است و چه افتخاری
بالتر از این که خدا نیز کارگر

زنده بداریم که تنها متعلق به
زمان خاصی نیستند و تحقق آنها
برای زمان و مکان معینی از تاریخ
و جغرافیا، خواسته نشده باشد.
اگر چنین نباشد، یادها و
یادواره‌ها، در نقطه‌ای از راه
بی‌انتهای تاریخ، تأثیرشان را بر
آذهان توده‌ها از دست میدهند و
به مرور از خاطرها هم میروند.
ما در طول تاریخ، باید
قیام‌های فراوانی را متصور باشیم
که در اینجا و آنجا جهان
پنهان، چنین سرشت و
خواستگاهی داشته‌اند. ما اگر
اعتقاد داشته باشیم که مبارزه
حق علیه باطل
هرگز قطع نگردیده است،
می‌بایستی مؤمن باشیم که در
هر دوره تاریخی، قیام‌های
حق طلبانه‌ای علیه ظلم و ستم
بوقوع پیوسته‌اند که شاید اکثر
آن قیام‌ها، همچون قیام کارگران
شیکاگو به خون کشیده شده‌اند.
اما چرا همه این قیام‌ها در حلقه
تاریخ نمانده‌اند؟ و چرا اگر هم
مانده‌اند و میشود آنها را در
لابلای صفحات پر حجم کتاب
تاریخ پیدا نمود، آنقدر کم‌رنگند
که تأثیری بر روندهای کنونی
زندگی بشری ندارند؟
این قیام‌ها بوده‌اند و عموماً
ماهیت حق طلبانه هم داشته‌اند و
طبعاً تأثیر خود را هم در زمان
خود بخشیده‌اند. اما از آنجا که
این قیام‌ها، مشخصه یک حرکت
اصیل را نداشته‌اند و تنها متعلق
به زمان خود بوده‌اند و از
انگیزه‌ها و منابع و سرچشمه‌هایی
تغذیه شده‌اند که استمرار
نیافته‌اند، فراموش گردیده‌اند و
طبعاً امروز نمی‌توانند
حرکت‌آفرین باشند.

مشخصه بارز این قیام‌های
ناپیدا در تاریخ، محققاً جهان‌بینی
حق طلبانه بوده است که مبدأ و
مقصد آنرا از چشم‌ها تا نوک
بینی میشود فرض کرد. قیام‌هایی
همچون قیام کارگران شیکاگو،
در زمینه‌های
مختلف تاریخی، در زمان نرونها،
فرعونها و سلطانها، فراوان
بوده‌اند. اما تاریخ این رغبت را از

جنایت‌های بمراتب هولناکتر از
جنایت شیکاگو انجام می‌گیرد. و
صدها سال است که سازمانها،
گروه‌ها و مراسم ضدفاشیستی
هم وجود دارند و برگزار
میکردند. و روز جهانی کارگر
هم، بیش از نودسال است که
برگزار میشود. آنچه از کارنامه
روز جهانی کارگر برداشت
میشود، گرفتار ساختن و تنیدن
تارهای بیشتری گرداگرد ذهن
خلقهای محروم و تحت ستم
است. این به معنی نفی کامل
اثباتات این روز
نیست، تأکید ما بر روند کنونی
مراسم ویژه این روز است. ما به
این حقیقت رسیده‌ایم که تا مبنای
حرکتها نفی طاغوت‌ها و
غیرخداها نباشد، یادواره‌ها
نمی‌توانند یک خطر جدی را
متوجه منافع استثمارگران جهانی
نمایند. روند کنونی مراسم روز
جهانی کارگر هم بر مبنای یک
قیام و حرکت رفرف طلبانه، چنین
نتیجه‌ای را عاید خواهد ساخت.
هزاران سال دیگر هم که بگذرد و
مبنای روز جهانی کارگر همین
باشد، تفاوتی نخواهد کرد و آب
از آب تکان نخواهد خورد. در
نهایت ممکن است که روند
کنونی این مراسم بتواند به
رفریم‌های دیگری به سود
زحمتکشان بیانجامد. چرا که یاد
این روز، یاد یادآوران ضد طاغوت
نیست. چرا که مبنای این روز،
قیام و حرکتی آرمانخواهانه و
متعلق به همه نسلی نبوده است.
ما برای چه یادها را زنده
نگه‌مداریم؟ برای چه یادواره‌ها
را برگزار می‌کنیم و هر ساله
جدیدی را تکرار می‌کنیم که همه
میدانند؟ آیا نه برای اینست که این
یادها و یادواره‌ها بتوانند
انگیزه‌ها را از مردن در درون
انسانها نجات دهند؟ آیا نه برای
اینکه قدمها را محکم گردانند و
جهت و سوی منتهی به کمال و
رهائی را گوشزد نمایند؟ آیا
یادواره‌ها برای آن نیست که آتش
مقدس نبرد میان جبهه حق و
باطل، روشن و فروزنده بماند؟
اگر چنین است می‌بایستی یاد آن
آرمانها، آرزوها و هدفهای را

هر واحد تولیدی یا صنعتی بآلباس
کاروبلا کاردهای مخصوص
از نقاط مختلف در یک مکان جمع
شوند از اهداف این روز میتوان
از تحدید بیعت با امام عزیز
وافشای چهره توطئه‌گران داخلی
و خارجی و نمایاندن موضع قاطع
و مشخص کارگران علیه
گروه‌های چپ است
وخصوص منافقین و حزب خائن
توده که با تشکیل
کانونها و سدیگاهاسمی در رخت
بین کارگران را دارند، نام ده.
نقش کارگران در جنگ:
نقش برادران و خواهران کارگر
در جنگ تحمیلی از روزاول جنگ
کاملاً مشخص میباشد. آنها
بساتولید و فعالیت فراوان
در سنگر کارخانه و کمپهای مالی
و اقتصادی و مقابله با ضد انقلاب
داخلی و کشف توطئه‌های حاکمانه
مزدوران شرق و غرب، در پشت
جبهه یار و یاور رزمندگان عزیز
در جبهه‌های جنگ بوده‌اند.
همچنین از سوی واحدهای
صنعتی و تولیدی تعدادی
از نیروهای مؤمن و کارآمد به
جبهه‌ها اعزام شده‌است.

جهان بخش اصغری
کارگر کارخانه ایران موبیل
هموز علی جعفری
نژاد کارگر کارخانه تولیدی
رایاتاتور کاوه واقع
در شهرستان ساوه:

بسمه تعالی- برای نشان دادن
وحدت و یکپارچگی خود و اینکه
سعی و کوشش
ابرقدرت‌ها در ایجاد تفرقه بین
ما کارگران اثر ندارد. در روز کارگر
شرکت می‌کنیم و با این
کار خود مشت محکمی به دهان
ابرقدرتها می‌زنیم. شما
می‌پرسید روز کارگر چگونه
برگزار می‌شود ولی مامیگوئیم که
تمام روزها روز کارگر است. ولی
همانطور که گفته شد
بمنظور تجلی عینی وحدت
کارگران، روزی بنام
روز کارگر نامگذاری شده‌است.

بقیه در صفحه ۷



متن کامل سخنان شهید مظلوم آیت ا... سید محمد حسینی بهشتی در مراسم باشکوه ۱۱ اردیبهشت سال ۵۸

فاجعه انفجار حزب جمهوری اسلامی یکی از دردناکترین وقایع دوران بعد از انقلاب بود که فرزندان پاک و صادقی را از مردم گرفت و در این میان فقدان شهید مظلوم آیت ا... بهشتی همیشه ملموس و قابل بحث است. هر چند که او اینک در بین مانیست ولی به یاری پروردگار و همت همزمانش راهش ادامه دارد و همیشه نیز ادامه خواهد داشت. در ذیل متن کامل سخنان شهید مظلوم آیت ا... بهشتی را در اجتماع مردم بنماست روز کارگر در اردیبهشت سال ۵۸ در میدان امام حسین با هم میخوانیم:

بسم الله الرحمن الرحيم

سلام بر ملت مسلمان و انقلابی و پرتلاش ایران. سلام بر کارگران شریف و با ایمان کشورمان که در همه مراحل سخت انقلاب مجاهدان نستوه و مبارزان شجاع و دلیری بودند و همگام با گروهها و قشرهای دیگر مبارز و مجاهد مسلمان جامعه ما در پیروزی انقلاب در نخستین مرحله‌اش یعنی بیرون راندن کله طاغوت از این کشور نقش بزرگی بر عهده داشتند. امروز در راه که می‌آیدم تا در این مجمع باشکوه اسلامی شما شرکت کنم از مسیر نظام آباد و نارمک آمدم، آنچه امروز می‌دیدیم خطا و راهپیمایی‌های باشکوه چند ماه قبل را که زن و مرد کوچک و بزرگ پیر و جوان با ایمان و شور در آن شرکت داشتند برآیم زنده کرده. دختران و پسران دانش آموز از مدارس بیرون آمده بودند، صفهای منظم، شعارهای زنده داشتند و فریاد آنها این بود که ای کارگر ایرانی! ای کارگر مسلمان! آگاه باش هیچ شعاری هیچ وسوسه‌ای تو را از انتخاب راه راست و صراط مستقیم اسلام به سوی جامعه پرسعادت و جامعه بدون تبعیض توحیدی درمای منحرف نکند. این که این فریاد از دل و جان نوجوانان جامعه برمیخیزد بشارت آینده‌ای پر موفقیت برای انقلاب پر شکوه اسلامی ماست.

انقلاب حقیقی انقلابی است که بر متن جامعه تکیه داشته باشد و همه مان میدانیم و تجربه تاریخی این چندین ده سال به همه کارشگران و پژوهشگران نشان داد که تنها انقلابی در ایران انقلاب مردمی، انقلاب خلقی، انقلاب توده‌ای، انقلاب عمومی و هه گانی، انقلاب ناس در برابر مترفین و در برابر طاغیان است که که آهنگش، آرمانش تنها و تنها از اسلام باشد. نسل نوجوان ما اثبات می‌کنند عین این مطلب را. این نسل نوجوان در بیست سال قبل از همه گروههای دیگر، زمینه مساعدی برای اقوای و فریبه‌ها بشمار میرفت. بسیار خرسندیم که به برکت این انقلاب این نسل چنان آگاهانه با مسائل برخورد میکند که مایه افتخار و مباهات و سرشارتر شدن امید به آینده است. کارگران عزیز. رهبری انقلاب اسلامی ایران، حزب جمهوری اسلامی، همه گروههای متعدد بر این نظر متفق هستیم که کارگر و همه کارکنان موسسات صنعتی، تولیدی و موسسات تولیدی غیر صنعتی باید در همه مسائل اصلی مربوط به تولید، توزیع، قیمت گذاری، رسیدگی به بازده و درآمد سهم باشند. شورای مدیریت کارگاه اسلامی بر این پایه طرح ریزی شده است که کارگر در آن شورا در مقابل دیگران نخواهد بایستد، بلکه کارگر، تکنسین، مهندس مدیر و همه دست اندرکاران اقتصاد سالم در این شورا برآستی دیدار مشورتی داشته باشند. شورا وقتی شورا است که محل مشورت و استفاده از فکر یکدیگر باشد نه محل صف آرایی در مقابل یکدیگر این نه تنها در شوراهای موسسات تولیدی صدق میکند که در مورد شوراهای روستاها، بخشها، شهرها، شهرستانها استانها و حتی مجلس ملی کشور مسلمان ایران در آنجا هم باید مطلب همینطور باشد. شورائی که میدان صف بندی باشد به درد ملت ما نخواهد خورد، این شورا لایق است برای تفرقه افکنی تفرقه افکنی که فقط و فقط به سود کسانی است که در انتظار آن نشستند تا ایران انقلابی خدای ناکرده با یک فاجعه اقتصادی روبرو شود.

ما ایمان داریم که آگاهی شما کارگران عزیز ایمان شما به رهبری قاطع، مخلصانه و صمیمانه امام خمینی تجربه اعتماد آوری که در طول این سالها مبارزه از افراد گوناگون دارید که همواره در مسیر انقلاب عاشقانه در خدمت آرمان انقلاب بودند در قلب یک یک شما چنان اعتماد و ایمان ثابت و راستی نسبت به روحی که انقلاب در پیش گرفته بوجود آورده است که با چنین ایمانی، هرگز امکان نفوذ وسوسه‌های توطئه گران در قلب کارگران ما پایدار نخواهد ماند. دوستان عزیز با صراحت اعلام میکنم ما در جامعه آینده امکان استثمار یک انسان بوسیله انسان دیگر را، هر که باشد و در هر جایگاه باشد بهیچ عنوان باقی نخواهیم گذاشت. این را ما مکررا اعلام کردیم، پایش هم ایستادیم من در برخورد با صاحبان صنایع در جلساتی که تشکیل داده بودند تا نظر انقلاب را بدانند در برخورد با بازرگانان در جلساتی که تشکیل داده بودند تا نظر انقلاب را بدانند با صراحت اعلام کردم که جامعه‌ای، جامعه اسلامی است به این جمله خوب توجه کنید جامعه‌ای جامعه اسلامی است.

که همه مواهب آن جامعه، همه بازده تلاشهای اقتصادی آن جامعه را بر روی یک سفره گسترده آماده کنند و همه مردم دور یک سفره بنشینند. به آنها گفتم هر روند اجتماعی و هر روند اقتصادی که سفره شما را از سفره دیگران جدا کند ضد اسلام است. به آنها گفتم اگر قرآن تکیه میکند که (ان المومنون اخوة) برآستی مومنان و انسانهای با ایمان مسلمان برادر یکدیگرند حفظ آن برادری، از هر گزندی از نوع فاصله‌های گروهی یا طبقاتی، از واجبات اساسی

انقلاب اسلامی ماست. به آنها تاکید کردم هر کس میتواند با تمام کار آیش به عنوان کارگر ساده به عنوان کارگر ماهر به عنوان کارگر پرمهارت، به عنوان مهندس تحصیلکرده، به عنوان پزشک، به عنوان مدیر کارگاه، به عنوان کارگر بخش توزیع، به عنوان مدیر بخش توزیع، در این جامعه کاری متناسب با خویشتن انجام دهد، ولی به یک شرط، شرط اینکه در برابر کار و خدمت انتظار این که ما وحدت اسلامی- اجتماعی مان را قربانی خدمت آگاهانه و ارزنده او کنیم نداشته باشد. جامعه ما بیش از هر چیز نیازمند است به یکپارچگی و وحدت و این وحدت با این فاصله‌های سرسام آور درآمدها هرگز قابل نگهداری نیست.

ما نمیتوانیم و اسلام نمیتواند و نمیکند و خلاف راه اسلام است که به یک کارگر ساده بنده میگویم کارگر ساده بگوئیم در یک کارگاه یا در یک کشتزار یا در یک مغازه، در یک فروشگاه فرق نمیکند، در یک اداره در یک مدرسه، تو بیا کار بکن و در شرایط اقتصادی امروز روزانه بین ۵۰ تا ۱۰۰ تومان حداکثر اجرت بگیر و بعد به یک مدیر کارگاه بگوئیم تو هم بیا کار بکن و روزانه به طور متوسط ۱۰ برابر یا ۲۰ برابر، ۵۰۰ تومان و یا ۱۰۰۰ تومان بگیر. این قابل تحمل نیست. اگر برآستی میخواهد شورا تشکیل شود.

شورای اداره کارگاهها و موسسات باید روندی را انتخاب کند که در عین آنکه ارج گذاری عادلانه به نقش اقتصادی در هر فردی از

شهید مظلوم آیت ا...
بهشتی در حال سخنرانی
در یکی از گودهای
جنوب تهران
همراه با گود
نشینان



*** با چنین ایمانی هرگز امکان نفوذ وسوسه‌های توطئه گران در قلب کارگران ما پایدار نخواهد ماند**
*** امروز دیگر نباید در سرزمین جمهوری اسلامی ایران هیچ انسانی، هیچ مردی، هیچ زنی، هیچ کوچکی، هیچ بزرگی نباید برای گذراندن روزانه‌اش درمانده باشد.**

*** کارگر و همه کارکنان موسسات صنعتی، تولیدی و غیر صنعتی باید در همه مسائل اصلی مربوط به تولید، توزیع قیمت گذاری، بازده و درآمد سهم باشند**
*** این نسل چنان آگاهانه با مسائل برخورد می‌کند که مایه افتخار و مباهات و سرشارتر شدن امید به آینده است**

امروز دیگر نباید هیچ انسانی در سرزمین جمهوری اسلامی ایران، هیچ انسانی، هیچ مردی، هیچ زنی، هیچ کوچکی، هیچ بزرگی نباید برای گذراندن روزانه‌اش درمانده باشد. دولت، رهبری انقلاب، شماها، ماها همه با هم باید برای تأمین نیازهای روزانه فوری همه کسانی که نیازهایشان تأمین نمیشود برنامه ضربتی روزانه داشته باشیم این برنامه ضربتی را تا حدودی اعلام کردیم و با هم دنبال خواهیم کرد.

۲- برنامه‌های ضربتی برای تأمین نیازهای روزانه هرگز معنایش این نیست که به کارگر بگوئیم بسیار خوب است غذایت تأمین شده، لباست تأمین شد این هم ثمره و دستاورد انقلاب برای تو.

هرگز، هرگز، هرگز. برنامه اصلی انقلاب همان است که عرض کردم پیش به سوی نظام اقتصادی عدل اسلامی که در آن هیچ گونه امکانی برای استثمار و بهره‌کشی وجود نخواهد داشت. با سلام و درود فراوان بر شما و با امید و آرزوی پیروزی انقلاب مان.

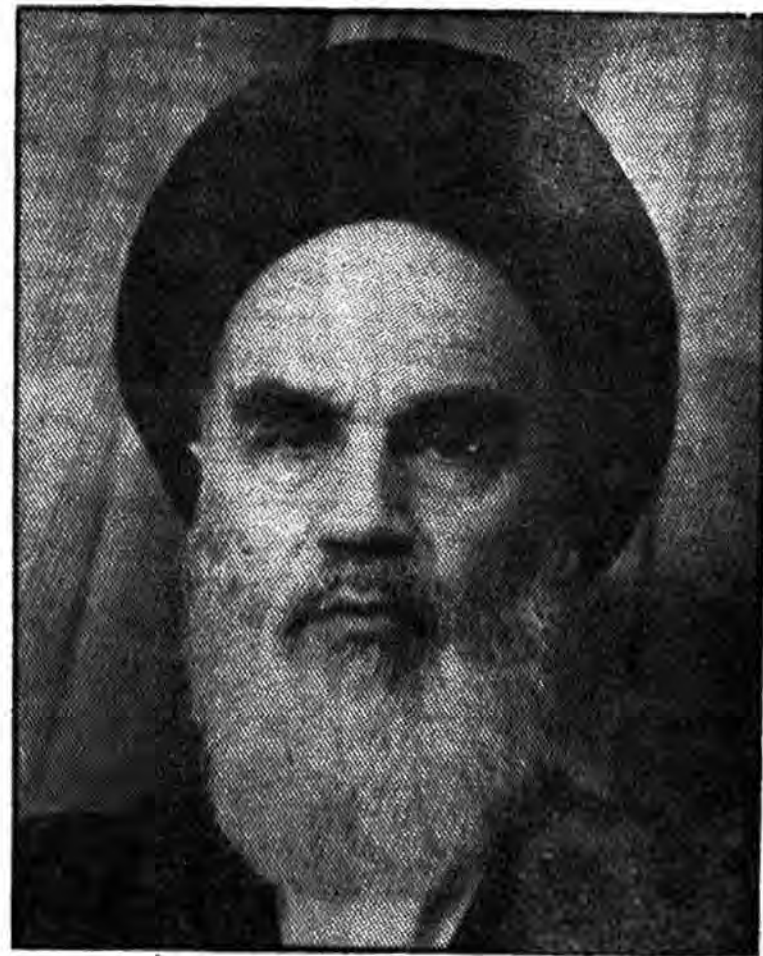
خدا نگهدار شما باد.

افراد کارگاه مورد توجه است جلوگیری از فاصله‌های زیاد میان درآمدهای اصلی اغماض ناپذیر باشد. بر این اساس است که ما معتقدیم چنین شوراهایی نه تنها مزاحم رشد اقتصادی ما نیست بلکه این گونه شوراهای برآستی میتواند عامل موثری در پیشرفت سالم اقتصادی اسلامی جامعه انقلابی ما باشد. دعوت میکنم هم دولت را، هم روحانیت را، هم کارگران را و هم همه کسانی دیگری را که به شکلی از اشکال یا مسئله شوراهای پیوند و ارتباط دارند، دعوت میکنم که اینها صمیمانه برای تهیه طرح نهائی تشکیل این شوراهای تعیین حدود وظایف و اختیارات آنها با رعایت وضع گوناگون کارگاههای کوچک و بزرگ و شرایط مختلف هر چه زودتر گروههای مرکب از این گروههای اجتماعی مختلف بوجود آورند و طرح شوراهای را تهیه کنند و برای تصویب نهائی به شورای انقلاب اسلامی بفرستند و بیش از این اجازه ندهند که تحت عنوان شعار شوراهای کارگری، کارگران عزیز ما به این سو و آن سو کشانده شوند، بدون آنکه نتیجه عینی عائد آنان گردد.

کارگران، برادران و خواهران عزیز کارگر شما حق دارید

کارگران، جنگ، روز کارگر.....

اختصاص یک روز به کارگران شاید به لحاظ تشریفات و تعظیم باشد والا هر روز، روز کارگری و کارگران هست.



همانطوری که سرحدات را قوای مسلح نگهداری می کنند و با شجاعت و شهامت از اسلام دفاع می کنند، جوانانی پرارزش را از دست می دهند (معدنک با کمال اشجاعت به دفاع از کشور و اسلام مشغول هستند) در داخل کشور هم مجاهدین کارگر و مجاهدین کشاورز مجاهده می کنند نظیر همان مجاهدات.

آنها (قوای مسلح) سرحدات را از آسیب حفظ می کنند و شما متن کشور را از وابستگی حفظ می کنید، آنها (قوای مسلح) مجاهد فی سبیل الله هستند و شما هم مجاهد فی سبیل الله... همانطوری که خون آنها در پیش خدای تبارک و تعالی مقدس و ارجمند است عرق شما (کارگران) هم در پیشگاه خدای تعالی مقدس است.

اسلام برای شما (کارگران) ارج زیاد قائل است.

اینها کارگران هستند کشورها را از این جهت مدیر این عالم طبیعت در این زمین که یک سیاره کوچک است اداره امور این زمین بدست کارگران است و دست اینهاست که اداره می کند و زنده می کند این عالم را. زنده می کند کشور را.

طبقه شریف کارگر در این مدت کوتاه خصوصا بعد از تجاوز عمال اجانب به خاک میهن عزیز ثابت کرد که قادر است با خواست خداوند متعال کشور عزیز خود را با کوشش شبانه روزی از وابستگی نجات دهد و مشت قدرتمند گره کرده خود را بر دهان یاهو گویان و تبلیغاتچیان خارج و تفاله های وابسته مزدور داخل کوبد و دست رد به سینه منحرفان و منافقان وابسته به چپ و راست با قدرت هر چه بیشتر زند.

کارخانه ها باید به همت شما (کارگران) براه بیفتند، وقتی که براه افتاد منفعتش هم مال مملکت خودتان و از آن خود شما است.

کشاورزان و کارگران اساس استقلال کشور هستند و اگر این دو قشر بطور دلخواه انشاء الله عمل کنند گرفتاریهای کشور ما انشاء الله رفع میشود و از این جهت است که این دو قشر بیشتر مورد هجمه مخالفین انقلاب اسلامی هستند. بی جهت نیست که فعالیت گروههایی که بخلاف جمهوری اسلامی هستند وابسته به اجانب هستند به این دو قشر بیشتر توجه دارند و این دو قشر را بیشتر می خواهند به انحراف بکشانند.

محمود پناهنده یکی از کارکنان قسمت تخلیه از کارخانه الکل سازی باختران: بسمه تعالی - بدینمنظور که کارگران به ارزش خود در جامعه و اینکه آنها باوحدت بین خود و دیگر اقشار جامعه میتوانند آن چیزی را که واقعا حق است، بدست بیاورند، همه ما در راهپیمایی روز کارگر شرکت میکنیم. این روز، روزی است که کارگر را به جامعه معرفی کرده و مسئولیت وی را درقبال جامعه و مسئولیت جامعه را درقبال وی یادآور میشود. مراسم این روز باید بطور اسلامی برگزار شود نه بصورتی که باصطلاح طرفداران کارگر میگویند زیرا آنها به کارگران بعنوان طبقه ای جدای از جامعه نگاه میکنند در صورتیکه اسلام به کارگران بعنوان قشری در درون جامعه مینگرد.

مصطفی آزادی سرپرست بخش تولید کارخانه لانا با ۲۵ سال سابقه کار:

بنام خدا - از قراری که میگویند کارگران شهر شیکاگو در یک تظاهرات ضد سرمایه داری، بوسیله مزدوران امریالیست بخاک و خون کشیده شدند و بعدا مارکسیستها از این روز که برابر با ۱۱ اردیبهشت است استفاده کردند و در جهت آرمانهای مادی خود شکل دادند، لذا نمیتوانیم بگوییم که گروهکهای چپ در این روز دست به یک مانور میزنند، شرکت در مراسم روز کارگر صرفا برای مقابله با استکبار جهانی اعم از شرق و غرب است. از آنجا که در جمهوری اسلامی مبداء همه حرکتهای باید صحیح باشد، روز اول ماه مه باید به یکی از روزهایی که در فرهنگ اسلامی ارزشمند است، تغییر پیدا کند، مثلاً روز تولد حضرت علی (ع) که خود از شریفترین کارگران است را بعنوان روز کارگر قرار دهیم. وقتی که بدین مناسبت راهپیمایی عظیمی راه بیفتد، آنها که ناآگاه هستند، میپرسند این روز چیست، میگوئیم: روز تولد حضرت علی (ع) میگویند علی (ع) کیست؟ و... همانطور که الان میگویند اول ماه مه چه خبر است. مثلاً میگویند در این روز چند نفر درشیکاگو اعتصاب کرده و چند نفر به گلوله بسته شدند، همین وبس. حال آنکه در مورد حضرت علی (ع) تاریخ مظلومیت انسان مطرح است، راه علی راه سعادت بشر را نشان میدهد. خانواده علی نمونهای از یک خانواده اصیل والاهی و انسانی است، مبارزه علی، دانش علی، فضل علی، استقامت علی، سکوت علی، شهامت علی، شجاعت علی، و... همه اینها مطرح شده و جهان بایک دنیای عظیم و یک سرچشمه حیات روبرو می شود و در مسیر تکامل انسانی قرار میگیرد.

کارگران و جنگ: نقش کارگران در جنگ نقش تعیین کننده ای بوده است عده ای از کارگران با اجازه مدیریت و شورای اسلامی به جبههها اعزام شده و در کنار

برادران رزمندشان علیه کفر و نفاق می جنگند، مادرشهر صنعتی البرز شهدای زیادی از این قبیل داشته ایم. برادرانی هم که در کارخانه مانده اند، درسنگر تولید علیه محاصره اقتصادی و توطئههای استکبار جهانی درجنگ هستند.

غلام عباس سالاری قالیبدار کارخانه آجر پزی

بسمه تعالی - باتوجه به گفته امام که اساس هر کشور کارگران و دهقانان اند، مادر روز کارگر شرکت میکنیم تا ارزش واقعی خود را به جامعه نشان دهیم و به دیگر افراد جامعه بگوییم

که ما از شما جدا نیستیم برخلاف آنچه که گروههای ضد خلقی ادعا میکنند. اثر این روز مستحکمتر شدن وحدت و همبستگی بین کارگران مسلمان ایران و دیگر مستضعفین جهان میباشد. اینروز باید با شکوه هر چه بیشتر برگزار شود و برگزار کنندگان اصلی آن برادران و خواهران کارگر باشند.

کارگران و جنگ: کارگران چه در جبههها و چه در پشت جبههها که سنگر کارخانجات باشد، بعنوان یکی از بازوهای بخش نظامی بشمار میرود. علاوه بر این مساله هر ماهه مبالغی بصورت نقدی و کمکهای بصورت چک به جبهه ارسال میشود و یا به حساب جنگزدگان واریز میشود.

در پایان از طرف کلیه کارگران میگویم که خدایا از عمر ما بکاه و به عمر امام عزیز بیفز که ما را از زیر ظلم و ستم طاغوت و طاغوتیان آزاد کرد.

شود و اثرات آن بخصوص در کشورهایی که سعی میکنند انگیزه بچسباند و ادعای حکومت کارگری می کنند که همه طبل توخالی هستند رابه جانیان نشان دهیم نمونه کشورهایی که طبل توخالی بصدا در می آورند رامیتوانیم لهستان نام ببریم که کارگران کشور خود را سرکوب میکنند. ما باید فعالانه در این روز شرکت کرده و به جهانیان ثابت کنیم که علیرغم تبلیغات سوء امریالیستها که میگویند حقی رعایت نمیشود حق بخوبی در حد مقدرات رعایت میشود. ما باید براساس آیه شریفه «واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا» وحدت و یکپارچگی خود را حفظ کرده و در راه امام و در واقع راهی که به اسلام واقعی منتهی میشود گام برداریم.

کارگران و جنگ: همانطور که رزمندگان عزیز مادر خط مقدم جبهه رو در رو با صدامیان کافر می جنگند مادر پشت جبهه باتولید بیشتر بادشمن می جنگیم احمد فتحی شیدائی یکی از کارکنان قوه پارس (ری اوواک):

بنام خدا باتوجه باینکه در روزی همانند ۱۱ اردیبهشت عده ای از کارگران آمریکائی علیه حکومت استکباری این کشور قیام کرده و فریاد دادخواهی بر آوردند و اینکه امام امت خمینی بت شکن گفته اند که تمام فریادهایتان را بر سر آمریکا بکشید مادر مراسم روز کارگر شرکت میکنیم تا توطئههای آمریکای جانیکار را برای به بند کشیدن ملل محروم و مستضعفان افشاء

همان معنویات است، اگر فردی در ذهن خود هدف اصلی را مادیات قرار دهد قطعاً دچار دردسر مادی گرایانی چون سردمداران شوروی خواهد شد (از چاهی درآمدن و افتادن به چاهی دیگر)

کارگران و جنگ برای تک تک ما روشن است که کارگران چه نقشی در پیشبرد این جنگ تحمیلی به نفع اسلام و مسلمین داشتند. در پشت جبهه چگونه با تولید و کمک نقدی و جنسی و گنوشمالی دادن به منافقین و فرستادن فرزندان خود به جبههها مساله را روشن کرد که نیازی به گفتن همه آنها نیست زیرا تمام افراد یک کشور که کار میکنند، همه کارگرند و ما بهیچ وجه سعی نداریم که این قشر را جدای از دیگر افراد جامعه محسوب کنیم.

توران هیزم دوست کارگر کارخانه کشمیر:

بسمه تعالی - روز کارگر و استثمار سرمایه داران بسا میخیزند، سرمایه دارانی که وجودشان بستگی به استثمار کارگران دارد ما کارگران بمنظور محکوم نمودن اعمال ضد انسانی آنها، در راهپیمایی روز کارگر شرکت میکنیم. این روز باید با شکوه هر چه بیشتر برگزار شود تا مشت محکمی بر دهان یاهو گویان انقلابی نمایان زده شود.

سید علی موسوی کارگر کارخانه صنایع چرم و پوست خراسان و محمد پویان کارگر



کارخانه پرمیت خراسان:

بسم الله الرحمن الرحيم - روز کارگر بلحاظ در هم شکستن سلطه استعمار کارگران توسط سرمایه داران است. در این روز حقوق از دست رفته کارگران که جزئی از جامعه هستند، از سرمایه دارانی که مبنای فکری و سیاسی آنها بر پایه اقتصاد است، باز ستانده میشود امیدواریم با کیفیت کنونی با الهام گرفتن از رهنمودهای امام بتوانیم به روز کارگر شکل صد درد اسلامی داده و بخاطر بدست آوردن حقوق خود تحت لوای قوانین اسلام فعالیت کنیم.

بقیه در صفحه ۸

کرده و نشان دهیم که اسلام از تمام مستضعفین که علیه استکبار جهانی قیام میکنند، پشتیبانی خواهد کرد ما کارگران ایران، یادگار گرانی را که در آن روز علیه مستکبر زمانه (آمریکا) قیام کردند، در روز کارگر گرامی میداریم. کارگران ایرانی پس از پیروزی انقلاب نشان دادند که تمام روزها روز کارگر است و باید علیه استعمار و استثمارگران چه از نوع غربی و چه از نوع شرقی آن بها خاست. مساله روز کارگر و قیام کارگران شیکاگو باید برای همه روشن شود که آیا کارگران شهر شیکاگو هدفشان مادیات بوده است یا اینکه وسیله ای بوده برای رسیدن به هدف اصلی که

مهدی سوری از انجمن اسلامی کارخانه کشمیر:

بنام خدا - ما امسال هم مانند سال قبل در مراسم روز کارگر شرکت میکنیم و همانطور که امام امت فرمودند حق تعالی منشأ کار و کارگری است و سرچشمه کارها همانست که ما از خداوند متعال میگیریم در جمهوری اسلامی است که کارگر ارزش واقعی خود را دریافته است. تاثیر این روز وحدت هر چه بیشتر بین کارگران است. آنهایی که چرخ اقتصاد کشور را بگردش در می آورند. همه باید بدانند که جمهوری اسلامی مدافع کارگر است و دولت، اسلامی و مردمی است و اجازه نمیدهد که حق کارگر پایمال

بابرادر حسین کمالی نماینده مجلس شورای اسلامی

(پام خدا)

به بهانه روز کارگر فرصتی پیش آمد تا با برادر حسین کمالی نماینده مردم تهران در مجلس شورای اسلامی گفتگوئی پیرامون مسائل کارگری در کشورمان و منطقه و همچنین مسائل مربوط به شوراهای اسلامی و انجمنهای اسلامی کار خابجات کشور و روز جهانی کارگر داشته باشیم در ابتدا برای اینکه آخرین اخبار مربوط به مسائل کارگری را که در مجلس شورای اسلامی می گذرد بدانیم از ایشان راجع به طرح تصویبی هیئت دولت درباره شوراهای اسلامی کارگری سوال شد برادر کمالی در این مورد گفت:

بسم الله الرحمن الرحيم در حال حاضر سه طرح و لایحه درمورد شوراهای کارگری درمجلس شورای اسلامی درحال بررسی است یک طرح درمورد قانون شوراهای اسلامی کارخانجات است که به تصویب شورای انقلاب اسلامی جمهوری اسلامی رسیده بود و یک مرحله آزمایشی یک ساله را هم پشت سر گذاشته و تقریباً تجربه شده است و کارگرها و مسئولین کارخانجات و مسئولین تشکیل شوراها با نحوه کارو اجرای آن آشنا شده اند و طرح دوم طرحی است که توسط ۱۵ نفر از برادران نماینده مجلس تهیه شده و برای بررسی به کمیسیون کارو امور اجتماعی داده شد که تا بحال حدود ۱۰ یا ۱۲ ماده آن در کمیسیون بتصویب رسیده است و همچنین جدیداً یک لایحه توسط وزارت کار به هیئت دولت داده شد و هیئت دولت بعد از تصویب آنرا تقدیم مجلس کرد و فعلاً کمیسیون کار روی هر سه طرح یعنی هم طرح قانون شورای اسلامی مصوب شورای انقلاب و هم طرح نمایندگان مجلس و هم لایحه دولت مشغول کار و بررسی است و انشاء الله... یکی از این سه طرح بزودی تصویب میشود و برای اجرا به وزارت کار و هیئت دولت داده خواهد شد ابتدا قرار بود که این لایحه جدید که دولت به مجلس آورده به صورت «یک فوریتی» تصویب شود و زودتر برای اجرا داده شود ولی از نظر اینکه احتیاج به بررسی های بیشتر در متن قانون بود قرارداد به طریقه عادی بررسی شود و مجلس شورای اسلامی به یک فوریتی بودن آن رای نداد.

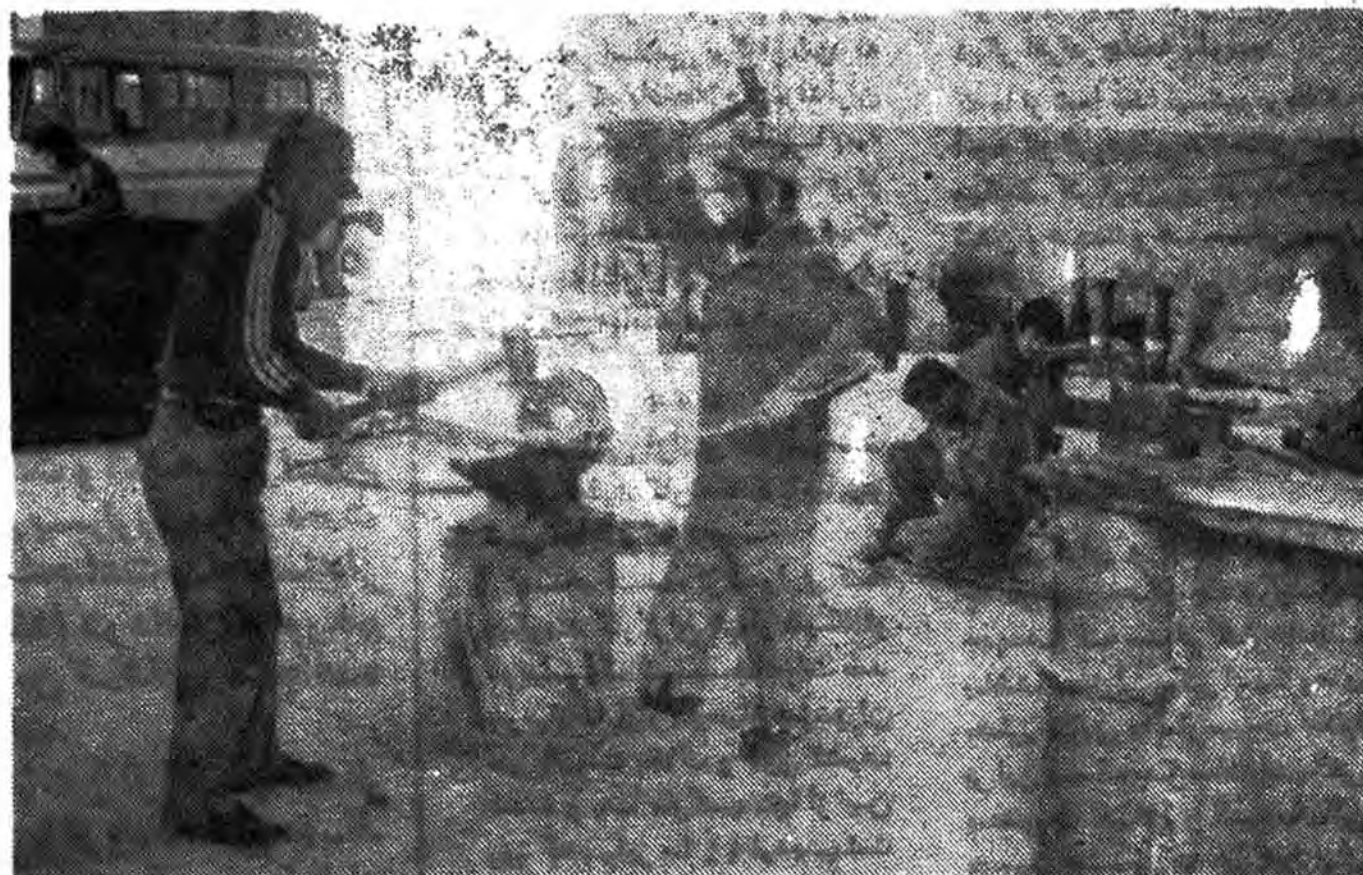
برادر کمالی در رابطه با نقش انجمنهای اسلامی در کارخانجات و فعالیتهای

سازماندهی شدهای کار انجام میدهد اما در کشور ما به این شکل نیست چرا که مردم ما فطرتاً مسلمان هستند و مؤمن هستند به اسلام مؤمن هستند به انقلاب و بسیار به تبلیغ آنچسانی نداریم فقط باید امکاناتی تهیه شود تا نظریات عسلاء و دانشمندان اسلامی به شکل و فرم بهتری به مردم رسانده شود برای این کار مسلمین هر واحد آنهایی که مسلمان تر هستند و اعتقادات مذهبی محکمتری

مؤسسات و مراکز ما تصفیه و احراج شدند و در مواردی که حریمهای سنگین احصاء داده بودند دستگیر و به دادستانی ها و مراجع قضایی تحویل داده شدند سایرین روش است که انجمنهای اسلامی در حد وظایف خودشان خدماتی را انجام می دهد و در موارد بسیاری با نظریات مثبت خود در راه اندازی صنایع و ادارات و... نقش موثری داشتند.

ار آنجائیکه که هر کس که

سبازی موارد موفق بوده اند البته مواردی هم بوده که موفق نبوده اند اعضای انجمنها تجربه نداشتند یا اینکه خودشان را با فرهنگ اسلامی تطبیق نداده بودند خوب در یک هم چنین شرایطی مسلماً با شکست روبرو میشوند البته این موارد، بسیار نادر و کم است. عناصر نابابی هم گاهی در بین انجمنهای اسلامی پیدا شده که البته باعث ضربه خوردن انجمنهای اسلامی شده اند که امیدواریم که با



دارند و فعال تر هستند در مجموعه ای بنام «انجمن اسلامی» دور هم جمع میشوند و سعی میکنند که پیام فقهات و ولایت را به مردم برسانند و این انجمن های اسلامی که در کارخانجات، ادارات و مؤسسات و شرکتهای مختلف بعد از پیروزی انقلاب اسلامی و بعضاً قبل از پیروزی انقلاب اسلامی بوجود آمده اند توانستند با ضد انقلاب مبارزهای اصولی بکنند. ابتدا «با عناصر وابسته به رژیم سابق درگیر بودند و آنها را از درون جامعه طرد و تصفیه کردند و بعد از این که آنها را تصفیه کردند توبت به ضد انقلابی رسید که بعد از انقلاب شکل گرفته بود و این ضد انقلابیون که در قالب سازمانها و احزاب سیاسی فعالیت میکردند توسط همین مؤمنین از

بخواهد جامعه اش را بسازد اول باید از خودش شروع کنند و خودش را بسازد، ساخت و بافت انجمنهای اسلامی و اعضای آنها و دادن فرهنگ لازم به آنها طی یک طرحی که در مجلس شورای اسلامی مورد بررسی است، احتمالاً به سازمان تبلیغات اسلامی واگذار خواهد شد که البته تشکل برادران اعضای انجمنهای اسلامی و رسیدگی به مسائل صنفی آنها جداگانه خواهد بود ولی در صورتیکه خود سازمان تمایلی به اداره این بخش از کار هم داشته باشد احتمالاً در اختیارش قرار خواهد گرفت. انجمنهای اسلامی در سطح کارخانجات علاوه بر تصفیه عناصر وابسته به رژیم سابق و طرد عناصر ضد انقلاب تا بحال توانستند یک حالت و جو مذهبی را بوجود بیاورند که در

خودشان را اصلاح کنند و انجمنهای اسلامی سعی در اصلاح آنها داشته باشند و یا اگر قابل اصلاح نیستند از داخل انجمنها طرد بشوند که انجمنهای اسلامی آن خالصیت و قدوسیت خودش را حفظ بکند و برای جامعه کما فی سابق مورد احترام باشند.

● در رابطه با وضع کارگران منطقه بخصوصی خاور میانه برادر کمالی گفت:

● در کشور عربستان می بینیم که تعداد کارگرانی که در صنایع این کشور مشغول کار هستند عموماً از اهالی عربستان نیستند، بلکه بخش عظیمی از صنعت نفت عربستان توسط کارگران فلسطینی و کارگران ژاپنی و کارگران سایر کشورها و بخصوص مصر اداره میشود و کارهای ساده و متوسط همان

پالایشگاهها توسط شیعیان عربستان اداره میشود. بنابراین در این کشور کارگرها ناخواسته در جهت عکس منافع اسلام مشغول به فعالیت هستند که امیدواریم در آیندای نزدیک تغییر خط مشی بدهند و در جهت اسلام فعالیت خودشان را شروع کنند و گامهای بلندی در جهت سرنگونی رژیم خالد و وابستگان مرتجع آن بردارند در کشور اردن وضعیت صنفی آنچسانی ندارد، و صنایع آن بسیار نوپا است و در حد کارگاههای بسیار کوچک است و کارگران شبیه به دوران قبل از انقلاب ما در بدترین شرایط بسر میبرند و استثمار در کارگاههای آن موج میزند خاندان سلطنتی از حاصل کار زحمتکشان آنجا براحتی تغذیه میکند و کسانی که در آنجا مشغول به تولید هستند از کمترین امکانات زندگی محروم هستند و کوچه های بسیاری را در کنار کاخهای خاندان سلطنتی میتوان دید ملاحظه کنید.

در کشور سوریه برادران کارگر ما دارای اتحادیه هستند دارای تشکیلات کارگری هستند در رابطه با تولید و مسائل اقتصادی دقیقاً نظر میدهند و در حاکمیت آن کشور شرکت دارند حکومت سوریه برای کارگرانش ارزش قائل شده و وضع خوبی دارند کارگران این کشور و کارگران لیبی عضو اتحادیه عرب هستند. در کشور عراق وضعیت کارگری بسیار نابسامان است بعلت فشارهای شدید زیاد تن به کار و تولید نمیدهند و به همین علت می بینیم که حکومت بعثی عراق مجبور میشود برای راه اندازی صنایع مونتاژ خود از نیروهای تولیدی یا کارگری کشورهای هند و مراکش مصر واردن و غیره استفاده بکند و از طرفی هم می بینیم که همین کارگران را به زور به جنگ اعزام کرده است یا کشور تونس که هدای از کارگران کشور تونس را اجباراً به جنگ اعزام کرده است البته رژیم بعثی صدام کلاً رژیمی ضد مردم و ضد کارگر است و دبیر کل اتحادیه کارگران عرب وزیر کار عراق را اعدام

کارگران، جنگ، روز کارگر.....

مقتدا کشاورز سرپرست قسمت میرنگ شرکت کمپرسور سازی ایران چنین میگوید بسم الله الرحمن الرحيم به نظر من هدف امروز کارگر که تاریخ آن به ۱۶ اردیبهشت ۱۳۲۵ شمسی بر میگردد، آگاهی دادن به برادران و خواهران کارگر و جهت دادن و جهت دادن به مبارزات این قشر از جوامع جهتهائی از یوغ استثمارگران جهانی میباشد. این روز باید با شکوه خاصی برگزار شود، نه بصورتی که چپ ها این مسئله را با شمارهای دهان پرکن و تو خالی برگزار کرده و در لوای این روز هر چه

بخواهند، عنوان میکنند. روز کارگر روزی بوده که کارگران که قشری از جامعه هستند علیه طاغوت و طاغوتیان بهاخته و نشان دادند که باطل رفتنی است و اما نقش کارگران در جنگ: در این مورد باید گفت که کارگران از سوئی با تلاشهایی که در جهت افزایش تولید و ساخت لوازم و قطعات دستگاههای موجود در کارخانجات خود و وسایل جنگ میکرده و میکنند و از سوئی دیگر با پرداخت کمکهای نقدی و کمکهای جنسی نقش مؤثری را در پیشرفت غلبه بر بعثیون کافر بازی میکنند از طرف دیگر تعدادی از آنها بطور

مستقیم در جنگ علیه باطل شرکت دارند.

● ● ● هوشنگ عباسی مکانیک ماشین آلات و امور تأسیسات در شرکت تولیدی قوه پارس (ری. او واک سابق) در شهر صنعتی البرز- قزوین: با توجه باینکه در دین اسلام هر کس کار کند کارگر محسوب میشود، در روز کارگر باید صبح سرکار حاضر شده (کارمندان و کارگران) و از محلهای کار خود با دادن شمارهای اسلامی راهپیمائی کنند، هدف اصلی آنها باید اسلام بوده و ادعاهای پوچ آمریکا و شوروی و

جوجهایشان را باید افشاء کنند. در این روز باید بیشتر درمورد بعد معنوی کار و اینکه کار در اسلام عبادت است نه صرفاً وسیله امرار معاش، صحبت شود. اما اینکه چرا در مراسم روز کارگر شرکت می کنیم و این روز چه تأثیری در جامعه دارد: باید بگویم باین دلیل در مراسم این روز شرکت می کنم که بنوبه خود افشاگر جنایت مستکبران جهانی و در رأس آنها آمریکا و یادآور مظلومیت و قیام محرومین دنیا باشم.

تأثیر روز کارگر بر روی جامعه: اولاً بفرموده امام همه روزها، روز کارگر است و ثانیاً این

روز در حد خود با یادآوری جنایات ابرجنایتکار قرن و فرزند خلف معاویه و یزد «امریکا» در قشر مستضعف جامعه اثر دارد، ما بایستی این تأثیر پذیری را بسوی اسلام در کل جهان جهت دهیم. نقش کارگران در جنگ: من قادر به تفکیک کارگران از دیگر اقشار جامعه نیستم زیرا واقعیت تمام این پیروزیها از وحدت تمام اقشار جامعه است ما برای پیروزی در جنگ چه با شرکت مستقیم و چه با پرداخت کمکهای نقدی و غیرنقدی و چه با بالاترین تولید خود تا جایی که توان داشتیم کمک کرده و اکنون نیز گوش فرمان امام امت خمینی کبیر هستیم.

در خاتمه از خداوند متعال می خواهم که ما را به صراط مستقیم هدایت کند، همان



قابل حل است.

● ● ● اسدالله صددخانی مسئول امور اداری ایران دوجرخ: روز

● انجمن‌های اسلامی در کارخانجات، ادارات و موسسات و شرکتهای مختلف توانسته اند با ضدانقلاب مبارزه‌ای اصولی داشته باشند

● ساخت و بافت انجمن‌های اسلامی و اعضای آنها و دادن فرهنگ لازم به آنها، طی یک طرح در مجلس شورای اسلامی مورد بررسی است.

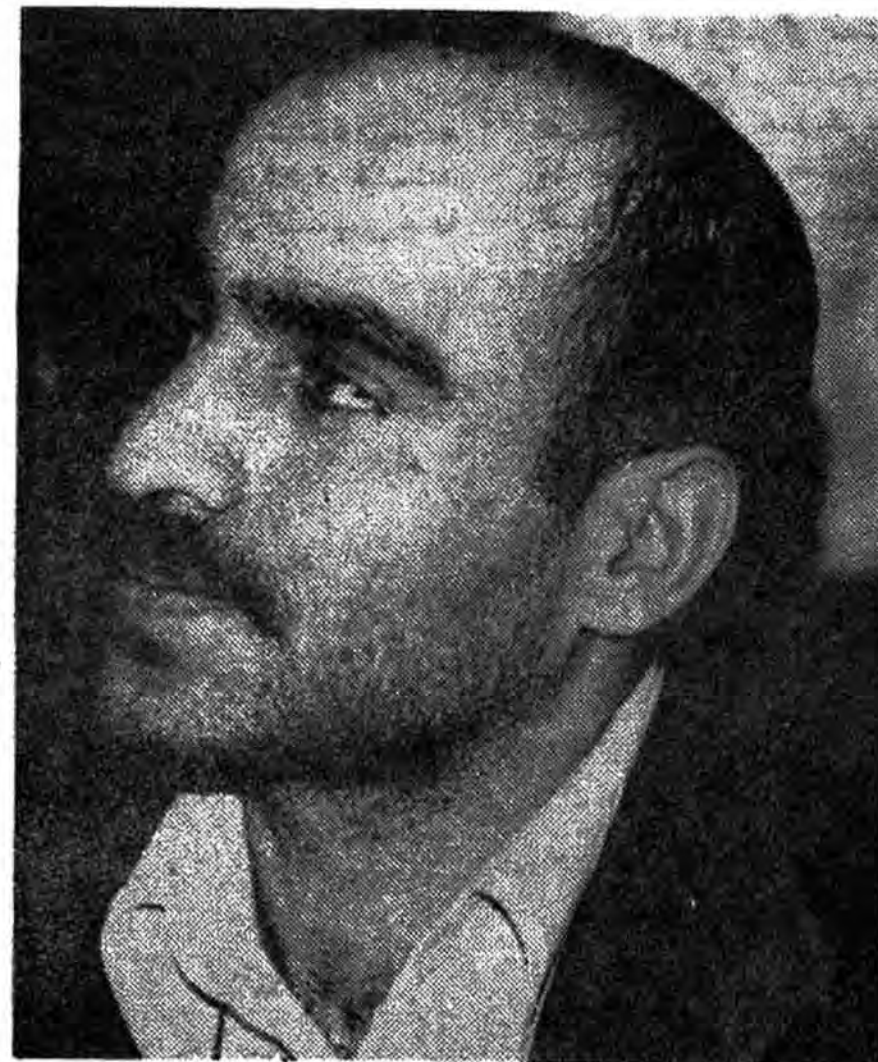
● در مواردی که انجمن‌های اسلامی تجربه نداشتند و یا خودشان را با فرهنگ اسلامی تطبیق نداده بودند، با شکست روبرو شدند.

● انجمن‌های اسلامی باید آن خالصیت خود را حفظ کند تا برای جامعه کمافی‌السابق مورد احترام باشند.

● در کشور برادر سوریه، کارگران دارای اتحادیه و تشکیلات هستند و در رابطه با تولید و مسائل اقتصادی نظر می‌دهند.

● رژیم بعثی صدام کلاً رژیمی ضد مردم و ضد کارگر است و دبیر کل اتحادیه کارگران عرب و وزیر کار عراق را به اتهام جاسوسی برای سوریه اعدام کرده است.

سطح کارخانجات تولید عالی داشتند و ما بعد از جریانات هفت تیر طبق آماری که از سازمان صنایع ملی بطور غیر مستقیم دریافت داشتیم حدود ۴۰ درصد افزایش تولید را مطرح میکردند و در ۱۵۰ کارخانه از کوچک و بزرگ طبق آماری که از طرف سازمان صنایع ملی حدود یکماه پیش انتشار یافت تولید افزایش یافته و سود داشته‌ایم



و این برای ما پیام‌آور آینده‌ای روشن و امیدبخش است. و اما در جبهه خارجی نیز مبارزه اقتصادی داریم که می‌بینیم که تحریمات شدیدی علیه ما صورت گرفته علی‌رغم اینکه مدعی هستند که تحریم اقتصادی پایان یافته است و شاهد افزایش تولید و کاهش قیمت نفت عربستان هستیم شاهد هستیم که منابع کشورهای مرتجع منطقه چگونه در اختیار امپریالیزم برای مبارزه با انقلاب اسلامی ما قرار می‌گیرد و در بخش نظامی هم می‌بینیم که صدام با لشکریان بعث با نیروهای اسلام در درون مرزهای ما درگیر هستند و کشورهایی که ماهیت آنها از نظر وابستگی برای تمام مردم جهان مشخص است شبیه به اردن و عربستان و یمن شمالی و کویت و

هستیم و این جنگ برای مردم ما دو جبهه ایجاد کرده یکی جبهه داخلی و یک جبهه خارجی در جبهه داخلی مردم ما کلاً مسلمین جامعه ما با ضد انقلاب و عناصر وابسته به بیگانگان درگیر هستند و در جبهه خارجی نیز به همین شکل. ما می‌بینیم در جبهه داخلی در دو بخش اقتصادی و نظامی مردم درگیر هستند با عناصر ضد انقلاب در سطح خیابانها و جاده‌ها و کوچه‌ها محرومین جامعه ما هر روز با برخوردهای خشنونت‌آمیز عوامل بیگانه عوامل امپریالیزم در سطح شهر روبرو هستند و به لطف خداوند با روحیه بسیار عالی با این عناصر می‌جنگند و آنها را نابود میکنند در بخش اقتصادی نیز به همین شکل است می‌بینیم که علی‌رغم تحریم اقتصادی کارگران ما در

روز مرگ ابرقدرتهای شرق و غرب و استثمارگران میدانم. روز کارگر روز وحدت کارگران با یکدیگر و دیگر اقشار جامعه علیه استکبار و مستکبران میباشد با برنامه‌های اسلامی در

کارگر باید با شکوه هرچه بیشتر برگزار شود، حرکت در این روز باید این معنا را داشته باشد که ما کارگران با اتکاء به خداوند و با زوری توانای خود کار کرده و اجازه نمی‌دهیم که ابرقدرتها

و مراکز دفع ضربات استعماری امپریالیستها، بنابراین اگر یک کارگر برای ساعتی محدود یا دقایق محدود سنگر خودش را یعنی ماشین کار خودش را ابزار خودش را ترک کند در حقیقت به آرمان شهدای اسلام و آرمان شهدای انقلاب اسلامی ضربه می‌زند و گناهی غیرقابل بخشش مرتکب میشود. با وجود تمام مشقتها و سختی‌ها و با وجود نارسائیه و عدم آشنائی بعضی مسئولین با مسائل، میبایست به فعالیت خودشان ادامه بدهند تولید خودشان را افزایش بدهند و به رزمندگان در جبهه‌ها، به کسانی که از جان خودشان جهت استقلال جامعه اسلامی مایه گذاشته‌اند امید بدهند و پشتوانهای باشند برای آنها که بتوانند بهتر بجنگند و از زمان فراغت یا بیکاری یا کمبود مواد اولیه استفاده نکنند به جبهه بروند بجای برادرانی که مدت مدیدی در جبهه بودند و احتیاج به استراحت دارند و جای آنها را پر کنند.

از نماینده مجلس شورای اسلامی در رابطه با روز جهانی کارگر و نقطه نظراتش راجع به این روز سوال شد وی در پاسخ گفت:

معمولاً روزهای مختلف در زندگی هر ملتی که گرامیداشتی برای آنها برگزار میشود یا جشن گرفته میشود. آنروز رابطه مستقیمی با فرهنگ، پیش و مکتب حاکم بر آن مردم دارد، مسلماً ما در مکتب انسان ساز اسلام بینش‌های طافوتی را نداریم به این شکل که طبقه‌ای به اسم کارگر مطرح باشد و بعد این طبقه مطرح باشد و بعد برخوردی این شکلی داشته باشیم. همانطور که امام است فرمودند «هرروز، روز کارگر است و هرروز، روز کار است و هرروز سوماء... است» و روز خداست و قرارداد یک روز به نام روز کارگر تنها از نظر احترام به کارگران است. همانطور که یک روز به نام معلم است یک روز به نام روز ارتش است یکروز به نام روز زن است و یک روز به اسم قدس.

اما در کشورهای سرمایه‌داری و مارکسیستی معمولاً این روز را بعنوان روزی که بیانگر نیازها و خواسته‌های کارگران خواهد بود تلقی می‌گردد و در این روز

تا جایی که به کار لطمه نخورد، تعدادی از کارگران به جبهه‌ها اعزام شده و میشوند. همچنین تا بحال کمکهای مادی و معنوی به‌شمار می‌رود به جبهه‌ها از سوی کارگران شده است این کمکها

تغییراتی در زندگی افراد بوجود می‌آید. کارگران و جنگ: همانطور که رزمندگان اسلام در جبهه‌ها جهاد فسیل... را ادامه میدهند، کارگران نیز با



است «مانیز تمام روزها را روز کارگر میدانیم و بخاطر این در این مراسم شرکت می‌کنیم که با وحدت و یکپارچگی خود که روز

کماکان ادامه دارد. غلامعلی ضیائی یکی از کارکنان بخش بازرگانی خارجی کارخانه تراکتور سازی

نگهداری سنگر کارخانجات و افزایش تولید از جهت دیگر به جهاد خود ادامه میدهند، علاوه بر آن از سوی بسیج مستضعفین

این روز میتوان درک نمود که اسلام تا چه حد برای کارگران ارزش قائل است و با پیاده شدن کامل اسلام در جامعه چه

در کارهای ما و جامعتمان دخالت کنند. من نیز همانند دیگر برادران و خواهران در مراسم این روز شرکت میکنم زیرا این روز را

به روز باشکوه‌تر میشود، محکم خود را برپه پوزه استکبانی فرود آوریم. کارگران و جنگ:

با بررسی کوتاهی در نقش کارگران در پیشبردانای پی می‌بریم که کارگران هم در عمل خود را عضوی از جامعه اسلامی دانسته و در توان وامکانات خود، دینش در قبال مسئولیتهای شرع قانونی که به عهدشان به است، ادا نموده‌اند. تمسک کمکهای نقدی و جنسی است از سوی این قشر از جامعه جبهه‌ها ارسال شده‌است و یا گروه، گروه از این برادران جبهه‌ها برای دفاع از اسلام و حیثیت میهن اسلامی است

آشنائی بادفتر بسیج و گسترش فرهنگ اسلامی وزارت کار و امور اجتماعی

نیاید که حدای بکرده نمی‌خواهیم به آن چیزی که جهان به عنوان روز کارگر پذیرفته احترام بگذاریم و یا این توهم برای کارگران پیش بیاید که ما عاصری هستیم که در ارتباط با منافع کارگر کار نمی‌کنیم آمدیم بیشترین کوشش خودمان را برای تعظیم روز

شود و درست مثل روز بوند باشد که یک کسی روز تولدش که می‌شود همه شادی می‌کند و روز وفانش بار همه جمع می‌شوند و اما اگر در طول زندگیش از گرسنگی بمیرد و یا از فقر فکری به فقر برود هیچکس به کمکش نرسد. البته با همه این احوال برای خاطر اینکه این توهم پیش

روها روز کارگر است و اگر قرار است که کارگر تعظیم شود در این رابطه، همانطور که امام امت میگویند حیات یک ملت مرهون کار و کارگر است لذا لحظه‌های زندگی مردم باید قدرشناسی از کار همدیگر باشد و در احترام گذاشتن به ارزشهای کاری همدیگر سپری

رو را تقسیم کنیم و هر روز آن را به روز کارگر، کارمند و ... نام گذاری کنیم و این اساساً چیزی است که من حیث المجموع با تفرقات مذهبی ما تطبیق نم‌کند. وقتی که امام استدلال میکند که همه جهان کارگر هستند و خدا هم کارگر است پس همه

دفتر بسیج و گسترش فرهنگ اسلامی وزارت کار و امور اجتماعی یکی از مراکزی است که به منظور گسترش فرهنگ اسلامی در بین کارگران و مسئولین ارگانه‌های کارگری اخیراً در وزارت کار تشکیل شده است برای آشنائی بیشتر با این مرکز و نقطه نظرهای آن در رابطه با روز جهانی کارگر گفتگویی انجام داده‌ایم با برادر خوشبختیان مسئول این دفتر که با هم می‌خوانیم

دفتر بسیج و گسترش فرهنگ اسلامی از بدو تاسیس تا بحال چه فعالیتهائی داشته است؟

- دفتر بسیج حدود یکسال است که تشکیل شده و حدود ۶ الی ۷ ماه است که فعالیت مستقیم خودش را در کارخانجات شروع کرده و تا بحال هماهنگی زیادی بین دفتر بسیج و کارخانجات و بخش فرهنگی سپاه پاسداران و نهادهائی که در قسمت فرهنگی کارخانجات فعالیت دارند ایجاد کرده است و از این طریق یک سری راهنمائی‌هایی به برادران کارگر جهت دسترسی به منابع فرهنگ اسلامی شده است این دفتر در تشکیلات خودش توانسته است با ایجاد دفتر هنری و بخش نشریه و تهیه و توزیع نشریه در کارخانجات فعالیت بکند و بخش هنری ما تا بحال توانسته با همکاری برادران کارخانجات صنایع فلزی نمایشنامه (در انتهای شب) را بروی صحنه بیاورد، و بخش نشریه نیز ضمن اینکه هر ۱۵ روز یکبار نشریه دیواری کارگران مسلمان را چاپ میکند، توانسته است با چاپ ۲ جلد کتاب با نام یادنامه شهدای کارگر، و جزوات مختلف دیگری نظر رهنمودی بر انجمنهای اسلامی، چگونه از کارخانجات خود محافظت کنیم، سندیکاها، حرکتیهای اسلامی در ایران و پوسترها و تراکتها تا حدودی در زمینه مطبوعاتی کارهائی را انجام بدیم.

س- دفتر بسیج شامل چه بخش‌هائی است و نقش کارگران در زمینه همکاری با شما چگونه است؟

● دفتر بسیج و گسترش فرهنگ اسلامی شامل ۲ بخش عمده تحقیقات و تبلیغات است دو گروه نشریه و گروه فعالیتهای جنبی نظیر نمایشگاههای فروش کتاب و نوار و اجرای نمایشنامهها زیر نظر بخش تبلیغات فعالیت می‌کنند. البته یک سری هماهنگی و همکاری با واحدهای دیگر برای برگزاری مراسم و به تناسب موقعیتهای

مختلف که به محیطهای کارگری مربوط می‌شود مثل خانه کارگر، ستاد تبلیغات اسلامی، بخش فرهنگی سپاه پاسداران داشته‌ایم که در این زمینه هم موفقیتهایی کسب شده است. در مورد نقش کارگران در دفتر بسیج از ابتدا هدف این بود که بتوانیم کارگران را به این مکان جذب بکنیم و اساساً خود کارگران

باشند که دفتر بسیج را اداره کنند. منتها دو تا مسئله عمده داشتیم، اول آنکه فرهنگ اسلامی در میان کارگران طوری نیست که اگر کارگران در ابتدای امر می‌آمدند اینجا در سطحی فعالیت بکنند که برای سایر کارگران قابل استفاده باشد و از طرف دیگر گروههای تحصیلمکرده و روشنفکر نمی‌توانند محیطهای کارگری را لمس کنند و بالنتیجه ما تصمیم گرفتیم که تلفیقی از این دو بوجود بیاوریم و الان مجموعه افرادی که در دفتر بسیج کار می‌کنند ترکیبی است که از کارگر ساده شروع می‌شود تا برادران با معلومات عالی که سابقه سیاسی داشتند و برای جامعه دلسوز میباشند. ما هنوز علاقمند هستیم و مجدداً هم اعلام می‌کنیم اگر برادران خواستار همکاری میباشند میتوانند با مراجعه به اینجا همکاری خودشان را اعلام کنند.

س- دفتر بسیج و گسترش فرهنگ اسلامی چه برداشتی از روز جهانی کارگر دارد و آیا برای این روز برنامه بخصوصی دارد.

یک فرض غلطی که ممکن است تصور شود اینست که ما بیائیم مردم را تفکیک بکنیم از هم، مثلاً کارگر را از کارمند و کارمند را از خانه دار و خانه دار را از نظامی، ... پس بنابراین ما باید ۳۶۰



کارگر قرار داده‌ایم و تا آنجائی که توانائی داشتیم به چاپ پوستر و تراکت پلاکارد و در جلساتی که برای همیگی این تبلیغات در این روز و تنظیم برنامهها بوده با سایر برادران در ستاد برگزاری مراسم روز کارگر شرکت کردیم و حتی مجله مخصوصی در این رابطه و همچنین تقویمی تهیه شده است که تعدادی برای جبههها ارسال می‌شود و یک جزوهای بنام مقام شهید چاپ کردیم که باز یک مقداری از آن به رزمندگان هدیه خواهد شد.

س- بنظر شما روز کارگر چه تأثیری میتواند در جامعه کارگری داشته باشد و با توجه به محتوای اسلامی انقلاب و نظام جمهوری اسلامی باید چگونه برگزار شود.

● امام میفرمایند که حیات یک ملت مرهون کار و کارگر است ولی در تامین مسئله میتوان گفت چون دنیا از ملتها تشکیل شده بنابراین وجود دنیا و سرپائی دنیا در گرو کاری است که انجام میشود و اعتقادی که ما داریم این است که محراب کارخانه با محراب مسجد با محراب سنگر هیچ تفاوتی ندارد هر کس با نیت پاک چه در پشت دستگاه خودش باشد و چه در سنگرش باشد و چه در زندگیش کار بکند اجرش نزد خدا یکی است این اعتقاد به ما این



لازمی را که در مقیاس کارگری نیاز است نظیر انتقال کمکهای کارگران به جبهه‌های جنگ و نظیر موقعیتی که کارگران در برابر ضد انقلاب داشتند به آنها بدهیم ولی تا بحال اساساً جمع‌بندی نکرده‌ایم در این زمینه که چه تأثیری داشته است.

س: در پایان اگر مطلبی دارید در رابطه با کارگران و دفتر بسیج و روز کارگر بفرمائید.

● ما اگر به استضعاف معتقد باشیم آن چیزی که مد نظر اسلام است استضعاف فکری است نه استضعاف مالی بدلیل اینکه اگر استضعاف فکری بوجود بیاید پشت سر آن میلیونها میلیون هم اگر ثروت داشته باشد باز هم فقیر محسوب میشود، بنابراین محیطهای کارگری ما به لحاظ اینکه زیر چکمه طغوت بوده از لحاظ فرهنگ اسلامی بسیار ضعیف است و اگر کارگرهای ما اعتقاد بر این دارند که باید از زیر یوغ استضعاف خارج شوند نباید تمام سعی خود را بر این مصروف کنند که دیناری به حقوق آنها افزوده شود، بلکه در این بهره که امام ما را با سرعت بسوی تعالی سوق میدهد ما باید در این فکر باشیم که از لحاظ فرهنگی و اسلامی خودمان را بالا ببریم؛ اگر ما بخواهیم جامعه کارگری اروپا و آمریکا را تحت تأثیر فرهنگ اسلامی خودمان قرار دهیم، مسلماً باید از فرهنگ خودمان شناخت بیشتری داشته باشیم تا اینکه کارگرهای جهان بتوانند از ما یک کار خوبی را تقلید بکنند.

● ما نظرم آن اساساً این است که اینکاری را که شروع کردیم کار نو و تازه‌ای است و کاری نیست که در عرض مدت کمی به نتیجه برسد هم‌اکنون ما حتی الان در مقیاس تولیداتی که در نشریات داریم یک مقداری دست خودمان را بسته نگاه میداریم برای خاطر اینکه یک مقدار

گمان‌هایی کرده باشیم مثلاً از تیراژ نشریه‌ای که داریم در مقیاس ۱۰۰ هزار فعلاً ۱۰ هزار منتشر میکنیم بدلیل اینکه شناخت گمان‌های پخش نشریاتمان که به دست کارگر میرسد برایمان روشن باشد و نظر کلی ما در ایجاد این دفتر این بوده که اگر ادارات کار شهرستان ما نقص و نارسائیهای دارند اینکار با تصفیه امکان ندارد بلکه ما باید بیائیم کارگر را آگاه و متوجه حقوق خود بکنیم و او در مراجعه به اداره کار یا تمام ادارات مملکت و یا در برخورد با اجتماع حق خود را بخواهد، اگر این تصور در ذهن کارگر زنده شود میتواند با مراجعه به تشکیلات دولتی مسئولین دولتی را مجبور کند که کار بواقع انجام دهند، و یا پشت آن میزها را ترک بکنند، معذالک ما سعی کردیم با تیراژ ۵ تا ۸ هزار نشریه دیواری هر ۱۵ روز یکبار - اطلاعات

● دفتر بسیج و گسترش فرهنگ اسلامی در مدت کوتاه فعالیت خود تاکنون موفق شده است که در راه رشد فرهنگ اسلامی کارگران فعالیتهای نسبتاً خوبی داشته باشد.

● هدف دفتر بسیج و گسترش فرهنگ اسلامی این است که با راهنمایی‌های لازم کارگران را هر چه بیشتر نسبت به مسائل و مشکلات خودشان آگاه کرده و در راه رسیدن به هدف از راههای صحیح آنها را یاری کنیم.

● نقش کارگران در جنگ: نقش کارگران را در دو مرحله میتوانیم بیان کنیم یکی کمک به جبهه‌ها و دیگر حفظ سنگر تولیدی خود. در هر دو مورد فوق کارگران از هیچ کوششی دریغ نوزیدند. از سوتی با اعزام نیرو به جبهه‌ها، و پرداخت کمکهای نقدی و جنسی و انجام تعمیرات خودروهای نظامی و دیگر وسایل جنگی کمکهای کرده‌اند و از سوی دیگر در کارخانجات از نفوذ ضد انقلاب جلوگیری کرده و تولیدات خود را افزایش داده و قدمهایی در راه نیل به خودکفائی برداشته‌اند تا انشأ... در آینده‌ای نزدیک از وارد کردن اجناس خارجی بی‌نیاز باشیم.

● گریم فیهیمی از قسمت امور صنعتی تولید کارخانه ماشین‌سازی تبریز:

بسم الله الرحمن الرحیم، در چنین روزی برادران مستضعف ما علیه قدرت شیطانی آمریکا در شهر شیکاگو بی‌خاستند، ما در جهت ندای این حرکت و ایجاد وحدت هرچه بیشتر، شرکت در مراسم روز کارگر را ضروری میدانیم، بزرگداشت این روز بنیستی از تشریفات خاص غربی و شرقی به دور بوده و شکل خاصی خود را که

بسیش و تصور را میدهد که اساساً کار چیری است که مایه حیات بشری است و اگر بشر زنده به چیری هست در جهان و خودش را نمیتواند با آن به بهشت و دوزخ برساند و کار است و اینرا به تناسب ارزشی و قدر و منزلتی که دارد باید تنظیم و ترویج کرد. و کارگر و کار را طوری متصور و تجلی کرد که در شأن و درجه و مقامی که خداوند برای آن قائل شده است به آن ارج و ارزش بهاد. اما اینکه روزی بنام روز کارگر در ارتباط با روزهای جهانی که گذاشته‌اند هست نظر ما همان چیزی است که گفته شد، س: عملکرد دفتر بسیج و گسترش فرهنگ اسلامی از بدو تأسیس تا بحال چه تأثیری بر سیاستهای کارگری داشته است.

● ما نظرم آن اساساً این است که اینکاری را که شروع کردیم کار نو و تازه‌ای است و کاری نیست که در عرض مدت کمی به نتیجه برسد هم‌اکنون ما حتی الان در مقیاس تولیداتی که در نشریات داریم یک مقداری دست خودمان را بسته نگاه میداریم برای خاطر اینکه یک مقدار

گمان‌هایی کرده باشیم مثلاً از تیراژ نشریه‌ای که داریم در مقیاس ۱۰۰ هزار فعلاً ۱۰ هزار منتشر میکنیم بدلیل اینکه شناخت گمان‌های پخش نشریاتمان که به دست کارگر میرسد برایمان روشن باشد و نظر کلی ما در ایجاد این دفتر این بوده که اگر ادارات کار شهرستان ما نقص و نارسائیهای دارند اینکار با تصفیه امکان ندارد بلکه ما باید بیائیم کارگر را آگاه و متوجه حقوق خود بکنیم و او در مراجعه به اداره کار یا تمام ادارات مملکت و یا در برخورد با اجتماع حق خود را بخواهد، اگر این تصور در ذهن کارگر زنده شود میتواند با مراجعه به تشکیلات دولتی مسئولین دولتی را مجبور کند که کار بواقع انجام دهند، و یا پشت آن میزها را ترک بکنند، معذالک ما سعی کردیم با تیراژ ۵ تا ۸ هزار نشریه دیواری هر ۱۵ روز یکبار - اطلاعات



و مستکبران از پای نمی‌نشینند. برادران و خواهران کارگر چون این انقلاب را از خود می‌دانند، در راه حفظ و تداوم آن از هیچ کوششی دریغ نمی‌ورزند همانطور که تا بحال نشان داده‌اند، جان و مال خویش را همانند دیگر اقشار جامعه در راه اسلام فدا می‌کنند. نمونه عینی این اعمال را میتوان بوضوح در جبهه‌ها مشاهده کرد.

● حسن طالبی کارگر تولیدی کارخانه ساوالو کس شهرستان ساه:

بسم الله الرحمن الرحیم - روز کارگر روزی است برای کارگران در رابطه با دیگر افراد جامعه. ما کارگران در مراسم روز کارگر شرکت می‌کنیم تا مشت محکمی بر دهان پادشاهان و کسانیکه دم از خلق و کارگر می‌زنند، زده و ثابت کنیم که اینان دروغ می‌گویند و از انقلاب که از خون هزاران شهید و با شعارهای اسلامی، حمایت کنیم ما کارگران این روز را با برنامه‌های خاصی و شعارهای اسلامی جشن میگیریم مراسم این روز حتماً باید بصورت اسلامی برگزار شود زیرا ما معتقد به اسلام راستین بوده و جشنهایی که در این مهین اسلامی برپا میشود باید شکل و روی اسلامی داشته باشد.

● نقش کارگران در جنگ: توحه باینکه تعدادی از برادران ما در جبهه‌ها مشغول جنگ با بعثیون کافر هستند ما که بدور از جبهه جنگ هستیم، باید محل کار خود را بعنوان سنگری علیه این بعثیون پنداشته و نهایت تلاش خود را در جهت حفظ این سنگر انجام دهیم از کارخانجات تعدادی بسطور جنگ مستقیم به جبهه اعزام شدند و تعدادی هم شهید تعدادی از برادران کارگر نیز در پشت جبهه تعمیرات خودروها و دیگر وسایل نظامی را بعهده داشتند برادران کارگری که به این فیض نرسیده بودند، با ارسال کمکهای نقدی و جنسی و افزایش تولیدات جهت دیگر به جبهه‌ها کمک میکردند.

درک کرده و عمق این بهمنش اسلامین و انسانی را برای دیسگران بنمایانیم، ارزش و اهمیت روز کارگر نمایانتر میشود.

بنابراین درک این موضوع که خداوند در مقام (فعال مایه‌ها) خود نیز یک کارگر است، آنهم کارگری که یک روز، یک ساعت و یک لحظه توقف در کار او نیست، می‌تواند بزرگترین تأثیر را در کارگران ما و کل جامعه داشته باشد. در روز کارگر نباید صرفاً به شعار بسنده کرد بلکه باید همراه شعار، شعور نیز باشد. در این روز نباید به کارگر یک شخصیت کاذب داد بلکه باید با ایراد سخنرانیهای آموزنده و اسلامی عنوان کرد که ای برادر و ای خواهر کارگر! ارزش واقعی تو بعنوان وجودی خدایی در کل جامعه است و نه بعنوان یک موجودی جدا از کل اجتماع. ما باید ضمن بیان نظرات اسلام در مورد کارگر و ارزشی که این مکتب الهی برای کارگران قائل است، نظرات مکاتب مادی را نیز عنوان کرده و مقایسه‌ای در این رابطه بعمل بیاوریم و این مسئله را مشخص سازیم که آنچه بیش از همه چیز ارزش دارد، نوع کار و هدفی است که کارگر از انجام کار دارد.

● نقش کارگران در جنگ: برادران و خواهران کارگر ضمن اینکه کارخانه را برای خود جبهه و سنگر میدانند و افزایش تولید را وظیفه شرعی خود میدانند، در عین حال بزرگترین کمکها را به جبهه‌ها کرده‌اند. نمونه این کمکها، اعزام به جبهه، ساخت و تولید نیازهای جنگی در حد مقدورات و ارسال کمکهای نقدی و جنسی را میتوان نام برد.

● غلامرضا رحیم پور کارگر قالی باف در تبریز: بسمه تعالی، علت شرکت در مراسم روز کارگر این است که ما میخواهیم به آمریکا بفهمانیم که کارگران ایران دوشادوش سایر اقشار ملت و دیگر مستضعفین عالم تا تابودی کامل استکبار

منبعث از قشر مستضعف جامعه است، داشته باشد. در مورد نقش کارگران در جنگ میتوان گفت: با توجه به اینکه ایران اسلامی امروز پرچمدار جبهه مستضعفین عالم علیه مستکبران است، برادران و خواهران کارگر علاوه بر شرکت مستقیم در جنگ حق علیه باطل، با حفظ سنگر کارخانجات، افزایش تولید و کاهش مصرف به جنگی پیگیر شتافتند. برادران و خواهران کارگر با تولید هر قطعه‌ای تیری زهر آگین بر قلب استکبار جهانی فرود می‌آورند و در مقطع کنونی افزایش کمی و کیفی تولید مهمترین وظیفه کارگران است.

● مجید همتی کارگر کارخانه بهداشتی هیدروفل:

بنام خدا، با توجه به گفته امام که اساس هر کشور کارگران و دهقانان آنند، روز کارگر روز پر ارزشی برای ما است، این روز باید با شکوه هرچه بیشتر برگزار شده و شعارهایی بر ضد استکبار جهانی و مستکبران داده شده و این مسئله حتماً عنوان شود که اگر هزاران بمب بر سر ما ریخته شده و تک تک خانه‌های ما با موشک ویران شود، ما باز با کار و تلاش بیشتر، این کشور را آباد خواهیم کرد. نقش کارگران در جنگ را میتوانیم به سه بخش مبارزه با ضد انقلاب و عواملی که با واسطه و بی‌واسطه به شرق و غرب متصل هستند و افشاء چهره آنها، تولید هر چه بیشتر و اعزام به جبهه‌ها و پرداخت کمکهای نقدی و جنسی تقسیم کنیم.

● سید احمد سیاهپوش مدیر کل کار و امور اجتماعی قزوین: بسمه تعالی، با توجه به اینکه کارگران شهر شیکاگو که گروهی از مستضعفین عالم هستند، علیه استکبار و ظلم بی‌خاستند. ما در مراسم روز کارگر شرکت می‌کنیم.

● اگر ما روز کارگر را بنا به تعبیری که امام امت فرمودند که: «همه روزها روز کارگر است»

گفتگوی اختصاصی جمهوری اسلامی با برادر علیرضا محجوب

دیدگاههای خانه کارگر درباره مسائل مختلف کارگری کشور

بیفتد تا زمینه برای تسلط مجدد سرمایه‌داران وابسته مهیا شود.

این مفسدین که در این مکان استقرار یافته بودند در روزهایی که هنوز مردم شهدای خود را بخاک نسپرده بودند و در بسیاری از محله‌های تهران خانواده‌ها عزادار شهدای ۲۲ بهمن بودند، زیر چتر پرداخت حقوق کارگران و زیر چتر مساله بیکاران بنا داشتند غائله‌ها و آشوب‌های بزرگی را ایجاد و بیافرینند. لازم است به این نکته اینجا اشاره کنیم که در خانه کارگر آنروز همه

درواقع خانه کارگر لانه سرمایه‌داران فاسد و وابستهای بود که برای حراست از منافع خود این مکان را برپای داشته بودند. بعد از انقلاب اسلامی ایران در ۲۲ بهمن ۵۷ طلبکارهای حرفه‌ای دشمنان کارگران که لباس مارکسیست و کمونیست بستن کرده بودند و زیر عنوان داعیه حمایت از کارگران بناداشتند انقلاب اسلامی را از ریشه بردارند با فشار و ارعاب این امکان را از وزیر کار دولت موقت که اوهم بعدها در تخریب انقلاب نقش کمتری از این جماعت بعهدہ نداشت گرفته و در خانه کارگر مستقر شدند. هدف از استقرار این نیروها در خانه کارگر، که در همه نیروهای چپ

جهت آشنائی هر چه بیشتر کارگران کشورمان با خانه کارگر و موضع این تشکیلات در برخورد با مسائل و چگونگی شکل‌گیری آن و نظرات مسئولین آن در رابطه با روز کارگر گفتگویی انجام دادیم با برادر علیرضا محجوب عضو شورای مرکزی خانه کارگر تهران که با هم میخوانیم:

برادر محجوب در پاسخ اولین سوال ما مبنی بر اینکه خانه کارگر چگونه و با چه هدفی استراتژیکی تشکیل شده است گفت:

بسمه تعالی

در آغاز لازم می‌بینم فرارسیدن سالگرد روز جهانی کارگر را به همه برادران محروم و مستضعفین و به همه برادران کارگر گرم در اقصای نقاط گیتی تبریک بگویم هر چند که آنروزی بر کارگران و محرومان و مستضعفان گیتی مبارک است که همه در سعادت نعمت باشند، آنروزی روز کارگر است که محرومان و مستضعفان به حقوق حقه خویش دست یافته باشند و آنروزی بر محرومان عالم و کارگران دنیا مبارک است که گرسنه‌ای در دنیا وجود نداشته باشد. مشاهده شکمهای باد کرده کودکان کارگران در آفریقا و آمریکای لاتین و آسیا ناشییم. بی‌شک روز اول ماه مه سرآغاز مبارکی بوده برای همه محرومان و کارگران عالم برای مبارزه علیه ظلم و ستم بر علیه استضعاف و چپاولگران روز اول ماه مه نقطه عطف مبارزات کارگران گیتی است در برخورد با استثمار و استعمار محرومین به این لحاظ برغم آنکه در جهان ما امروزه هنوز میلیونها زحمتکش و محرومی که از حقوق حقه خود محرومند وجود دارند برغم وجود این همه حرکتهای نوید بخشی که در صحنه گیتی خاصه در مملکت اسلامی در جریان است، نوید رهایی مستضعفان نوید دست یابی محرومان بویژه کارگران به حقوق حقه شان است، این است که روز کارگر برغم تلخی‌هایی که به واسطه ظلم و ستم بر ذائقه بسیاری از کارگران نشست است بواسطه آنکه روز طغیان محرومین و مستضعفین بر علیه مستکبرین بوده روز مبارکی است برای همه آنها که سودای مبارزه علیه ظلم و ستم در عالم دارند روز مبارکی است برای همه آنها که تحت سلطه رژیمهای کاپیتالیستی و رژیمهای سوسیال امپریالیستی سودای قیام و مبارزه در سر می‌پرورانند.

این روز بواسطه آنکه همه محرومان و مستضعفان عالم را در اقصای نقاط گیتی به هم پیوند میدهد و محرومان را متحد می‌سازد و مایه قیام و تلاش برای پایان دادن به حاکمیت سیاه سرمایه داری

و تسلط جابرانه نظام منقطع کمونیستی است مبارک است مبارک است پیوند همه محرومان و مستضعفان عالم برای مبارزه برای آغاز مبارزات پی گیر و پرتیر علیه ظلم و علیه ستم و علیه نظام استکباری حاکم بر جهان ما در پاسخ به سوال شما بایستی اجمالا تاریخچه‌ای از خانه کارگر و انگیزه‌ها و هدف‌هایی را که مابعد از استقرار در آنجا دنبال میکردیم بعرض برسانم. خانه کارگر

تاریخچه‌ای نسبتا طولانی دارد سابقه مکانی و اسمی خانه کارگر بر میگردد به حدود شاید ۱۵ تا ۲۰ سال پیش در واقع آنزمان که حزب ایران نوین شکل گرفت و پیدا شد خانه کارگر تحت عنوان سازمان کارگران وابسته به حزب ایران نوین ایجاد گردید و آنزمان باتکیه بر سندیکالیزم ستم شاهی کارها و تلاش‌های خودش را آغاز کرد. این مکان در آنزمان در واقع وسیله‌ای بود برای خاموش کردن دردها عمیق کارگران و یادرواقع سوپاپ اطمینانی بود که رژیم خواست از این کانال از عمیق‌تر شدن دردهای ناشی از گسترش سرمایه داری وابسته جلوگیری کند و تخفیف بدهد این دردهای عمیق را در واقع چیزی بود نظیر آنچه که در همه ممالک دنیا اعم از سرمایه داری و سوسیالیستی موجود است که فی الواقع بدست رژیمها و بعنوان بازوی رژیم آنها نه برای رسیدگی و پی گیری دردهای کارگران بلکه برای ریشه یابی و ریشه کن کردن این دردها و برای اطمینان خاطر از اینکه بخار متراکم در این دیگ با سوپاپ اطمینانی که تحت این عنوان به این شکل مشغول کار می‌شد حالا حالا قدرت تراکم شدن و انفجار را نمی‌داد. نتیجتا در واقع همیشه رژیم تسلط خودش را به این وسیله بر کارگران و امور کارگری حفظ میکرد. با پیداشدن حزب رستاخیز بطور طبیعی سازمان کارگران وابسته به حزب ایران که در همین محل فعلی خانه کارگر موجود بود.

تغییر پیدا کردن و وابسته به حزب رستاخیز شد. این مکان در آنزمان بواسطه اوج گیری حرکتهای کارگری در کارخانجات از سالهای ۵۲ تا ۵۶ بیشتر نقش یک سرکوب کننده و نقش یک طرف رویاروئی و یک ژاندارم تمام عیار نظام ستم شاهی را در کارخانه بعهدہ داشت،

*** روز جهانی کارگر بواسطه آنکه متعلق به همه کارگران و محرومان و مستضعفان جهان است و بخاطر آنکه نقش خاصی در جهت پیوند زدن ماوربط دادن ما به محرومین دنیا دارد قابل تعمق است و با همین دید تا حالا این روز را همگام با کارگران دنیا جشن گرفته‌ایم.**

*** شهید مظلوم آیت ا... بهشتی یکی از مشوقین اصلی و راهنما و مربی ما در فعالیتها و تلاشهای کارگری بویژه در خانه کارگر بود.**

*** روزگار بر غم تلخی‌هایی که به واسطه ظلم و ستم بر ذائقه بسیاری از کارگران نشسته است بواسطه آنکه روز طغیان محرومین و مستضعفین بر علیه مستکبرین بوده روز مبارک است.**

*** بعد از انقلاب مدتی خانه کارگر در دست دشمنان کارگران که با لباس مارکسیست و کمونیسم و وزیر عنوان داعیه حمایت از کارگران بنا داشتند انقلاب اسلامی را از ریشه براندازند بود.**



دستجات چپ از چریکهای فدائی گرفته تا حزب توده روسی مدعی طرفدار این انقلاب و گروهک طوفان و حزب کارگران دهقانان، دست در دست هم برای تخریب مهیا بودند، در همانروزها که مردم ما هنوز مشغول کفن و دفن شهدا در بهشت زهرا بودند اینها دست در دست هم اعتصاب داد گستری را تحت عنوان اعتصاب بیکاران براه انداختند. خوب بیاد دارم که بودجه این اعتصاب را یکی از توده‌ای‌ها که صاحب یک شرکت پیمانکاری ساختمانی است پرداخته بود و باز بعدها یکی از وابسته‌های به دارودسته مائوئیستها در افشای این جماعت میگفت که بودجه این اعتصاب را توده‌ای‌ها پرداختند و افرادی که برای این اعتصاب مهیا شده بودند را هم توده‌ایها جمع کردند و همین فردی را که در بالا ذکر کردیم تعدادی از کارگران خود و افراد دیگری را با پرداخت مبلغ کلانی جهت تحصن در داد گستری بسیج و به آنجا آورده بود البته همانطور که بعدها ما فهمیدیم همه اینها از مائوئیست تا

و نیروهای مشکوک و نیروهای وابسته به امریکا بودند آشوب و تخریب در کارخانجات و ضربه زدن به انقلاب اسلامی ایران دست آورد اعتصابات و قیامهای مردم مسلمان ایران بود که خود کارگران در اعتصابات نفت و اعتصابات سراسری نقش ویژه‌ای بعهدہ داشتند و همچنین در شکوفائی و به ثمر رسیدن این انقلاب بی‌شک تخریب کنندگان این انقلاب و تلاش کنندگان برای تخریب این انقلاب نیز بقسمی دشمنان کارگران بودند. به این دلیل در واقع بایست بگویم دشمنان انقلاب و دشمنان کارگران این لانه فساد را که تا آنکه پیش در اختیار سرمایه داران وابسته و فاسد دربار شاه بود به اختیار خود در آورده و تلاش کردند همان راه و همان حرکت را دنبال کنند، پیدا بود هدف براندازی نظام جمهوری اسلامی و تخریب اقتصاد متزلزل کشور بود. در واقع هدف این بود که اجازه ندهند چرخهای متوقف اقتصاد کشور براه

کارگران، جنگ، روز کارگر.....

مسئله عمدای که باید در این روز رعایت شود این است که حتماً باید این روز به شکل کاملاً اسلامی برگزار شود. زیرا امروزه در کشورهای شرقی از کارگر پتکی درست کرده‌اند برای کوبیدن کارگر، در کشورهای غربی نیز از کارگر بهره‌کشی کرده و دمار از روزگار کارگر درمی‌آورند. ما صددرصد مطمئن هستیم تنها اسلام است که برای کارگر ارزش واقعی قائل است نه کشورهای شرقی و غربی، با مکتبهای الهادی.

صفر اردبیلی- کارخانه چیت‌سازی تهران (سافکار) کارگر قسمت رنگریزی: بنام خدا- در روز کارگر عده‌ای از هم‌نوعان ما بخاطر نجات انسانیت از بردگی و بیرون آمدن از زیر یوغ و بندگی سرمایه‌داران، زالوصفتان و جهانخواران، ادعای حق‌طلبی نموده و صدای خود را بگوش جهانیان رساندند، این روز باید همیشه زنده بماند مخصوصاً در کشور جمهوری اسلامی‌مان برای ساخت زیر بنای اقتصادی اسلامی و برای تداوم انقلاب اسلامی.

روز کارگر باید با شکوه هرچه بیشتر برگزار شده و کارگران تدای حق‌طلبانه خود را بگوش جهانیان برسانند، خصوصاً در این کشور که همه مردم فریاد حق‌طلبانه خود را بلند کرده‌اند. روز کارگر باید در چارچوب ضوابط اسلامی برگزار شود.

نقش کارگران در جنگ: کارگران مسلمان ایران از اوایل جنگ تحمیلی آنچه توانستند از جان و مال دریغ نرزمیدند. تعدادی به کمک رزمندگان اسلام شتافتند و تعدادی دیگر با حفاظت از سنگر کارخانجات و افزایش تولید، به جنگ با صدام و صدامیان شتافتند. آنها لحظه‌ای از فکر جنگ غافل نیستند و به این نکته واقفند که جنگ فعلی جنگ بین اسلام و کفر جهانی است. بامید آنکه هرچه زودتر کفر جهانی نابود شود.

غلامحسین مافی کارگر قسمت برق کارخانه کاشی‌سازی پارس: بنام خدا، در روز کارگر عده‌ای از کارگران شهر شیکاگو تسلیم خواسته‌های ناحق امپریالیستهای جهان‌خوار نشده و بدست آنها به قتل رسیدند. این روز در این کشور مصادف با شهادت آیتا... مطهری شده است که تجلی می‌شود از این فیلسوف شهید. روز کارگر روزی است که تمام کارگران زیرپرچم لاله الاالله جهت کوبیدن کاخ مستکبران جمع میشوند. این روز میتواند از جهت افزایش آگاهیهای اسلامی و سیاسی کارگران مفید باشد. در این روز باید ضمن راهپیمایی شعارهایی علیه ضدخدائها و محکوم نمودن اعمال جنایت‌هایشان داده شود.

نقش کارگران در جنگ: برکسی پوشیده نیست که کارگران همراه با دیگر اقشار جامعه با شرکت جستن در خط اول جبهه و شرکت جستن در پشت جبهه و ارسال کمکهای نقدی و جنسی دین خود را تاحدودی ادا کرده‌اند و برای پیروزی رزمندگان اسلام در جبهه‌ها همچنان به مبارزه خود در جبهه و پشت جبهه ادامه می‌دهند.

صادق ابراهیم- انباردار کارخانه تولیدی تهران:

بنام خدا- بدین منظور در روز کارگر شرکت می‌کنیم که به کشورهای استثمارگر جهان بگوئیم که ما همیشه با شما به رهبری امام امت مبارزه می‌کنیم تا ریشه فساد گذشته آمریکائی و روسی را در کارخانه‌ها از بین ببریم و کشور خود را به خودکفائی فکری و صنعتی برسانیم. از سوئی دیگر به گروهکهای منحرف که عاملین همان ابرقدرتها هستند، می‌فهمانیم که ما کارگران مسلمان و در خط امام تاجان دربند داریم گوش به فرمان رهبر انقلاب اسلامی امام خمینی تاملور حضرت مهدی (عج) می‌باشیم. ما با توجه به گفته امام که فرموده‌اند همه روز، روز کارگر است این روز را ارج می‌نهیم روز کارگر باید با راهپیمایی با شکوهی برگزار شده و محتوای

صددرصد اسلامی داشته باشد، در این راهپیمایی گروهکهای ضدخدائی که بر ضد کارگران و مردم عمل کرده و شخصیت کاذب به کارگران می‌دهند، باید افشاء شوند.

نقش کارگران در جنگ: نقش برادران و خواهران کارگر در پیشبرد جنگ البته با همراهی دیگر اقشار جامعه بسیار خوب بوده است. علاوه بر کمکهای مستمری که میشده و میشود، هرزمان که نیرو تقاضا شده، با جان‌ودل تعدادی از کارگران به جبهه‌ها اعزام شده‌اند و در این رابطه حتی مواردی پیش آمده که کارگران برای رفتن به جبهه از یکدیگر پیشی می‌گرفتند. به امید پیروزی نهائی اسلام بر کفر.

رضا مولائی عضو شورای اسلامی کارخانه الکل‌سازی باختران:

در روز کارگر علاوه بر افزایش آگاهی اسلامی و سیاسی کارگران، آنها از نقش سازنده خود در جامعه و بطور کلی در سطح جهان آگاهی یافته و اهمیت خود را دریافته و پی می‌برند که آنها با توجه به اهمیتی که کارشان دارد دور از سایر اقشار ملت نبوده و همه امتی واحد هستند.

روز کارگر بایستی بصورتی برگزار شود که تمام ضوابط اسلامی رعایت شده باشد، در این روز باید کارگران به مقام انسانی خود آگاه شوند و گفته شود که

کارخانجات نداشتیم اگرچه شوراها بودند و اگرچه انجمن‌های اسلامی بودند ولیکن آنها یا در حال جا افتادن بودند و یا درگیر مسائل و اختلافات و مناقشه‌های درون کارخانه بودند که امکان تلاش و کوشش برای اینکار را نداشتند و یا کمتر پیدا کردند و می‌دانید که تشکیلات ما چیزی نیست جز انسجام و وحدت خود تشکیلاتی کارگری و خود حرکتی کارگری، لذا آن روزی را که شوراها و انجمن‌های اسلامی بعنوان نهادهای جا افتاده در کارخانه‌ها موجود باشند و مشکلات درون کارخانه‌ها حل شود و آن روزی که ما بتوانیم نیروی کمی بیشتری را در اختیار داشته باشیم، ارتباط وسیعتری و ارتباط منظمتری خواهد بود. ولی این بدان معنی نیست که هیچ کار انتشاراتی صورت نگرفته، ما در این مدت زیر پوشش ببریم، لذا به کار بیشتر و تلاش روزافزون و چند برابر آن کاری که در گذشته شده در این جهت نیازمندیم، تا به میزان قابل قبول و قابل عرضه‌ای دسترسی پیدا کنیم.

س- تاکنون خانه کارگر بیشتر در ارتباط با کارگران صنایع بوده آیا کارگران آزاد و کشاورزان روستائی فراموش شده‌اند و یا هنوز فرصت پرداختن به آنها پیش نیامده است؟
● ما دوتا مسأله داریم در ارتباط با کارگران و در ارتباط با این سؤال شما، یکی اینکه کارگران صنعتی بواسطه آنکه متشکل‌اند، بواسطه آنکه با شوراها و انجمن‌های اسلامی در ارتباطند و از یک نظم و انسجام خاصی برخوردارند، ارتباط با آنها آسانتر انجام میگیرد و نتیجتاً کار و تلاش کمتری را برای ارتباط نیازمند است. در حالیکه انسجام کارگران صفوف و کارگران آزاد و کارگران روستائی به تلاش فوق‌العاده‌ای نیازمند و به چند برابر این نیروی که ما الان در اختیار داریم، نیازمند است ما تصورمان بر این بوده و اکنون نیز بر آنیم که روزگاری که به یک توفیق نسبی در زمینه انسجام و تشکل کارگران صنعتی دست پیدا کردیم و با نیروی که در این زمینه کسب میکنیم سراغ کارگران آزاد و کارگران صنوف برویم.

س- خانه کارگر تاکنون نتوانسته ارتباط منظمی را با عموم کارگران از طریق انتشارات خود داشته باشد آیا میشود گفت، خانه کارگر هنوز نتوانسته است به برنامه درونی دست پیدا نماید تا براساس آن عمل کند؟

رابطه انجمن‌های اسلامی در ارتباط هستیم و هنوز نتوانستیم کل اعضاء شوراها و کل اعضاء انجمن‌ها بلکه کل کارگران تهران را به بولتن‌های متعدد و نشریات متعدد برای ارتباط با کارخانه‌ها داشته‌ایم و در این جهت هم فکر میکنم در حد توانائی اقدام کرده‌ایم.

ای کارگران آگاه باشید که فریب گروهکهای منافق و ضد انقلاب را نخورید و مواظب باشید تا شخصیت کاذب به شما داده نشود.

کارگران و جنگ: در پشت جبهه کوشش بیدریغ کارگران بصورت تولید بیشتر و انجام تدارکات مختلف جبهه‌ها برهیچکس پوشیده نیست برادران کارگر تا جایکه توانستند مستقیماً در جبهه‌ها فعالیتهای خود را نشان داده و ایثارگرانه از اسلام و کشور اسلامی همانند دیگر برادران رزمنده خود، دفاع نمودند.

ابراهیم صفری مسئول دستگاه آهار کارخانه ایران موکت فرش اکباتان:

بسمه تعالی- باتوجه باینکه زیر بنای اقتصادی هر جامعه را نیروی انسانی تامین میکند و چون اسلام ارزش اصلی را به انسان میدهد نه ابزار، بمنظور ارج نهادن به مقام کارگر مسلمان و دیگر کارگران مستضعف عالم، در مراسم روز کارگر شرکت می‌کنیم. در این روز باید راهپیمایی سراسری انجام گرفته و سخنرانی‌های درجهت آگاه نمودن برادران و خواهران کارگر به مقام والای انسانی خود و ارزشی که دین مبین اسلام برای کارگران قائل است، انجام پذیرد. در این سخنرانی‌ها باید چهره ضدانقلابیون که سعی در تخریب ارزش انسانی کارگران داشته و آنها را به سوی مسائل واهی و صرفاً مادی سوق میدهند را افشاء کنند.

کارگران و جنگ: کار بیشتر در پشت جبهه برای رضای خدا- پرداخت مبالغی در هر ماه برای جنگزدگان - کمکهای جنسی- اعزام برادران کارگر به جبهه‌ها و بطور کلی میتوان گفت که کارگران نقش مفیدی در جبهه‌ها داشته‌اند البته با یاری و مدد دیگر رزمندگان اسلام.

رضا اصفهانیان کارگر قسمت نوسازی قالب انبار ملزومات کارخانه پلاسکو کار- بنام خدا- اول باید بدانیم که پیدایش روز کارگر بخاطر چیست، روز کارگر روزی میباشد که یکمده از کارگران برای احقاق حق خود در شیکاگو که یکی از شهرهای آمریکاست، دست از کار کشیدند و دولت به پشتیبانی از مستکبران و سرمایه‌داران بروی کارگران بیدفاع آتش گشوده و آنها را بخاک و خون کشید و عده‌ای بیگناه کشته شدند. با همه این احوال آنها باز هم به اعتصاب و قیام برسد مستکبران ادامه دادند تا سحق مسلم خود رسیدند.

از آن موقع بیاد آن کارگران هر ساله مراسمی برگزار میشود ولی در این برهه از زمان چرا در مراسم روز کارگر شرکت می‌کنیم، بخاطر افزایش تولید بنفع مستضعفان و از پس‌آوردن مستکبران جهان‌خوار صادر نمودن انقلاب اسلامیان در روز کارگر، کارگران پس به ارزش خود می‌برند و به دیگر کارگران جهان نشان میدهند که کار برای زورمندان نیست، کار صرفاً باید برای خدا انجام گیرد این روز باید بطور احسن برگزار شود و به مستکبران فهمانده شود که دیگر جا برای چپاولگری زورگویی شما نیست، جا برای وحدت کلمه و برادری است.



کارگران، جنگ، روز کارگر...



مهدی توکلی تکنیسین مکانیک کارخانه اونیورسال:
بنام خدا - ۱۱ اردیبهشت - روز کارگر - که همه ساله در کشورها جشن گرفته میشود بجهت سپاس و تشکر از فداکاری و مبارزات کارگرانی است که برای بدست آوردن حقوق پایمال شده خود بپاخاسته و بر اثر یک سری مبارزات پیگیر و مداوم توانستند به مسقذاری از خواستههای خود دست یابند ولی هنوز اکثریت کارگران جهان تحت ستم اربابان زر و زور هستند و نمی توانیم بگوئیم واقعا جشن میگیریم زیرا جشن و شادمانی ما هنگامی معنی کامل پیدا میکند که ظلم و تبعیضات از بین رفته و کارگران بتوانند نتیجه کار و تلاش خود را در راه اصلاح خویش و جامعه و هماهنگ با دیگر اقشار جامعه به حقوق مشروع و انسانی خود برسند که همه در زیر یک پرچم و یک ایدئولوژی گرد آیند، بهترین ایدئولوژی ای که میتواند راهنمای بشریت باشد، ایدئولوژی اسلام است که بهترین و بزرگترین ارزش را برای کار و کارگر قائل شده است. تا آنجا که کار را یکنوع عبادت میدانند و عبادت در مکتب انسانساز اسلام تقرب به حق تعالی است که از بزرگترین ارزشهای انسانی است. شرکت در مراسم روز کارگر به جهت وحدت کارگران سراسر کشور و جهان و اعلام وفاداری به حکومت جمهوری اسلامی و بیعت دوباره با رهبر کبیر انقلاب اسلامی، امام خمینی ابراز انزجار و تنفر از استکبار جهانی، میباشد. در همین جا لازم است یادآوری کنم، در صورتی میتوانیم به حقوق طبیعی خود برسیم که براساس سیاست نه شرقی و نه غربی، کارگران را همراه با افراد دیگر علیه ابرقدرتها بسیج کنیم زیرا اگر جهانخواهی و سیاست امپریالیسم ناپود گردد بطور طبیعی تمام ملل به زندگی متعارف و معمول دست خواهند یافت. و اما تأثیر روز کارگر در جامعه: تأثیر ایسن روز درافزایش وحدت کارگران در صفوف مختلف و همچنین وحدت با دیگر اقشار ملت میباشد. در کشور ما که یک کشور اسلامی است و قانون اسلام در این کشور حاکم است، برگزاری این روز باید حتما دارای هویت اسلامی باشد. در روز کارگر باید به جنبه اسلامی و انسانی قضیه تکیه شود و کارگر مسلمان با تمام ویژگیهایی که اسلام برای وی قائل شده است، به جامعه و به دنیا معرفی گردد و برخلاف دیگر کشورها که این روز را فقط در بعد مادی آن عرضه میکنند، در جامعه ما باید ابعاد معنوی و انسانی کارگر را معرفی کنیم و کارگر مسلمان ایرانی بعنوان سمبل و نمونه دیگر کارگران دنیا درآید. حضرت علی(ع) بهترین نمونه یک کارگر در اسلام است که ابعاد معنوی این بزرگ مرد عالم بشریت میتواند بهترین الگو برای همه کارگران باشد.

نقش کارگران در جنگ: بار این جنگ تحمیلی از ابتدای شروع آن بردوش مستضعفان جامعه بوده است و آنها بوده اند که نقش عمده را در پیشبرد جنگ بازی کرده اند. با شرکت مستقیم

خود و فرزندان شان و کمک و ایثار در پشت جبهه از خدمات کارگران به جنگ بوده است از همه مهمتر بحرکت درآوردن و سرعت بخشیدن به حرکت چرخهای اقتصادی کشور خود جنگی است بزرگ علیه استثمارگر که با تحریم اقتصادی قصد دارند جامعه ما را به فلج بکشانند. برای پیروزی نهائی که انشاءالله نزدیک است، کارگران باید بر تلاش خویش در جهت تولید و خودکفائی بیافزایند و مانند گذشته و پیش از آن پشت جبهه را تقویت کنند. همچنین کارگران باید در مقابل منافقین و ضدانقلابیون داخلی مقاوم و پایدار بوده و با حفظ آرامش، اعمال خلاف مدیران ضداسلام را افشا نموده و از هر نوع اختلاف و تفرقه بپرهیزند که همانا نصرمن الله و فتح القریب.

غلامحسین سلمانی کارگر کارخانه سیمان مشهد و عباسعلی استاد حسین کارگر کارخانه البسکو: بسمه تعالی - مستضعف اگر بپانخیزد، مستحکم حقوق او را نخواهد داد. ما کارگران موظف هستیم با شرکت در مراسم روز کارگر، وحدت خود را بیش از پیش اعلام داشته و به مستکبران بفهمانیم که کارگران مسلمان برده نیست و آزاده است.

نقش کارگران در جنگ: کارگران علاوه بر فعالیت در جبهه که شاهد آن شهدای زیادی است که در جبههها از کارگران داده شده است، در پشت جبهه نیز تلاشهای کارگران مشهود است. نمونه آن کمکهای نقدی و جنسی است که مرتباً هر ماهه از کارخانجات به جبههها ارسال میشود. از سوئی دیگر کارگران مسلمان تلاش کرده اند در حد مقدورات خویش صنعت را خود کفا کرده و در خیلی از موارد تعمیرات خودروهای نظامی و دیگر وسایل را بعهده داشته اند.

عباس گواوند نقاش شرکت سهامی خاص زامیاد: بنام خدا، در روز کارگر شیطان بزرگ آمریکا که حامی مستکبران است با قتل عام کارگران مستضعف شیکاگو چهره استکباری خود را بیش از پیش روشن کرد، در اینروز تمام کارگران دنیا با راهپیمائی و دادن شعارهای ضد استکباری اینعمل را محکوم کرده و وحدت خود را نشان میدهند. این روز همچنین موجب وحدت بیشترین کلیه اقشار جامعه میشود. در این روز باید راهپیمائی به سوی جاسوسخانه شیطان بزرگ آمریکا انجام شده و سخنرانیهائی در رابطه با ارزش کارگران در اسلام و ارتباط این قشر با دیگر اقشار جامعه و جنگ تحمیلی بشود. همچنین در این روز باید به دیدار خانوادههای شهیدای کارگر و عیادت جانبازان انقلاب رفت.

نقش کارگران در جنگ: از کارگران با در نظر گرفتن اینکه آنها نیز قشری از جامعه اسلامی هستند، میتوانیم بعنوان ستون محکمی از انقلاب اسلامی و رهروان اسلام و قرآن در سنگر تولید نام ببریم. همه میدانیم که از آغاز جنگ تحمیلی کارگران چه به صورت شرکت داوطلبانه

در جنگ وجه با کمکهای مادی و معنوی دیگر حضور فعال در جبههها داشته اند، آنها از ابتدای جنگ تا بحال حداقل ماهانه یکروز حقوق خود را به جبههها اختصاص داده اند. **ماشاءالله خراسانی مکانیک قسمت بافندگی کارخانه رنگین بافت کوهپایه:** بسمه تعالی ما به جهت اینکه نشان دهیم که کارگران از زیر یوغ استثمار نجات پیدا کرده و به حیلهها و توطئههای مستکبران آشنائی پیدا کرده و فریب خدعه و نیرنگهای آنان را نمیخورند، در مراسم روز کارگر شرکت کرده و یاد کارگران مستضعفی را که در شهر شیکاگو بوسیله مزدوران امپریالیست به گلوله بسته شدند، گرامی میداریم. اثر روز کارگر در جامعه این مسئله میتواند باشد که کارگران نسبت به مسائل خود آگاهتر شده و به ارزش وجودی خود و وظایفی که در مقابل جامعه دارند، پی میبرند. روز کارگر باید هرچه پرشکوهرتر و با ضوابط اسلامی برگزار شود و هدف اصلی باید نشان دادن جهت اصلی که همان بعد معنوی انسان است، باشد. بخصوص در کشور اسلامی ما که روز کارگر بایستی بازگو کننده رسالت و چگونگی ارتباط آنها با یکدیگر اقشار جامعه، باشد. کارگران میهن اسلامی ما همانطور که حفظ سنگر کارخانه را بعهده دارند، در جنگ هم چه از نظر جانی و چه از نظر مالی مؤثر بوده اند. از طرف دیگر با گام برداشتن در جهت خودکفائی کمر ابرقدرتهای شرق و غرب را شکسته و از جهتی دیگر رزمندگان اسلام را یاری می نمایند. **محمد داود**



تهیه میکنند، ما به همین دلایل برای قدردانی و ارج نهادن به کارگران در این مراسم شرکت می کنیم. با برگزاری روز کارگر، برادران کارگر مورد تشویق و ترغیب قرار گرفته و دست بدست همديگر داده و با اخوت و همکاری بیشتر و بهتر جامعه را بسوی کار و فعالیت بیشتر در جهت بسی نیازی از بیگانگان حرکت میدهند. در این روز کارگران باید دور هم جمع شده و بوسیله سخنرانیها و گفتگوها و در میان گذاشتن مشکلات خود، سعی در رفع این مشکلات بکنند و بهر صورت در اینموارد مشورت کنند و اما در مورد اهداف آن - اول اینکه باید جامعه کارگری ایران یک جامعه مذهبی و پیشرفته از نظر فکری و اصول عقاید باشد تا بتواند بشفیع

مردم و بخاطر پیشرفت صنعت جامعه حرکت کند، در غیر اینصورت همان کارگر بظاهر توانا میتواند بدلیل عدم عقیده اسلامی به کار خود برضد و به ضرر مردم کار کند ولی الحمد... می بینم که پس از انقلاب اسلام... کارگران عزیز، بسیار از نظر مذهبی پیشرفت کرده و چه وسایل ارزشمندی برای این جامعه تهیه کرده و یا در حال تولید آنها هستند.

کارگران و جنگ: اگر بخواهیم نقش کارگران را در جبههها بیان کنیم، زبان از بیان و قلم از نگاشتن ناتوان است یعنی اینطور بگویم که اگر نقش کارگران بیشتر از رزمندگان نباشد، کمتر از آنها نیست چون در شهرهای پشت جبهه کارگران هستند که شبانهروز خود را صرف ساخت و تعمیر وسایل و لوازم جنگی کرده و مهمتر از آن اینکه کارگران در خط مقدم جبهه برای رزمندگان عزیز ما خاکپرها و جادوها ساختهاند. و بسیاری از این کارگران شریف نیز در این راه به فیض شهادت نائل آمدند. کارگرانی هم که نمیتوانند در جبههها حاضر شوند، در شهرهای خود کارهایی را که به آنها محول شده به نحو احسن انجام داده و خود را سهم در این جنگ تحمیلی میدانند در اینمورد باید جملهای را بعنوان پیام به کارگران بگویم: پیامبر اکرم (ص) از جبهه نبرد با یاران خویش بر می گشتند. پیامبر فرمود که نصیحتی می کنم به شما و فرا می خوانم شما را به «جهاد اکبر» یاران پرسیدند پیامبر (ص) فرمود: آنکه من در

که انقلاب پیروز شد نام کارگر و هدف کارگر، محتوا و مفهوم دیگری بخود گرفته است، چه از نظر اعتقادات و چه از نظر ابتکارات و اختراعات- ابتکارات امروزه کارگران، کشور عزیز ما را بسوی خود کفائی و عدم وابستگی به استعمارگران شرق و غرب میبرد و اعتقادات او چون سدی محکم در مقابل متجاوزین خواهد بود چرا که او اعتقادات خود را به ایمان تبدیل کرده و در مقابل هر کمبودی که در جامعه حس میشود، با ایمان خویش این کمبود را نادیده گرفته و در مواقع ضروری در صحنه حاضر میشود. ما باید روز کارگر را با اهداف و موازین صددرصد اسلامی برگزار کنیم. دست یگدیگر را با محبت هرچه تمامتر می فشاریم تا اینکه به آن خدمت مقدس سازندگی در راه خدا و خلق مستضعف و پیروی از گفتار خردمندانه رهبر عالیقدر امام خمینی و جد بزرگوارش محمد (ص) کرده باشیم. مادر مراسم روز کارگر بدین جهت جمع می شویم که فطرت اسلامی و اهداف مقدس و وجدان بیدار کارگر را به آنان که از نام کارگر در راه اهداف نامقدس خود سوء استفاده میکنند، بشناسانیم و مشتی محکم بردهانشان کوبیده و بگوئیم که کارگر مسلمان هرگز گول اعمال شیاطین را نمی خورد **نقش کارگران در جنگ:** در سرتاسر جبهه های جنگ و پشت جبههها کارگران هستند که دوشادوش دیگر برادران نظامی یا بطور مستقیم به جنگ با صدامیان شتافتند و یا با تعمیر خودروها و دیسگر وسایل نظامی از این راه وارد

هستند، بمانند مشت محکمی است که بر دهان یاهوگویان و کسانی که خود را بدروغ حامی کارگر میدانند، زده میشود. بفرموده امام امت و امید مستضعفان جهان خمینی کبیر «هر روز روز کارگر است»، و اگر چه اختصاص یکروز بعنوان روز کارگر شاید برای تشریفات باشد ولی اختصاص این روز میتواند یادآور فداکاریها و جانبازیهای کارگران در تمام جهان و متوجه کردن سایر مردم نسبت به مسائل کار و کارگر می باشد و شاید قدردانی کوچکی باشد از این قشر زحمتکش جامعه. برگزاری روز کارگر در این برهه از تاریخ مملکت اسلامی ما خیلی مهم است بدلیل اینکه تمامی ابرجانیاتکاران شرق و غرب پی به اهمیت پایگاه اقتصادی ما و نقش کارگران در موقعیت کنونی بردهند چون هر دو ابرقدرت یعنی آمریکای جهانخوا و ایادیش با تحریم اقتصادی و ایادی ابرقدرت شرق با تحریک تبلیغات دروغین در کارخانجات سعی در به اعتصاب کشاندن کارخانجات و بالاخره فلج کردن اقتصاد جمهوری اسلامی و شکست انقلاب اسلامیمان داشتند که دیدیم چگونه در شیلی آمریکای جانیاتکار با فلج کردن اقتصاد آن کشور رژیم آئنده را سرنگون کرد ولی کارگران مسلمان با تمامی فشارهای مادی و تبلیغات دروغین و توطئهها با هوشیاری و با رهنمودهای امام امت و همراه با امت حزب... تمامی این توطئهها را خنثی کردند. پس باید تلاش شود تا حد ممکن این مجاهدتهای

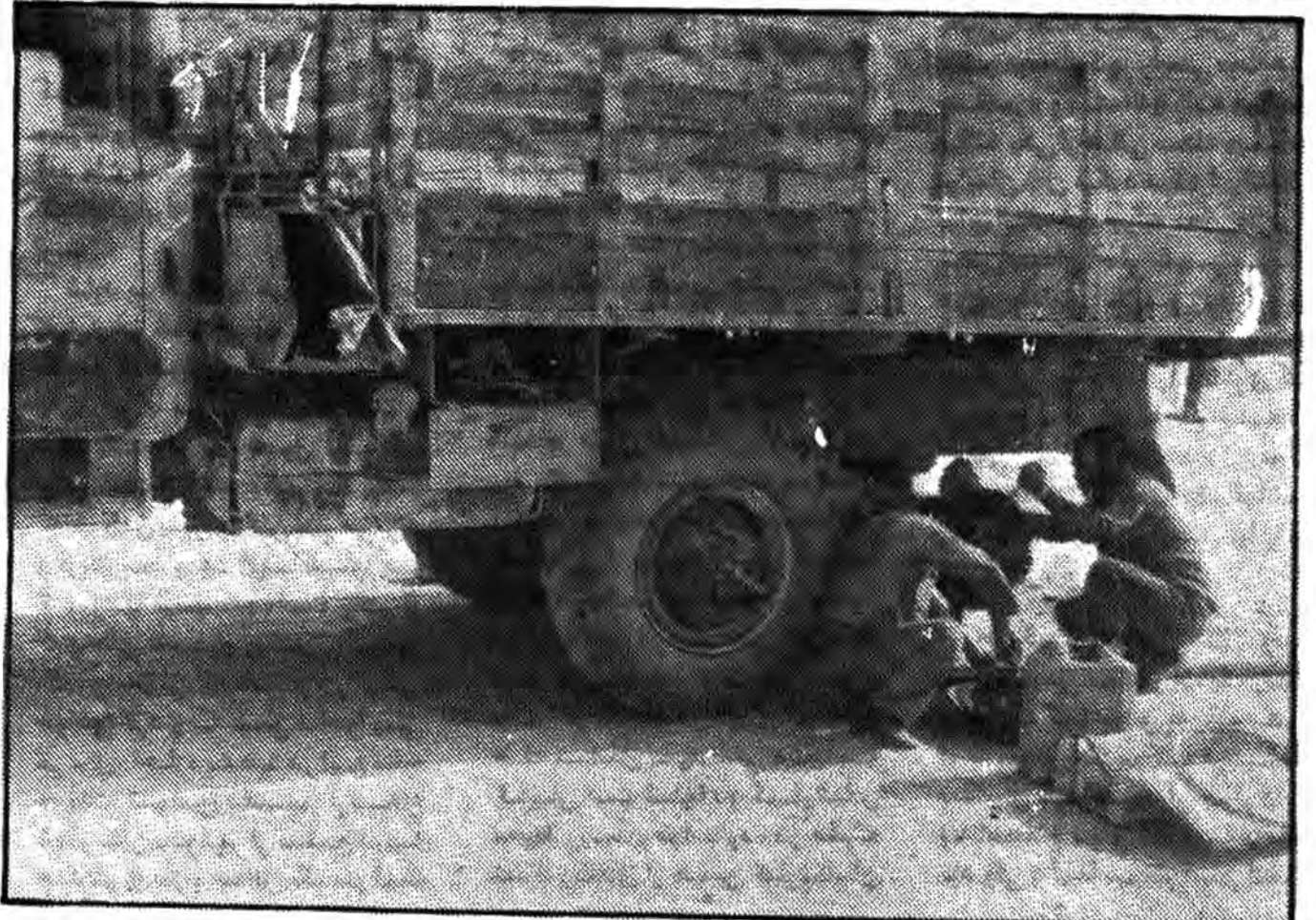
فقط متاع خود را بگوئیم، کافی است و تبلیغ مانند عربیها زانمی خواهیم که اسلام خود گویاست. **کارگران و جنگ:** کارگران مسلمان حزب الهی علاوه بر آنکه خودشان در جبهه های جنگ حضور یافتند و تاکنون بسیاری از آنان به فیض شهادت نائل گشته اند، بزرگترین خدمتشان این بوده است که توانستند علیرغم تمامی فشارها، چرخهای کارخانه را به گردش در آورند تا این رهگذر بگردش در آید تا دولت بتواند از نظر بودجه هرچه بهتر جبهه های جنگ را اداره نماید همچنین کارگران ما با مقابله با توطئهها و آرامش در کارخانجات توانستند بزرگترین امید ضدانقلاب را در پشت جبهه به یاس مبدل سازند تا رزمندگان ما با آرامش بیشتری به جنگ ادامه دهند، در حقیقت رزمندگان ما با اسلحه در مرز، مزدوران آمریکایی را دفن می نمایند و کارگران در کارخانهها با هشیاری خود و تولید بیشتر منافقین و ستون پنجم را دفن می نمایند و کارگران مانند گذشته با هشیاری خود توطئهها را خنثی و با خلاقیت و ابتکار در ساخت قطعات و تولید هرچه بیشتر به استقلال اقتصادی مملکت و پیروزی هرچه زودتر رزمندگان اسلام کمک می نمایند. دولت نیز باید با گماردن مدیران مکتبی در کارخانجات و تقویت انجمنهای و شوراهای اوقاف اسلامی و در خط ولایت فقیه و تشکیل کلاسهای فرهنگ اسلامی برای کارگران، به این امر مهم کمک

برسد، داشتند. در هر جامعه ای کارگران آن جامعه هستند که آنها را با بازوان پرتوان خود اداره میکند، در این مورد پیامبر اکرم (ص) فرموده اند که من دست کارگر را میبوسم و تنها دستی که در آتش دوزخ نمی سوزد، دست کارگر واقعی و زحمتکش است از آنجائیکه اسلام حامی راستی کارگران میباشد و کار نیز نوعی عبادت محسوب می شود و روز کارگر که قیام مستضعفین علیه مستکبرین می باشد، چنین روزی باید با شکوه هرچه تمامتر بوسیله کلیه برادران و خواهران حزب... که در کارخانجات یا دستان پینه بسته خود چرخ عطیم اقتصاد و اجتماع را به چرخش در آورده و به حرکت آن سرعت می بخشند، برگزار شود و درصحن حاکمیت حزب... در کارخانجات باید تجلی عینی خود را ظاهر کند و الگویی باشد برای کوتاه کردن دستهای جانیاتکار حامیان دورغین کارگر از روز مقدس کارگر.

کارگران و جنگ: ابتدا باید بگویم که کارخانه نیز خود سنگر است و کارگران نیز از همین جامعه و امت حزب... هستند پس باید با دستان و بازوان قوی خود در سنگر کارخانجات از رزمندگان مسلمان و دلیران در جبههها حمایت کنیم زیرا همانطوریکه آنها از جان خود گذشتند ما نیز باید از جان و مال خود در راه اسلام و قرآن و میهن اسلامی دریغ ننماییم و کمکهای ما هر چند که جزئی هم باشد، روحیه رزمندگان در جبههها را بالا برده و باعث میشود تا با ایمانی را سخت تر نسبت به

ایران دارد «ان الله لایعیر ما بقوم حتی یغیر ما بانفسهم» باشد که قیام مستضعفین شیکاگو بر ضد سرمایهداران نقطه عطفی باشد در دنیا که تمام کارگران جهان وحدت پیدا کرده و خود را از زیر مار استعمارهای داخلی و خارجی نجات دهند. ما میخواهیم نشانگر راه اصیل اسلام به کارگران باشیم و یک خودآگاهی در میان جوامع کارگری بوجود بیاوریم که همه باهم در یک صف با آرمان اسلام و مستضعفین برهبری پیامبر گونه امام امت راهی نواز سد اسارت مثلث شوم زر و زور و تزویر بیابیم و شرکت یکپارچه ما در روز بزرگ کارگر نیز نمایانگر همین مسئله خواهد بود. تاثیر روز کارگر این خواهد بود که کارگران با آگاهی و شعور سیاسی و اجتماعی که پیدا میکنند خود را از زیر یوغ بهره کشی استثمارگران نجات میدهند. روز کارگر باید به بهترین نحو با برنامه ریزی منطبق با موازین اسلامی با آرمانی مشخص در جهت خود کفائی و عدم وابستگی و استقلال طلبی کارگران جهان بویژه مسلمانان و بالاخص ایران قهرمان و شهیدپرور با یک راهپیمایی عظیم سراسری و سمینارهای متعدد در سطح کارگری بمنظور افزایش فرهنگ اسلامی، انجام پذیرد.

کارگران و جنگ: نقش کارگران در جنگ بسیار محرز و چشمگیر بوده است، در خطوط مقدم جبهه و پشت جبهه بصور گوناگون مشغول جنگ با بعثیون



کافر هستند، آنها با یک اصل خاص اسلامی با ایثارگری و جان گذشتگی نقش خود را ایفا می نمایند. ما بنوبه خود از کلا کارگران حزب... میخواهیم حضور خود را در صحنه های نبرد چشمگیرتر ساخته و نشان دهیم که از هیچ گونه کمکی دریغ نمی ورزند.



کافر هستند، آنها با یک اصل خاص اسلامی با ایثارگری و جان گذشتگی نقش خود را ایفا می نمایند. ما بنوبه خود از کلا کارگران حزب... میخواهیم حضور خود را در صحنه های نبرد چشمگیرتر ساخته و نشان دهیم که از هیچ گونه کمکی دریغ نمی ورزند.

باید آنکه نقطه نظرهای برادران و خواهران کارگر مورد توجه مسئولین و دست اندرکاران مسائل کارگری قرار گیرد و به امید موفقیت رزمندگان اسلام در جبهه های نبرد حق علیه باطل و پشت جبهه و تمام سنگرهای مبارزه با شرک و کفر والسلام

نماید، بامید پیروزی رزمندگان اسلام. **سید حسن میر جواد کارگر میکانیک شرکت صنایع چوب ایران** بسمه تعالی- برای اینکه کلیه کارگران جهان همراه با دیگر اقشار مستضعف جوامع خود یکپارچگی خود را به ابرقدرتهای شرق و غرب یعنی آمریکای جانیاتکار و همیار او اسرائیل غاصب و روسیه جانیاتکار نشان دهند، راهپیمایی روز کارگر برگزار شده و ما نیز در این راهپیمایی شرکت می کنیم. از آغاز انقلاب اسلامی ایران کارگران سهم بسزایی در پیشبرد اهداف انقلاب و بخصوص تولید بیشتر که باعث گردید صنایع ایران تاحدی از وابستگی به غرب خارج شده و به خود کفائی نسبی

جنگ با صدامیان شده اند. بهر حال هدف اصلی در اینجا تقدیر از کارگر نیست، زیرا اولاً کارگر از جامعه جدا نیست و ثانیاً هر که کار میکند، کارگر است و ثالثاً کار نوعی عبادت است و هر که بیشتر کار کند، عبادت بیشتری انجام داده و از او باید تقدیر و ستایش شود. **علی ربیعی کارگر شرکت رادیو الکتریک ایران (فیلمس):** بنام خدا- با درود به روان پاک شهیدان و سلام بر امام امت و امید امام و امت و آیتاله منتظری و رزمندگان اسلام و امت حزب... شرکت در مراسم روز کارگر در موقعیت کنونی یک وظیفه شرعی است و شرکت یک پارچه کارگران مسلمان که بازوان اقتصادی مملکت اسلامی

نظر دارم جهاد با نفس است و ما به عینه دیدیم که در جبهه واقعا جهاد با نفس عملی شده و کارگران ما با تمام وجود حاضرند بامید که کارگران ما بتوانند با بکار بستن این نصیحت پیامبر (ص) ایران عزیز را از زیر یوغ استعمار و استبداد غربی و شرقی رها نموده و به سوی یک کشور تماماً اسلامی و پیرو خط پیامبر (ص) و حضرت علی (ع) که خود همای کارگران کار میکرده و زحمت می کشیدند، سوق دهند. **برائلی برعمدی یکی از کارگران کارگری شرکت صنعتی کمیدارو (هوخت سابق):** بنام خدا- استثمارگران تا پیش از انقلاب از نام کارگر بسود خود استفاده میکردند، از روزی

بوشهر



مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

پس از مدت‌ها که در آرزوی دیدن منطقه جنوب کشورمان دل‌بهرت داشتیم زیرا مشغله‌ها فرصت نمی‌داد که به زیارت هموطنان عزیزمان بشتابیم. خوشبختانه خدا مدد کرد و به پیشنهاد یکی از مسئولان دلسوز جمهوری اسلامی که دعایمان اینست خدا حافظش باشد عازم استان بوشهر شدیم. در این سفر موفق شدیم تا حدودی با نارسائیه‌ها و مشکلات از یک سو، فعالیت و اقدامات انجام گرفته در این استان از دیگر سو آشنا شویم.

آنچه که توجه هر انسان را در دیدار از شهر بوشهر در ابتدا بخود جلب میکند مساله آبهای سطحی و وجود گندابها در سطح این شهر میباشد که دهها هزار انسان سالها با آن دست و پنجه نرم میکنند و نمونه بارزی از میراث ۲۵۰۰ سال سلطه طاغوت بر این مرز و بوم است. چیزی که تعجب انسان را بیشتر برمی‌انگیزد اینست که رژیم طاغوت برای مدت کمی که اجانب در این خطه مشغول ایجاد نیروگاه اتمی «که چیزی جز تحمل یک قرار داد استعاری نبود و بودجه‌ای بالغ بر ۷ میلیارد فرانک را بخود اختصاص میداد» بودند بیش از ۲۰۰۰

واحد مسکونی پیش ساخته موقت که هر کدام هزینه‌ای بالغ بر یک میلیون تومان برای این ملت شاه زده داشت به‌همراه کلیه امکانات رفاهی اعم از تمامی وسایل زندگی که از آلمان وارد شده بود و آب برق- سینما و میدان اسب دوانی، استخر و... ایجاد مینماید ولی کوچکترین اقدام در جهت دفع این گندابها ننموده و حتی مبادرت به زه کشی وجوی کشی نمی‌نماید قسمی که در تمامی سطح بوشهر بغیر از پایگاه جوی فاضل آب مشاهده نمی‌شود.

گزارش زیر بازگو کردن این درد است که مردم مسلمان بوشهر با آن دست به گریبان هستند ناگفته نماند آنچه در زیر از نظراتان میگذرد بدین معنی نیست که در استان بوشهر هیچ اقدام عمرانی بعد از انقلاب صورت نگرفته است. برای شناخت دقیق فعالیت‌هایی که در سطح استان بدست جهادگران و دیگر مسئولین متعهد بوشهر انجام گرفته بهترین منبع تحقیق مردم مسلمان، خون گرم و مقاوم این دیار میباشد.

امید است گزارش فوق موجب شود تا کارشناسان و مسئولان مسلمان و متعهد شناختی هرچند ناقص از این منطقه پیدا کرده و در رفع دردهای آن بخصوص مشکل ذکر شده اینستار گرانه اقدام نمایند

برخوردهای گرم و صمیمانه، نگاههای متواضعانه، چهره‌های سوخته شده از حرم آفتاب سوزان جنوب ولی با نشاط و مصمم، گرد و غبار سالها رنج و محرومیت..... همه دست به دست هم داده و به استقبال تو می‌آیند. وقتی در خیابانهای بوشهر قدم می‌زنی هرگز احساس غربت نمی‌کنی چه به هر طرف که می‌نگری چهره‌های صمیمی مردم میهمان نوازی را می‌بینی که از کنارت می‌گذرند و با نگاههای گرم خود فکر غربت را از سرت بیرون می‌کنند. شاید اولین خصوصیتی که پس از چند جلسه برخورد با مردم بوشهر متوجه‌اش میشوی صبوری و متانتی است که در آنان می‌بینی. که بی‌شک تحمل آفتاب گرم توام با رطوبت دریا که گاهی درجه آن به ۵۰ نیز می‌رسد و همچنین سالها دست و پنجه نرم کردن با موج‌های سنگین دریا و در میان آبهای خشن خلیج به ماهیگیری و دریانوردی پرداختن، نمی‌تواند بی‌تأثیر در چهره‌های صبور مردم بوشهر باشد. ساعت ۴ بعدازظهر پنجشنبه، یکی از روزهای نیمه دوم فروردین ماه وارد بوشهر شدیم. هوا گرم بود و دریا آرام. نسیم گرمی که نیز می‌وزید و ما را که کمتر عادت داشتیم، بیشتر از مردم بوشهر می‌آورد. پس از آنکه محل اقامتمان مشخص شد و در آنجا مستقر شدیم تصمیم گرفتیم قبل از شروع کار اصلی که تهیه گزارش جامع از استان بوشهر و بررسی نارسائیه‌ها و محرومیت‌ها بود، به زیارت قبرستان شهر برویم و ضمن زیارت اهل قبور و تجدید عهد با شهدا در کنار مزار مطهر آنان از خدایاری و مدد بجوییم. قبرستان مملو از جمعیت بود. زن و مرد، کوچک و بزرگ در آن بچشم می‌خوردند. آنطور که بعداً تحقیق کردیم بوشهر در عملیات فتح المبین قریب به یکصد شهید تقدیم انقلاب کرده است و هر هفته حدود ۱۵ کامیون اجناس و هدایای این مردم محروم به

جبهه‌ها ارسال می‌شود. در کنار قبور شهدا خانواده‌های بوشهری از کودک گرفته تا پدربزرگ خانواده به تلاوت قرآن و دعا مشغول بودند شیون مادران داغ‌دیده و جوانان از دست داده، و گریستن مظلومانه زنان جوانی که به انتظار بازگشت شوهر شهید خود برکنار قبور نشسته بودند، عکسهای جوانانی که بدست عوامل آمریکا و جنایتکاران بعثی به‌شهادت رسیده بودند و اینک در برابر تو سرفرازانه می‌خندیدند. دیگر نه قلممان برای نوشتن داشت و نه قدممان توان حرکت، السلام علیک یا ابا عبدالله، السلام علیکم یا انصارالحسین...

از قبرستان شهر که بیرون آمدیم اولین مسئله‌ای که توجه‌مان را جلب کرد، وجود گودالها و در بعضی موارد استخرها و یا بهتر بگوییم دریاچه‌های پر از آب لجنی بود که در مبسرا همان قرار داشتند، با کمی تحقیق متوجه شدیم که این مسئله به عنوان یک مشکل اساسی در سطح شهر مطرح است و سالیان سال است که مردم بوشهر از وجود آن رنج می‌برند و تنها منحصر به مسیر رفته و آمد ما نیست بلکه تمام شهر را گودالهای پر از آب گندیده فرا گرفته است.

شاید برای شما خواننده عزیز ثقیل و غیر قابل هضم باشد اگر بگوییم که بوشهر بر روی آب قرار دارد. این با بیشتر به یک داستان شبیه باشد ولی باید قبول کنیم که چنین است و مردم بوشهر سالهاست که همچون سیل زده‌گان بسر می‌برند و فریاد محرومیت آنها هنوز به گوش‌ها نرسیده است. وقتی از کوچه‌های ناهموار و خاکی بوشهر بگذری بخوبی این موضوع را لمس خواهی کرد و به عمق ماجرا پی می‌بری. اجازه بدهید در این باره بیشتر توضیح دهیم: ارتفاع شهرستان بوشهر از سطح دریا حداکثر ۵ متر و حداقل یک متر است

از این رو در اکثر نقاط شهر اگر چاله‌ای به عمق یک متر حفر شود آب زمین بالا می‌آید و دیگر قادر به ادامه حفاری نخواهیم بود. بنابراین اکثر خانه‌ها بخصوص محله‌های وسط شهر با مشکل فاضل آب روبرو هستند علاوه بر این د. بعضی نقاط شهر آب خود بخود از زمین می‌جوشد و بالا می‌آید که وجود چنین آب‌هایی همراه با آب حاصل از بارندگی در چاله‌ها و کوچه‌های ناصاف و خاکی شهر جمع میشوند و گاهی عمر آنها به یکسال نیز می‌رسد و تنها در تابستان است که از حجم آب‌های هرزه کاسته میشود و یا می‌خشکند. البته این مسئله مشکلات دیگری را نیز به همراه دارد که وجود بیماری‌های گوناگون و استشمام مداوم بوی حاصل از آب‌های گندیده از آن جمله‌اند.

رماتیسم- تراخم و مسالاریا و بیماری‌های پوستی نمونه‌های بارزی از بیماری‌های ناشی از وجود چنین آب‌هایی در سطح شهر است که مردم همه ساله با آنان دست و پنجه نرم می‌کنند. البته ناگفته نماند در این گنداب‌های متعفن انواع مختلف پشه، قورباغه و جانوران دیگر نیز وجود دارند که درصد زیادی از بیماری‌ها بواسطه وجود همین حشرات است. به عنوان یک نمونه بسیار کوچک هنگامی که ما با اهالی یکی از محله‌های بوشهر بنام محله شکری که آب دور تا دور منازلشان را فرا گرفته بود گفتگو نشستیم و قصد مراجعت داشتیم شبیه جلو اتوموبیلمان از پشه ناشی از وجود آب‌های گندیده کاملاً سیاه شده بود همچنین وجود بیماری چشم در بین اهالی این محله کاملاً مشهود بود. شاید جای تعجب باشد اگر بگوییم در شهری که با این همه مشکل بهداشتی دست به گزبان است تنها دو کارشناس محیط زیست وجود دارد، در حالیکه تعداد زیادی از همین کارشناسان

بواسطه اعمال سیاستهای غلط در تهران یا مراکز استانها پشت میزها به انجام کارهای اداری مشغول اند و یا بر اثر عدم برنامه‌ریزی صحیح بطور نامتناسب و بدون در نظر گرفتن نسبت احتیاج شهرها و روستاها تقسیم شده‌اند. در همین رابطه استاندار جدید بوشهر اظهار می‌کرد که در حال حاضر ۰ کارشناس بهداشت در استان فارس مشغول فعالیت هستند که پس از تقاضاهای مکرر موفق شده‌ایم چندتن از این عده را به استان بوشهر فراخوانیم، البته هنوز نتیجه کار معلوم نیست و مسئله پسا در هوا مانده است. در بعضی نقاط شهر این گودالهای بزرگ آب سرررا عبور و مرور مردم قرار دارند و اهالی شهر اگر بخواهند از این نقاط عبور کنند باید دقیقاً از وسط آب‌های لجن بگذرند.

یکی از این نمونه‌ها گودال آب بزرگی است که بیشتر به دریاچه می‌ماند تا گودال و اگر اغراق نکرده باشیم حتی در آن قایقرانی نیز بخوبی انجام میگردد این دریاچه عظیم دومحله شهر رایعنی محله‌های «مقدور» و «بنامنه» را به هم وصل میکند یکی از اهالی محله «بنامنه» براینمان نقل میکرد دردوران انقلاب برای اینکه خودم را به محل تظاهرات یعنی میدان اصلی شهر برسانم هرروز پاهایم را بالا می‌زدم و ازوسط این دریاچه عظیم خودم را به محله دیگر میرساندم. دردیداری که ازسطح شهر داشتیم در بعضی از منازل مسکونی مشاهده کردیم که رطوبت حتی تا سقف اطاقها نیز رسیده است و برخی از خیابانها رانیز آب فرا گرفته است.

در یکی از کوچه‌های شهر نزدیک بازار قدیمی بوشهر بایک زمین ورزش که گویا متعلق به یک مدرسه است روبرو شدیم که دوتاحلقه بسکتبال در دوطرف آن قرار داشت و به اصطلاح برای بازی ساخته شده بود ولی دقیقاً نیم متر آب در کف آن



میراث ۲۵۰۰ سال سلطه طاغوت

گفتگو با مردم بوشهر

وقتی وارد محله شکر بوشهر شدیم اهالی دورمان حلقه زدند و باهمان نوازی خاصی به استقبالمان آمدند چندبچه که در کنار آبهای لجن محله مشغول بازی کردن بودند بادیدن ما بطرف جمعیت دویدند و در کنار پدر یا مادرشان قرار گرفتند. از ۸ یا ۱۰ نفری که در محله شکر با آنها گفتگو نشستیم شاید ۳ یا ۴ تن نابینا بودند در تمام مدت صحبتمان صدای سرفه برخی از ساکنین محله که در کنارمان بودند بگوش می‌رسید پس از یک پرس وجوی مختصر متوجه شدیم که این محله فقیر نشین اطراف آن تابحال چند شهید داده است. در بر خورد اولیه اینطور بنظرمان رسید که اهالی احساس کرده‌اند مالز مستولین و یا

جمع شده بود همچنین در محور شرقی شهر متوجه یک کانال که برای لوله‌های نفت یا گاز حفر گردیده بود شدیم که پس از یک متر حفاری به آب رسیدمان در نتیجه کانال پراز آب شده بود. نکته دیگری که قابل تعمق بود عدم وجود زه کشی آسفالت وجدول بندی مرتب در سطح شهر بود که خود این نارسایی به سرگردان بودن آبهای هرزه کمک میکرد. اگر چه مشکل وجود آبهای گندیده در سطح شهر مشکل بعد از انقلاب نیست و مردم بوشهر سالیان سال است که از آن رنج می‌برند اما جای تاسف است که در سال گذشته که آقای گرجی عهده‌دار پست استانداری بوشهر بوده است از ۶۰ میلیون تومان بودجه‌ای که به استان بوشهر اختصاص یافته بود در حدود ۲۰۰ میلیون تومان آن جذب نشده و برگشته است اگر چه

این حرفها توضیح دادیم که ما خبرنگار هستیم و آمدن ما به منظور آنرا را منعکس کنیم یکی از اهالی محل در پاسخ به سؤال ما که در مورد مشکل آبهای موجود در سطح شهر چه اقدامی شده است و نتیجه فعالیت‌های اهالی بکجا رسیده است، چنین گفت: در مورد این آبها چند بار به اداره بهداشت محیط زیست مراجعه و درخواست کردیم در تابستان این گندابها را سم پاشی کنند.

تا لا اقل از دست پشه و مگس در امان باشیم که در جواب گفتند چون سم پاشی تاثیر ندارد باید قیر پاشی کنیم و نفت سیاه بریزیم تا پشه‌ها از بین بروند ولی تابحال هیچ کاری نکرده‌اند و همینطور مزارع سر دوانده‌اند بنظر من خوب است مسئولین خودشان را جای ما بگذارند و برای یک روز هم که شده در اینجا

در این محله زندگی می‌کنی. وی در پاسخ گفت: ما زاول بهار آمده‌ایم اینجا قبلا کرایه نشین بودیم که بعد رفتیم برازجان و دوباره آمدیم اینجا از پیرزن سؤال کردیم آب تابحال در مورد وضع محله شکایت کردی «استغفرالله ننه جان، چه شکایتی بکنیم. بریم چی بگیم. اگر خودشان کمک کردند خوب کرده‌اند اگر نه، سرشان سلامت باد. ما نمیتوانیم شکایت کنیم چون تمام ذکر و فکرمان اینست که این جنگ با پیروزی تمام شود. بالاخره ما با این کثافت و پشه می‌سازیم خدا بزرگ است» این پاسخی بود که پیرزن داد.

از یکی دیگر از ساکنین محله شکر که یک مرد جافاده‌ای بود سؤال کردیم آیا شما در مورد وضع فاضلاب شهر شکایتی کرده‌اید؟ در جواب گفت: بله آقا ما داد زدیم پیش استاندار و شهردار رفتیم

امکانات هم که هست ولی نمیتوانیم چرا ترتیب اثر نمی‌دهند.

● ● ●
هواکم کم روبه تاریکی می‌رفت برای اقامه نماز به مسجد امام جعفر صادق (ع) واقع در محله «مقدور» رفتیم. استقبال مردم از برپایی نماز جماعت بی نظیر بود. پس از پایان نماز در مسجد با اهالی و برادران شورای اسلامی محل به گفتگو نشستیم یکی از اهالی محل سر صحبت را باز کرد و در مورد مشکل آبهای موجود در سطح محله چنین گفت: چندی قبل که هیئت بازرسی کل کشور به این استان آمده بود یک نامه نوشتیم و به این هیئت عرضه داشتیم که هپرو آن نامه‌ای دادند تابه شهردار بدهیم تا وی در جهت آسفالت و کشیدن آب موجود در سطح محله اقدام کنند که این نامه را به شهردار دادیم ولی متأسفانه هیچگونه کاری

تومان ۲۰ تومان جمع کردند و مسجد محل را بنا کردند حاضرند برای آسفالت خیابان و کوچه‌ها نیز پول جمع کنند تا اینکار انجام شود. ولی هیچگونه عکس‌العملی نسبت به خواست ما انجام ندادند خود شما ببینید واقعا با وجود این آبها می‌توان از کوچه و خیابان اینجا عبور کرد؟ «آقاسرت را در دنیاورم خلاصه وقتی دیدیم از آسفالت خبری نیست درخواست کردیم که حداقل یک پمپ در محله بگذارند و آبهای راکه پشت مسجد جمع شده است بکشند که لا اقل پشه جمع نشود ولی این کار را هم نکردند.» هنوز حرفش تمام

نشده بود که یکی دیگر از اهالی محله مقدر شروع به صحبت کردن کرد و گفت: شهردار می‌گوید ما بودجه نداریم و آنوقت استاندار در سال گذشته نصف بودجه را برمی‌گرداند مسئولین هر کت بکنند تا ببینند مردم چگونه آنها را یاری خواهند کرد. ما زاول انقلاب تابحال هیچ فعالیتی از استانداری اداره بهداشت محیط زیست و شهرداری ندیده‌ام و تاکنون هم حدود شاید بیشتر از ۱۰۰ نامه نوشتیم در صورتیکه عوارض و مالیات هم می‌پردازیم. در این میان شخصی دیگری اظهار داشت: سال گذشته در خیابان طالقانی آب زده بود بالا از آنجا نیکه این خیابان مسیر عبور معاون استاندار سابق بوشهر بود بلافاصله خیابان را خاک ریزی کردند و سطحش را بالا آوردند در حالیکه اگر ما خودمان بخواهیم خاک ریزی کنیم نباید نامه از شهرداری داشته باشیم و مبلغی هم به شهرداری بپردازیم ساعت ۹ شب بود که با مردم خدا حافظی کردیم و از مسجد بیرون آمدیم مقررات خاموشی در شهر بطور کامل رعایت می‌شد و بقرار اطلاع در طول جنگ تحمیلی قریب به ۱۲۰ هواپیمای دشمن در بوشهر و خارک سرنگون شده است آنچه در طول میسرمان بسیار مورد توجه مان قرار گرفت تلاش برادران بسیجی بود که بطور زیبایی عبور و مرور در شب را کنترل میکردند.

● فرجام ماجرا چه میشود

مساله آبهای سطحی و گندابهای بوشهر که میتوان گفت در نظر اول زاساسی‌ترین مشکلات این شهر در حال حاضر است ما را بر آن داشت هر چند مختصر گزارشی تهیه کنیم شاید آگاهی که مسئولیت پذیرفته‌اند و عنوان می‌نمایند جمهوری اسلامی در منطقه مشغول به کار شده‌اند اقدام جدیدی در دفع این درد نمایند که بگفته یکی از برادران بوشهری «اگر مساله گندابهای بوشهر حل شود مردم اردو و لای هیچ انتظاری نخواهند داشت»

بقیه در صفحه ۱۸



تعجب نکنید، اینجا دریاچه یا باتلاق نیست، بلکه گوشه‌ای از شهر بوشهر است.

انجام ندادند. مجدداً نامه‌ای نوشتیم به امام جمعه و آن را پیش آقای حسام، شهردار بردیم ولی این بار نیز هیچ فعالیتی نکردند. وقتی با این بی‌تفاوتی روبرو شدیم به شهردار شرح دادیم که اگر شهرداری بودجه ندارد اهالی محله همانطور که ۱۰

و امسال چهار نامه به شهردار نوشتیم ولی کسی بدادم نرسید وقتی بدادم نمی‌رسد چه کار کنم مگر ما مستضعف نیستیم از ما مستضعف‌تر کیست؟ به خودم کار دارم و نه فرزندی دارم که کار کند و خرمان رانده اگر بودجه نیست که هست



اضافه شدن فاضل آب اماکن بر سطح آبهای موجود.



اینجا روستا و آلونگ نشین اطراف شهر نیست محله‌ایست در وسط شهر بوشهر که اطراف آنرا آبهای سطحی و گندابها فرا گرفته است.

زندگی کنند و ببینند واقعا ما چه میکشیم در این لحظه بایک پیرزن که یک چشمش نیز نابینا بود و کمی آنطرف‌تر ارما پستاده بود به صحبت پرداختیم ابتدا سلام کردیم و پیرزن با خوشرویی جواب داد: سلام ننه جان از او پرسیدیم چندوقت است که

از ازار گانه‌های اجرایی هستیم و حتماً برای بررسی مشکلات به آنجا رفتیم چرا که یکی. آنان وقتی برایمان در دل میکرد اظهار داشت: «مامی خواهیم که مسئولین بوضع مارسیدگی کنند. نه اینکه بیایند نگاه کنند و امیدواری بدهند.» با شنیدن

بود چه شهرداریها مستقل از بودجه عمرانی می‌باشد و از بودجه عمرانی نمیتوان صرف مسائل شهری نمود ولی در اینجا این سؤال مطرح میشود که چگونه استانی به این محرومی نیمی از بودجه عمرانی خود را جذب نکرده است.

بوشهر میراث ۲۵۰۰ سال ... کار در اسلام

بقیه از صفحه ۱۸

در این رابطه گفتگوی بسیار کوتاهی با برادرمان آقای نصیری استاندار جدید بوشهر داشتیم ایشان اظهار داشتند از زمانیکه وارد این شهر شدهام مسأله‌ای که دائماً روی آن کار شده و مرتباً پی گیری نموده‌ام همین مسأله بوده و اخیراً باتامین یک بودجه ۳۵ میلیون تومانی طرحی تهیه و به پیمانکاری نیز قرارداد منعقد شده که انشاء الله بزودی این طرح به‌مورد اجرا درمی‌آید.

وی در ادامه در مورد خصوصیات این طرح اظهار داشت که در طرح مزبور اقدام به دفع آبهای سطحی میشود و این طرح بخشی از شهر را شامل خواهد شد.



خانواده‌های بوشهری همچون سایر خانواده‌ها

با موقعیت جغرافیایی بوشهر آشنا شویم

استان بوشهر با مساحتی حدود ۲۷۶۵۳ کیلومتر مربع از شمال به شهرستان کازرون، از مغرب به خوزستان، از جنوب به خلیج فارس و از مشرق به شهرستان لار و فیروز آباد محدود است ارتفاع مرکز استان از سطح دریا از یک تا پنج متر میباشد.

بر اساس آمارگیری سال ۱۳۵۵ جمعیت شهرستان بوشهر ۵۵۸۰۴ نفر و جمعیت استان بوشهر بالغ بر ۳۴۵۵۶۴ نفر بود که در حدود ۱۶/۹٪ آن در روستاها و ۳۴/۱٪ بقیه در شهرها زندگی میکنند. ضمناً آمار جمعیت جنگ‌زدگان در شهرستان بوشهر ۴۲۷۶۷ و در استان بوشهر ۷۶۹۷۱ نفر میباشد. استان بوشهر بواسطه کمی ارتفاع و نزدیکی ب خط استوا منطقه‌ای گرمسیر است در قسمت جنوبی آن که به خلیج فارس محدود است هوای گرم و

* هر هفته حدود ۱۵ کامیون اجناس و هدایای مردم محروم بوشهر به جبهه‌ها ارسال می‌شود.

*** مسئله آب‌های گندیده در سطح شهر به عنوان یک مشکل اساسی در بوشهر مطرح است سالهاست که مردم بوشهر از آن رنج می‌برند.**

*** مردم بوشهر سالهاست که همچون سیل زده‌گان بسر می‌برند و فریاد محرومیت آنها هنوز به گوشها نرسیده است.**

*** گاهی عمر آب‌های گندیده در چاله‌های شهر به یکسال نیز میرسد.**

*** رماتیسم- تراخم- مالاریا و بیماریهای پوستی نمونه‌های بارزی از بیماریهای ناشی از وجود آب‌های جاری در سطح شهر است که مردم همه ساله با آن دست و پنجه نرم میکنند.**

مرطوب و درقسمتهای شمال و شرق که از ساحل فاصله دارد رطوبت هوا کمتر و در معرض بادهای گرم و سوزان بوده و بطور کلی ۷ ماه از سال دارای تابستانی گرم و ۵ ماه زمستان معتدل است.

حداکثر درجه حرارت هوا در تابستان ۵۰ درجه و حداقل در زمستان به یک درجه سانتیگراد میرسد. رطوبت هوا در مرداد ماه و در شهریورماه بین ۶۰٪ تا ۸۰٪ در نوسان است.

تاریخچه مختصر بوشهر:

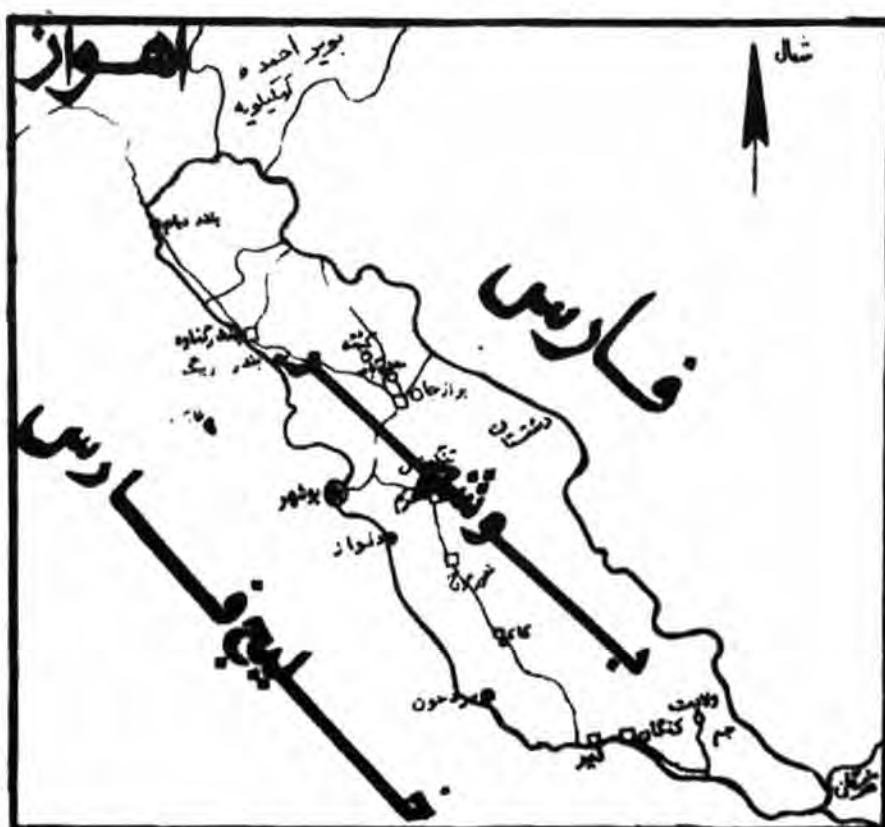
بوشهر قدمت بسیار دارد. بعضی آنرا به اردشیر ساسانی نسبت میدهند و نام اصلی‌اش را بخت اردشیر میدانند و گویند روستائی بوده که بدست اردشیر توسعه یافته است. پیدایش سکه مربوط به زمان ساسانیان در امامزاده بوشهر میتواند گواهی بر این مدعا باشد و این امر را نشان میدهد.

*** در شهری که با این همه مشکل بهداشتی دست به گریبان است تنها دوکارشناس محیط زیست وجود دارد.**

*** در بعضی نقاط شهر گودالهای بزرگ آب سر راه عبور و مرور مردم قرار دارند و اهالی باید دقیقاً از وسط آب‌های لجن بگذرند.**

*** در سال گذشته از ۶۰ میلیون تومان بودجه‌ای که به استان بوشهر اختصاص یافته بود ۲۰۰ میلیون تومان آن برگشته است.**

*** اهالی بوشهر حتی به سمپاشی شدن گندابها نیز اکتفا کرده‌اند اما هیچگونه اقدامی از طرف مسئولین شهر در این رابطه انجام نگرفته است.**



ریشه‌ها در نزدیکی بوشهر که اکنون آثار خندق آن بجای مانده و در کاوشهای علمی باستان‌شناسان در گذشته آثاری از آن بدست آمده است مبین کهنسالی این شهر است. در مورد نام بوشهر نیز عقاید مختلف است. بیشتر گفته میشود تحریف شده همان ریشه‌ها است بعد از اسلام نخستین سندی که از این شهر با نام بوشهر یاد کرده (معجم البلدان) یاقوت حموی است. فارس نامه ابن بلخی که بین سالهای ۵۱۰-۵۰۰ هجری (۱۰۸۰-۱۰۹۰ میلادی) تحریر شده است فقط از شهر قدیمی ریشه‌ها به اختصار نامی برده است. ریشه‌ها در قرون ۱۶ و ۱۷ اوج شکوفائی و رونق بندری خود را میگذراند و مرکز عمده تجارت خلیج فارس بوده است. از شهرهای مهم استان بوشهر میتوان برازجان- اهرم- خورموج- جزیره خارک و بنادر آن گناوه- دیر- کنگان و دیلم را نام برد.

قرار باهم گذاشتیم آمدیم و مردم ارما خریدند امام فرمودند که قسم به خدا که باری کردن با شمشیر آسانتر است از طلب حلال این چه کاری است شما کردید شما رفتید کالائی را در انحصار خودتان گرفتید و بهر مقدار که خواستید فروختید حضرت تصریفی در آن پول نکردند و فرمودند شما نسبت به مردم آن

شهر ظلم کردید البته حکومت اسلامی خودش ترتیب این کارها و مهره‌چینی‌ها را باید بکند که به چه صورتی و چه ترتیبی باید انجام بشود. اشکال دیگری که سرمایه‌داری دارد این است یک سرمایه غول پیکری یک عده معدودی پیدا می‌کنند و کارگر تعدادش زیاد می‌شود. در نتیجه عرضه میشود بیش از تقاضا. یعنی وقتی که یک عده خاصی صاحب سرمایه‌های کلانی شدند کارخانه‌ها فرضاً ۲ هزار کارگر میخواهد ۱۰۰۰۰ کارگر عرضه میکند آنهم می‌گوید به این قیمت اگر میخواهید بیایید و کارگر هم به اجبار تن می‌دهد این وضع الان در کشورهای سرمایه‌داری الان وجود دارد ولی اسلام با همه اینها مخالف است اسلام سرمایه را از چه راهی پیدا بکند نوع کارت چی باشد تمام را حکومت اسلامی نظر میدهد وقتی حکومت اسلامی نظر داد این چنین نیست که کارگر اجرتش کم باشد بلکه اجرت کارگر خوبه و رفیع نیاز و رفیع احتیاجش هم میشود و اصولاً بآن بعد فرهنگی بین کارفرما و کارگر اسلام صلح میدهد و دعوا را تمام میکند و میگوید شما با یکدیگر باید به این نحو باشید که برادر هم هستید و همه دارید عبادت می‌کنید یعنی وقتی ما نگاه میکنیم می‌بینیم در اسلام کار عبادت است و کارفرما می‌گوید تو کاری که میکنی عبادت است و کارگر هم می‌گوید عبادت است البته کارگر را اسلام بیشتر اهمیت میدهد کارفرما هم اگر در مسیر تولید باشد اگر کارش خدائی باشد عبادت است ولی کارگر را آنقدر اهمیت میدهد که در روایت است

پیغمبر اکرم (ص) وقتیکه رسید به یک کارگری و گفت کارت چیست و گفت مشغول کار بودم دستش را نگاه کرد به صاحب نشان داد و به آنها فرمود اینچنین باشید که این دستهاست که در قیامت به بهشت خواهد رفت و در یک روایت دیگر داریم که پیامبر بوسید که ما در هیچ مکتبی و هیچ مرامی در دنیا اینچنین پیدا نمی‌کنیم. آنگاه که علاوه بر اینکه کارگران را به زندگی رفاهی رسانده و فرهنگ آنها را درست کرده به بعد معنوی و انسانی آنها اسلام بسیار اهمیت داده و این است که

اسلام با کشورهای سرمایه‌داری در تضاد است حال پس از ذکر جوامع سرمایه‌داری می‌آیم سراغ کشورهای کمونیستی که شمار آنها گول زنده‌تر از کشورهای سرمایه‌داری است بدین معنی که

آنها به نام عصه کارگر و رنج بران کارگر آن عظمها را برپا کرده‌اند. کمونیستها هم چند اشکال در کارشان دارند البته اینها که می‌گویند ما استثمار و استعمار می‌کنیم دروغ می‌گویند آنها خون مردم را می‌جورند الان هم هست نسبت به داخل کشورهای و داخل کشور دیگر مثل دو کشور آنها بمباران میکنند اینها بمباران میکنند آنها می‌بلعند اینها می‌بلعند این میخواهد دنیا را به بلع او هم میخواهد دنیا را به بلع آن می‌گوید من باید زور بگویم و این نیز همان را می‌گوید این وضعی است که ما در دنیا می‌بینیم همه اینها هم به خاطر این است که مردم از معنویت و از فرهنگ الهی دور هستند جامعه‌ای که از فرهنگ الهی دور بشود هیچی ندارد ملتی که از خدا دور بشود هیچی ندارد کسی که واقعاً خدا را ندارد ما نمی‌توانیم بگویم دنیا دارد.

اقتصاد دارد، خانه دارد بلکه هیچی ندارد، و مدام در کشمکش و تضاد و نگرانی و رنج و این چیزهاست و مثل اینکه ما شاهدش هم دنیای ۴/۵ میلیارد را آن می‌بینیم که با دو ابرقدرت شرق و غرب به این صورت درآمده است. ولی واقعیت این است که دنیای کمونیستی هم که می‌گوید کارگر هرچه میخواهد کار بکند ما به اندازه احتیاج به او میدهم و رفیع احتیاجش را میکنیم با این شعار می‌گویند اینهم اشکال اولش این است که تو به هر کار می‌خواهی کارگر را و می‌داری و این یک همچین زوری است این

و یک همچین زوری است تو مثل مهره یک ماشین هستی و بی‌اراده هستی و ما تو را اینجا گذاشته‌ایم و یکنواخت باید کار کنی هرطور میخواهی عمل کن این کاری است که ما برای تو قرار داده‌ایم و این است یک زندگی یکنواخت برده بنده که باید از صبح تا شب برود تو کارخانه کار بکنی و بعد هم به اندازه راه باریک‌کای به او برای امرار معاش داده شود حالا استعداد اینجا چیست که باید شکوفا شود حرکت کند کارهای عالیه‌تری پیدا بکند کمیت‌ها و کیفیت باید باهم رشد کند اینها دیگر در مکتب کمونیستی هم خبر نیست بلکه استعدادها را بطور کلی از بین می‌برد و بعد هم کارگر را یک حیوانی میکند بی‌اراده و در اختیار کارفرما که می‌گوید این اندازه باید کار بکنی. ولی در فرهنگ اسلامی استعدادها شکوفا میشود و می‌گوید هر کاری که دلت میخواهد انجام بده و مزد هم به اندازه کارت است و کسانی که کارشان از مزدشان کمتر است و نیازی دارند آن خلاء و نیاز را که دارد اسلام با سازماندهی پر می‌کند. و نمیکارد هیچ کس نیازمند باشد و این چیزی است که ما در چند ساله حکومت امیرالمؤمنین (ع) که نگاه میکردی که وقتی امیرالمؤمنین می‌بیند که یک یهودی کنار بازار نشسته و گدائی میکند به او می‌گوید تو چرا گدائی می‌کنی

ارزش معنوی و جهاد دارد

برادر حسین کمالی...

ضدانقلاب مبارزه میکند و توطئه‌های مهلک و مخرب آنان را نقش بر آب میکند. همه و همه با سلطه‌های جهانی و امپریالیزم در نبرد و ستیز هستند و بنابراین فرهنگ و بینشی که بر جامعه ما حاکم است. مبارزه کارگران فلسطین اشغالی تحلیلی عمیق‌تر و اصولی‌تر می‌یابد. و اصولاً کارگران مسلمان در سرزمین‌های اشغالی مبارزات خود را جدیداً و بعد از رسیدن پیام انقلاب اسلامی به آنها همگام با سایر اقشار محروم فلسطین تشدید کرده‌اند اما بعضاً هستند کسانی که ندانسته و ناخواسته بر علیه مردم محروم مستضعف خود وارد عمل میشوند مثلاً تعداد بسیار زیادی از کارگران فلسطینی در کشورهای کویت و عربستان و مصر و لیبی و سوریه و اردن مشغول بفعالیت هستند تلاش این کارگران در کشورهای مرتجع و وابسته به امپریالیزم منطقه را نمی‌توان جز خدمت ناخواسته به امپریالیزم تفسیر نمود لذا می‌بینیم آنچه از نفت توسط این محرومان رانده شده از سرزمین خود در استخراج و تلمبه میشود در حقیقت پس از صدور به

کشورهای مسلمان غیر عرب مثل ایران و پاکستان و اندونزی و فیلیپین و... بتوانند در این اتحادیه عضو باشند و بتوانیم مبارزات خودمان را بر علیه امپریالیزم و صهیونیسم و شرک جهانی گسترش بدهیم. برادران لیبیائی هم در مورد این روز کارگر به ما می‌گفتند که این روز را روز پیروزی میدانند و این روز روزی است که در کشورهای امپریالیستی هم جشن گرفته می‌شود. و آنها در کشورشان روز دیگری را که یک انقلابی است بر علیه کاپیتالیسم و سرمایه‌داری جشن میگیرند و ما تمایل داریم روز کارگر را در قالبی اسلامی جشن بگیریم و شرکت ما در روز کارگر متداول در جهان یعنی اول ماه مه و ۱۱ اردیبهشت تنها به منظور همبستگی با محرومینی است که در مبارزه با امپریالیزم امریکا در میدان شهر یا در کارخانجات قتل‌عام می‌شوند.

از برادر کمالی سوال شد فکر می‌کنید کارگران فلسطین اشغالی بتوانند از روز کارگر بهره‌برداری نمایند و مبارزه اسلامی و ضد صهیونیستی خود را تجدید کنند؟ وی در پاسخ گفت:

اسلامی است برای اینکه دنیای استکبار شرق و غرب از هیچ راهی نتوانسته‌اند ضربه بزنند نه از حمله نظامی و نه حمله سیاسی کاری نکردند اینها اگر بتوانند از لحاظ اقتصادی ضربه میزنند به این صورت جمهوری اسلامی الان خواهر و برادران کارگر ما وقتی در کارخانه کار میکنند کار فرماشان اسلامی است پیغمبر است یعنی الان برای نظام دارند کار میکنند و نه برای شخص و خود و باید متوجه باشند که کار آنها الان چقدر قیمت دارد من وقتی صحبت میکردم در یک کارخانه گفتم شما در زمان طاغوت کار میکردید خوب برای تامین مخارج زن و بچه‌ها تا آنجا که داشتید ولی آن کارفرما از بقل شما استفاده میکرد ولی الان شما که دارید کار میکنید درست یک کار واجب را دارید انجام میدید. در کشاورزی در صنعت، پارچه بافی، در بقیه کارخانه‌ها کارگران باید بدانند و این فرهنگ را باور کنند که این مثل آدمی است که دور خانه خدا طواف میکند. بلکه بالاتر چون اگر ما با نظام اقتصادیمان بتوانیم حرکت کنیم و روی پای خودمان باشیم میتوانیم که آن توطئه‌ای که علیه ما راه انداخته‌اند بخوابانیم و از بین ببریم و بعد هم باید توجه بکنیم که این علمهایی که بلند کردند به نام کارگری اینها توطئه است و میخواهند کارخانه‌ها را بخوابانند. و ما باید در آینده بیشتر مواظب باشیم هم از غرب و هم از شرق بترسیم اینها با اعتقادشان میخواهند این حرکت را با نقاط شرق یا نقاط غربی انجام دهند و کارخانه‌های ما را به بیکاری بکشند کارگران باید بدانند الان اعتصاب کردن دست از کار کشیدن این واقعا گناه است و حرام مثل این است که کسی نماز را ترک کند من میخواهم بگویم این همانقدر گناه است بلکه بالاتر از آن برای اینکه نماز واجب الهی را ترک کرده ولی این یک ضربه بر نظام و سیستم اسلامی زده که هم در پیشگاه خدا مسئول است و هم در پیشگاه شهدای تاریخ شرمنده و شرمسار است برادران و خواهران کارگران، که واقعا انقلابی بودن خودشان را تا حالا ثابت کرده‌اند زحمت کشیده‌اند و توطئه را خنثی کردند که مایه تشکر و تقدیر است باید به آنها عرض کنم توطئه‌ها تمام نشده حتماً با شکل دیگری و با چهره دیگری راه میافتد و میخواهند یک عده دیگری را زیر پوشش خودشان بگیرند و باید هشیار باشند و بکار اهمیت بدهند تا انشاء... این توطئه‌هایی که بر علیه ما است از بین برود و جمهوری اسلامی با فراغت کامل کارها را یکی یکی انجام دهد تا انشاء... نظام صحیح کارگری بتواند بعد از این مدتی که مشکلات را برداشت کم کم بوجود بیاید و مستقر شود.

سلام بر همه شهدائی که در این حرکت و این انقلاب جان دادند و السلام علیکم ورحمتاله

این است که یک فرهنگی ۱۴ قرن پیش آمده چند روز چیدسال بوده جادریست نیافته و بعد انحرافات دیده شد و خلاصه نشده است آنطور که بایست می‌شده است چطور میتوانست یک چنین چیزها باشند ولی اگر انسانی در آن بعد انسانی خودش حرکت کند یک همچنین ظرافتها و لطافت‌هایی دیده می‌شود در بحار در طلب معیشت است که امام صادق (ع) لباس برتن خودش کرده بود و بیل در دست داشت و مشغول کار بود و فعالیت میکرد و عرق هم از سر و بدنش جاری بود. ابو عمر شیسانی میگوید که من وارد شدم و آقا هم عرق می‌ریزد و مشغول است عرض کردم که آقا شما اینطوری کار میکنید و عرق می‌ریزید بدهید من کمکتان کنم امام فرمود نه من دلم میخواهد رنج بکشم آفتاب بصورتم بخورد این حالتی است که ما در اسلام می‌بینیم از یک رهبر کشور اسلامی زیرا امام صادق میخواستند مردم را تربیت بکنند چون همه باید حرکت کنند آیه مبارکه سوره زخرف هم میگوید در خدمت یکدیگر و باشند در خدمت یکدیگر باشید و کار بکنند و هر کدام و یک گوشه این اجتماع را جلو ببرند. در این بعد

هدف آن باشد که چی کار باید بکنیم همانطور که امیرالمؤمنین (ع) میفرماید رحمه الله امرو أعلم من این و فی این والی این خدا رحمت آن کسی که بفهمد از کجا آمده الان هم میخواهد چکار بکند و سرانجام چی میخواهد بشود گذشته‌اش را نگاه کند حالش را نگاه بکند آینده‌اش را نگاه بکند ما انسان را اگر بخواهیم بسنجیم اینطوری باید بسنجیم اگر بنا شود آینده را بسنجیم که چیست و انسان میخواهد چی بشود آنوقت است که همه انسانها در کنار هم و برادر و خواهر هم هستند در عین حالیکه مسائل حقوقی‌شان از هم جداست ولی با آن دید به یکدیگر نگاه خواهند کرد این که ما در روایات داریم که در آخر زمان وقتی که امام زمان ارواحنا لهالغاده ظاهر میشود هست که یظهر الارض کنزها، زمین گنجایش را بیرون می‌ریزد یعنی حکومت عدل پیش می‌آید و ذخایر در اختیار همه انسانها قرار میگیرد که همان بعد اقتصادی است و داریم در ظهور حضرت که حکومت عدل اسلامی واقعا است انسان بدون اجازه انسانی دیگر دست در جیب انسانی دیگر میکند و نیازش را رفع می‌کند این اصلاً جدا نیستند چقدر

در جواب می‌گوید که ناتوان شده‌ام امیرالمؤمنین پس از تحقیق دستور می‌دهد او را از بیت‌المال تغذیه کنند و به او می‌گوید که عزت و شرافت را لکدار نکن و این حکومت نیازها را تامین می‌کند.

پس کار در اسلام ارزش معنوی و جهاد دارد جهاد در راه خدا کسی که واقعا کار بکند برای رفع نیازش و انجام وظیفه‌ای که باید انجام دهد از نظر حقوقی هم کار اگر کسی که برود زمین مواتی را احیاء و آباد کند حق نسبت به آن پیدا می‌کند و کار موجب میشود که آدم حق پیدا بکند چون در اسلام بین کار و بین مالکیت و توزیع رابطه‌های مستقیم وجود دارد البته سرمایه هم کسی داشته باشد این سرمایه هم که بکار می‌افتد آن استفاده می‌شود چون سرمایه هم در حقیقت خودش یک کار متراکم است که در اثر کار بوجود آمده است و هم اینکه کسی رویش کار و فعالیت می‌کند که نتیجه‌اش را میبیند ولی در بعد فرهنگی است که مشکلات کارگری و جامعه در بعد فرهنگی باید حل شود ما هر چه قوانین و ضوابط خوب برای کارگری بگذاریم که بهترین قوانین کارگری را اسلام دارد برای اینکه کارگری در اسلام در درجه اول است چون سرمایه بکار گرفته شده باید شروع باشد و بعد این نوع کاری که باید انجام شود باید کفایت اساسی باشد و باید رفاه کارگر و کار کارگر و ظرافت کار کارگر در نظر گرفته شود که کارگر آنطور بی‌مبالائی نکند کار را خراب نکند کار را خوب و بی‌نقص انجام دهد و در عین حال تامین هم بشود.

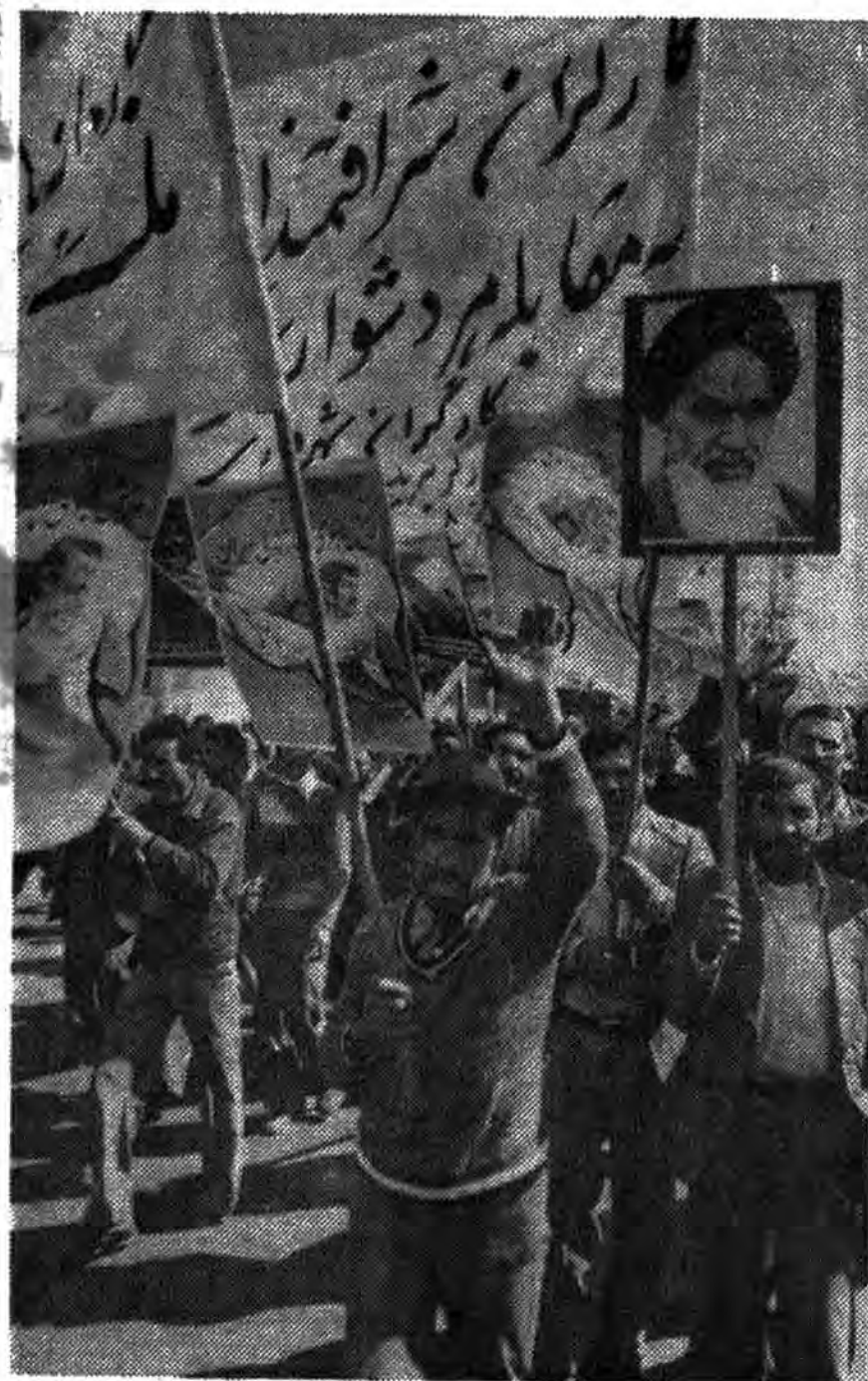
اینها از نظر قوانین اقتصادی اسلامی مطرح است که کمبودی از جهت این مسائل نباشد و اینهایی که الان در کشور ما وجود دارد این فرهنگ دو هزار و پانصد ساله است فرهنگی که بر کشور ما حاکم بود فرهنگ غربی بود اگرچه اگر فرهنگ شرقی هم بود همینطور بود ما معتقدیم نه در فرهنگ غربی و نه در شرقی جامعه نمیتواند زندگی خوبی داشته باشد و آنوقت با این طرز تفکر که همچنین جامعهای بوجود آمده این جامعه تا بخواهد برگردد به احکام اسلامی خیلی کار دارد صدها فرسنگ از هدف دور شده و دوباره همین راه این دو هزار و پانصد ساله را باید برگردد نمی‌گوئیم در همین مدت حداقل بیست و پنج سال طول می‌کشد که نظامی را پیدا کند پس کارگر نباید بگوید در حکومت اسلامی وضع خوب نیست بلکه باید بدانند که این فرهنگ

غربی است که کارگر خوب نیست فرهنگ شرقی هم اگر بود همینطور بود. لذا کارگر باید از این فرهنگ بیاید بیرون و کم کم کار شود تا وضع خوب شود ولی اهمیت در بعد اخلاقی و بعد فرهنگی است که واقعا اقتصاد و کار و همه آنها وسیله باشد و



انسانی است که همه کارها انجام میشود یکی از دوستان که از ژاپن آمده بود می‌گفت که در خانه‌ها با بعضی از مهندسين آنجا صحبت میکردیم میگفتند که ما به اینجا رسیدیم که تا بعد فرهنگی نباشد بین کارگر و کارفرما مهندس کار درست انجام نمیشود و امور صحیح اجرا نمیشود کار در مقطعی که ما داریم زندگی می‌کنیم عبادتی است چون برای جمهوری

فداکاری میکنند این الان پدید آمد در تاریخ داریم یک نفر آمده بود خانه یکی از دوستانش دوستش در خانه نبود لباس او را پوشید و رفت وقتی که دوست او آمد گفتند به او فلانی آمد و لباس را پوشید و رفت این افتاد روی زمین که این آمد بی‌اجازه آمد و لباس را پوشید رفت یک چنین فرهنگی را اسلام منادی آن است برادری و الان جنبه رؤیایی و تخیلی دارد و دلیل آن



امریکا به سلاح مرگباری تبدیل میشود که در دست صهیونیستها قرار میگیرد. و مردم محروم فلسطین و محرومان مسلمان لبنان را قتل عام میکند. امیدوارم فرارسیدن مجدد این روز،

محرومین ستمزده و زجر کشیده را به خواباندن چرخهای اقتصاد ارتجاع در منطقه تشویق نماید.

بامید موفقیت رزمندگان حق علیه باطل در جبهه‌های نبرد و پیروزی و بهروزی کارگران مسلمان در سراسر جهان والسلام

مادر شهید شیرودی از فرزند شهیدش میگوید

راهیان خط سرخ

آسمانی وارث خصال و فض
آل رسول (ص) و نگاه
مرزهای توحید خمینی بزرگ
خویشتن انسانی اش را باز می
و در لحظه اوجگیری قیام خ
آنگاه که دیو استعمار بر بام ا
سرزمین سلطه دیرپای شی
بزرگ آمریکا و نیز فرهنگ
شرک آلود و ضد توحیدی ش
غرب را نفیر می کشید، در
فرمان آزادپیش پیشوای س
انقلاب آموزگار والای اسلا
جبهه کفر پهلوی فاصله می
به خیل قرآن می پیوند.
شیرودی در پوششی
آگاه، به دنبال مبارزه ثی پیر
در پی کاروان حسینی دشت
سرخ شهادت را در نوردید
او که سرباز اسلام و اما،
مرگ شرافتمندانه در سنگر

بستان تا خونین شهر، از دژ فول
قهرمان تا صخره های صعب العبور
بازی دراز. کوره راه ها را
می پیماید، به هر سنگری سر
می کشد، به هر خانه ای در
می گوید، خیل خفتگان را چون
مرغ حق آواز میدهد و راه
می نماید در آسمان ایران پر
می کشد و بال می کشاید، رو به
سوی افق ره می سپارد. آری این
کاروان را تاب ایستادن نیست
همچنان به پیش می تازد تا به
شط سرخ تاریخ پیوند یابد.
خلبان شهید علی اکبر قربان
شیرودی یار صادق این کاروان
قافله نور بود. روستازاده نسی
فقیر، زاده رنج و حرمان، پرورده
عشق و خلاص، درس آموز مکتب
حسین (ع) که در پیام خونگر و

بسم الله الرحمن الرحيم بمناسبت یکمین سالگرد خلبان شهید شیرودی

کاروان پرشکوه شهیدان
انقلاب اسلامی بیش از هزار
هنگامه بهار ره پیموده است، از
روزهای حماسه ساز آتش و خون
پیش از انقلاب، تا دوازدهم محرم
خونین سال ۴۲، تا ۱۷ شهریور و
۲۲ بهمن سال ۵۷، از کربلای
۷۲ تن در ساختمان مرکزی
حزب جمهوری اسلامی، تا
قتلگاه نخست وزیری، از دشت

هم یک کشاورز بودیم و
دسترسی نداشتیم که او را برای
ادامه تحصیل به تهران بفرستیم و
حتی پسر بزرگ منم تا کلاس
هشتم خواند و دیگر نتوانستیم او
را به دبیرستان بفرستیم، خلاصه
برای برادر بزرگش که در تهران
کار میکرد نامه نوشتم که این
برادر کلاس نهم را گرفته و
پدرش میگوید دیگر نمی توانم او
را به دبیرستان بفرستم حال
چیکار بکنیم برادرش که رنج و
مشقت زیادی کشیده بود بالاخره
گفت که او را پیش من بفرست و
مستادیم

رفت پیش برادر بزرگش در آنجا
چون دید که با کار روزانه و
حقوق ماهیانه ۴۰۰ تومان و با
آنهمه مشکلات زندگی نمی تواند
درس بخواند، لذا صلاح در آن
دید که به شرکتی رفته و شب را
در آنجا نگهداری میداد و از
حقوقش روزانه به مدرسه میرفت
و درس میخواند تا بالاخره با کار
شبهانه کلاس دوازده را گرفت و
چون رفتن به دانشگاه نیز
مکافات داشت از این رو اسم خود
را در ارتش نوشته و پیش ما آمد
و چون پدرش خدمت کرده بود و
میدانست که ارتش آن موقع
خیلی هم سخت است از این
موضوع خیلی ناراحت شد و به او
گفت آخه پسر من اول به ما میگفتی
و سپس اسمت را در ارتش
می نوشتی گفت خب آخرش من
باید چه کار بکنم؟ پس چه خوب
حالا که دوازده را گرفتم لااقل
کاری بگیرم و در هوا نیروز اسمم
را نوشتم که خلبان هلیکوپتر
باشم یکی دو سالی در تهران
ماند سپس او را به اصفهان
فرستادند و سه سال هم در
اصفهان بود و بعد از سه سال او
را به کرمانشاه فرستادند و چهار
سال هم در کرمانشاه بود که از
این چهار سال دو سالش قبل از
انقلاب و دو سالش بعد از انقلاب
که خود او هم انقلابی سرسخت
بود میگفت هر کس حرف علیه
امام بزند من او را خفه میکنم
جنگ کردستان که شروع شد او
همسر حامله خود را بتهران پیش
برادرش برده و گفت اینجا بماند،
یادم هست که دو ماه و نیم پس از
تولد بچهاش ولی او تا آن موقع
بچهاش را ندیده بود منزل او در
کرمانشاه یکبار فرو ریخت و
خراب شد وقتی از کردستان به
کرمانشاه برگشت دوستانش به او
گفتند ما پیش تو شرمند هستیم
شیرودی گفت چرا؟ دوستانش
گفتند آخه منزلت خراب شد، او
گفت من فکر کردم که چی شد
فدای سر امام که خانام خراب
شد من زندگی را تهیه کردم
زندگی که منو تهیه نکرده
دوستانش خیلی خوشحال شدند
و گفتند احسن بر تو خلاصه
جنگ کردستان که تمام شد
یکماه مرخصی گرفت و در اینجا
۲۵ روز شالی درو کرد و از زمین
جمع کرد تقریباً دو روز کار
داشت که ما جمع کنیم و ۲۵ روز

داشت و دانش آموزان از کلاس
دهم به بعد برای ادامه تحصیل
می بایست به تهران می رفتند و ما
بچه هایمان را بفرستید من قرآن
یادشان بدهم و منم او را پیش
این ملا فرستادم و او در هفت
کلاس هم قرآن و هم درس
معلمی را بخوبی خواند وقتی که
ساعت چهار بعد از ظهر از کلاس
درش که در روستای خیلی
دوری هم بود به خانه می آمد و
کتابهایش را می گذاشت میرفت
قرآن میخواند حتی وقتی
استادش به این موضوع پی برد به

خاطرات مادر شهید شیرودی
از تولد تا شهادت وی
تنکابن - خبرنگار جمهوری
اسلامی: بمناسبت سالروز
شهادت خلبان حماسه آفرین
هوانیروز علی اکبر شیرودی
خبرنگار ما در تنکابن ضمن
مراجعه به زادگاه این شهید
هزیز در روستای بالاشیرود
لشتو با مادر وی که یک بانوی
کشاورز است مصاحبه ای انجام
داد. در این مصاحبه مادر
شهید خلاصه ای از زندگانی
وی را از تولد تا شهادت باین

شهید شیرودی با اینکه یک نظامی بود، آرم سپاه پاسداران را نیز به سینه داشت

- او در حالیکه شبها کار می کرد و روزها درس می خواند، سعی داشت که هرچه فقیرانه تر زندگی کند، تا بتواند به پدرش از ناز مالی کمک کند.
- یکسال قبل از پیروزی انقلاب اسلامی، قرار بود خلبانان هوانیروز در ۲۸ مرداد در جلوی جایگاه مانور بدهند و شیرودی قسم خورده بود که با هلیکوپتر خود به جایگاه بگوید و همه را بکشد، اما آن مانور برگزار نشد.
- شیرودی، در پوششی خود آگاه، بدنبال مبارزهای پیوسته، در پی کاروان حسینی دشت های سرخ شهادت را در نوردید.
- او که سرباز اسلام و امام بود، مرگ شرافتمندانه در سنگر را به مرگ آرام در بستر ترجیح داد و در سپیده دمی، پس از ساعتها نبرد بی امان، به دیدار خدا و شهیدان راه توحید شتافت.
- براستی اینان از کدامین کوثر سیراب گشته اند، که مرگ در رکابشان مفهوم خویش را باخته است.
- فریادها و رنج های اینان، تبلور استواری ملتی است که تا نابودی استکبار جهانی و آمریکای جنایتکار و برقراری حکومت اسلامی در سراسر جهان از پای نخواهد نشست.



حدود ۲۵ روز به
شیرودی تلفن میزند
مرا بیاورید و ما این کار
اما چند روزی نگذشت
شهادت او را آوردند چه
به پادگان اباندر یه
خدمت شیرودی شهر
همکارانش در آنجا به
دادند، پس از این ماج
کجا که میرفتیم
شیرودی بود، اصفه
آبادان دژ فول وشود

و گفت شیرودی بلند شو ببین این
صدا چیه؟ شیرودی بلند شدواز
پنجره به بیرون نگاه کرد و سپس
با سرعت اورکتش را پوشید
واز خانه خارج شدتا با نیروهای
تحت فرماندهیش مسائل
حفاظتی را اجرا نمایند و در
بعد از ظهر آنروز همسر و پدرش
به خانه یکی از بستگان خانمش
میروند و در فردای همانروز خانه
شیرودی مورد هدف هواپیماهای
دشمن قرار میگيرد.

مانده بود که تلفن کردند جنگ
عراق شروع شده ما هرچه گفتیم
ک
پسر مثل تو خلبان آنجا هست
گفت مامان توجه میگوئی اصلاً
مملکت، مملکت جنگه این پنج
روز را نماند و رفته رفت
پدر و همسرش که همراه او
رفته بودند می گفتند یک روز
توی خانه خوابیده بود که
میگهای عراقی در آسمان ظاهر
شدند، خانمش او را صدا کرد

اینجا آمد و گفت این عجب کسی
است هم درس کلاسی میخواند و
هم قرآن را، زمانی که دانش آموز
بود، بعد از ساعت ۱۱ شب او را
از خواب بیدار میکردیم و او
شروع میکرد به مطالعه درسهایش
و تا کلاس سوم متوسطه در
تنکابن بود بعد از کلاس سوم
متوسطه پدرش گفت چون پول
شهریه اش زیاد میشود و منم
توان مالی ندارم و نمی توانم او را

شرح بیان نمود:
بسم الله الرحمن الرحيم
درد به رهبر کبیر ما و درود
بر رزمندگان اسلام، شیرودی تا
کلاس ششم ابتدائی را در همین
قریه بالا شیرود لشتو درس
خواند، در کلاس چهارم ابتدائی
بود که ملائی به ده ما آمد و گفت
به دبیرستان بفرستم زیرا
همانطوریکه میدانید هر دوره
شاهنشاهی بخصوص در آن
هنگام تحصیل چه مکافاتهای

امامت

ضداسلامی و غیر توحیدی، اهنگ پرواز در دشتهای سرخ توحید، تا بیکرانهای صلح و عدالت و حق طلبی را فریاد میکشد.

فریادها و رنجهای تبلور استواری ملت است که در راه نگاهبانی و مرزبانی از میراثهای شکوهمند قرآن و عترت، عاشقانه برپای ایستاده اند و تا دفع تجاوز از میهن اسلامی، تا نابودی کامل امریکای ابر جنایتکار و استکبار جهانی و برچیدن بساط چپاول مزدوران غربی و شرقی، تا برقراری کامل حکومت قسط و عدل اسلامی گوش بفرمان خمینی کبیر و عالمان راستین پایگاه امام صادق (ع) لحظه ای نیاسیند و در راه جهانی ساختن حکومت قرآنی، رهائی قدس و شکوفائی انقلاب اسلامی در دیگر سرزمینها در پرتو صدور پیام انقلاب توحیدی امت مسلمان و شهیدپرور از هیچ کوششی دریغ نورزند.

مرگ آرام در بستر ترجیح داد و در سپیده دمی پس از ساعتها نبرد بی امان برای تاراندن دشمنان قرآن از سرزمین پیروان امت و پاسداران نبوت، آماجگاه نگاهبانان ظلمت گشته و یدار خدا و شهیدان راه توحید شتافت. صخره ها و کوهها و جویبارهای غرب ایران شاهد راده استوار و عزم پولادینش و نیز یادآور ستیز مستمر و بی امان او بر علیه مزدوران غرب و شرق هستند. برآستی از کدامین کونر جراب گشته اند که مرگ در کایشان مفهوم خویش را باخته ست؟ همگامی با اینان همراهی با سلی است که پس از سالها یستن در زیر سلطه حکومتهای

آموزش رزمی

س ۶۱- وظایف نگهبان صحرایی چیست؟
ج: ۱- چیز است ۱- سمت منطقه خود را بداند. ۲- همیشه بنزای روبرو شدن با دشمن آماده باشد ۳- عابری را که به محل نگهبانی او نزدیک میشوند متوقف نماید



فصل هفتم مأموریت های انفرادی

س ۵۷- انواع مأموریت های انفرادی کدام است.
ج: ۱- نگهبان صحرایی ۲- دیدور ۳- پیام رسان ۴- رابط
س ۵۸- نگهبان صحرایی
ج: فردی است مسلح که بمنظور پائیدن یک منطقه و جلوگیری از غافلگیر شدن تعیین می گردد.
س ۵۹- شرایط محل نگهبان صحرایی چیست
ج: ۱- چیز است ۲- دارا بودن حداکثر میدان دید و تیر داشتن اختفا، استتار و پوشش ۳- راحت بودن هنگام پائیدن منطقه (بزانو- دراز کش- نشسته یا ایستاده).



س ۶۰- اجازه عبور و بکار بردن کلمه عبور چگونه است.
ج: اجازه عبور از دو کلمه اختیاری تشکیل شده است مانند پاسدار- شجاع که دیدوران، نگهبانان و گشتی ها از آن اطلاع دارند تا هنگام برخورد با افراد ناشناس مورد استفاده قرار گیرد اگر همه افراد داخل ساختمان هستند معلوم است



فرزند شهید گرانقدر شیروودی



شیروودی بر می خیزد. ومن بار شکر میکنم که چنین ای داشتم و تحویل جامعه دادم حق پسر بود که ست بجنگد، اگر پسر من بگید کار مملکت چه میشد بنظر بهشتی، رجائی ری شهید شدند وهریک که شهید شدند صدها تن از جای برخاستند و خود دی میگفت اگر یک دی را بکشند هزاران

صحت از او بود ومن خدا بار شکر میکنم که چنین ای داشتم و تحویل جامعه دادم حق پسر بود که ست بجنگد، اگر پسر من بگید کار مملکت چه میشد بنظر بهشتی، رجائی ری شهید شدند وهریک که شهید شدند صدها تن از جای برخاستند و خود دی میگفت اگر یک دی را بکشند هزاران

جنگ، جنگ تا پیروزی

س ۶۲- آنچه که باید نگهبان پیش از استقرار بداند نام ببرید.
ج: ۱- سمت و منطقه نگهبانی ۲- نقاط مظنون ۳- اسامی آبادیها و عوارض موجود ۴- جهات یابی

س ۶۳- اعمالیکه برای نگهبان صحرایی ممنوع است کدام است.
ج: ۱- ترک پست ۲- خوابیدن ۳- حرکت کردن بی مورد ۴- استعمال دخانیات و روشن کردن آتش ۵- دادن اجازه عبور به اشخاص غیرمجاز ۶- حرف زدن ۷- غذا خوردن ۸- نظافت جنگ افزار ۹- ادای احترام ۱۰- پیچیدن سر و گوش به طوری که نتواند بشنود. اگر پست او هم باشد از رادیو و مقالات استفاده نکند.

س ۶۴- گزارش نگهبان صحرایی چگونه است.
ج: باید جوابگوی پرسش های زیر باشد.
کی
ستون کامیون دشمن
چه وقت
همین حالا
کجا
در جاده شمالی علی آباد
چه
در حرکت می باشند
چطور
از شمال بجنوب بحالت ستون
تذکر: نگهبان صحرایی عموماً دوتائی است و منطقه بین دو نفر تقسیم نمی شود بلکه یک نفر اصلی است که تمام کنترل بمعده اوست و دیگری فرعی است موقع تعویض باید سعی

شود پاسنجش با آنها نرود بلکه آنها را کنترل کند و از سرو صدای بی مورد دوری کند. مدت نگهبانی رانصف نموده موقع تعویض نگهبان اصلی عوض می شود و حال نگهبان کمکی اصلی شده و نگهبان جدید کمکی می شود، الی آخر.

جغرافیای سیاسی بحران‌های

بعد از مراکش تونس کمیسیون مشترک نظامی با آمریکا تشکیل داد. کمک‌های مالی و نظامی اضافی بسوی تونس سرزیر شد. فرانسه نیز بسوی خود کمک‌های فنی را آن کشور فرستاد.

سال گذشته لیبی که از انقلابیون منطقه حمایت میکرد، در معرض توطئه‌های مختلفی بود. چند کودتا که از طرف فرانسه طراحی شده بود بی‌ثمر ماند. نهایتاً الحزب محبوس به نشان دادن عکس‌العمل گردید. آمریکا نیز برای تحت فشار قراردادن لیبی ماجرایی خلیج سیدرا را ایجاد کرد و لیبی، یمن جنوبی واتیوپی نیز پیمان‌هایی را امضاء کردند.

نبرد اریتره در سال گذشته شدت گرفت و هیاله‌های مارام که قصد دارد این جنبش را هرچه زودتر سرنگون سازد از دست زدن به هیچ کاری برای نائل آمدن به این هدف خودداری نکرد. از وقایع دیگر شاخ آفریقا، همکاری کشورهای سوآن، اتیوپی و کنیا

دارند گردید. بروز اختلافات بین موگابه از یک سو و جاشوانکومو وزیر امور داخلی کابینه او و نهایتاً کنار گذاشته شدن نکومو بواسطه کشف مقادیر معتابی سلاح در مزرعه او و اتهام قصد کودتا از طرف نکومو به معنی اتمام ائتلاف بین این دو در جبهه واحد بود که زمانی شانه به شانه در آن برعلیه سفیدها می‌جنگیدند.

غنا نیز بنوبه خود شاهد یک کودتای دیگر بود که پنجمین کودتا از بدو استقلال غنا میباشد. وعده‌های دولت جدید که بنجای دولت غیرنظامی هیلالمان روی کار آمده است اصلاح وضع زندگی مردم است.

ولی اینکه آیا غنا روزی به آنچه آرزوی قوام نکرومه رهبر فقید آن کشور بود خواهد رسید یا نه، مشخص نیست. رهبری این کودتا را یک ستوان نیروی هوایی غنا بنام جری رالینگز برعهده داشت.

در مناطق شمال و شمال غربی آفریقا در دو منطقه معروف به کشورهای مغرب و شاخ آفریقا

که این سرزمین که روری ۸۰ درصد زمینهایش زیر کشت برنج بود حالا در انتظار غذاهای اهدائی و صدقه سارمانهای جهانی بماند

آفریقا: آفریقا در سال گذشته شاهد جنگهای داخلی و خونریزیهای ناشی از اختلافات قدیمی، فقر، گرسنگی، آوارگی، قحطی وحشکالی، تغییر بعضی رژیمهای آفریقائی توسط کودتا، مشکلات اقتصادی و تورم روزافزون جاذبه‌ترین موضوعاتی بودند که برای این قاره غنی وجود داشت. اجلاسهای متعدد سازمان وحدت آفریقا موفق شد که نقش مثبتی را در مواجهه با مسائل این قاره ایفا کند.

پذیرفته شدن جمهوری دموکراتیک صحرا به عنوان پنجاه و یکمین عضو این سازمان یکی از مهمترین مسائلی بود که تحولی را در روال کار نشستهای صرقلی تشریفاتی این سازمان بوجود آورد. اعزام نیروهای حافظ صلح آفریقائی برای برقراری آرامش در چاد از دیگر اقدامات مهم سازمان وحدت آفریقا در سال قبل بود. اینگونه اقدامات بتدریج نشان داد که این سازمان میتواند کارائی لازم برای حل مسائل آفریقائی را داشته باشد و زمان آن رسیده است که مشکلات آفریقا در خود این قاره حل و فصل شود. مساله حضور و خروج نیروهای لیبی از چاد یکبار دیگر این کشور بحران زده در آفریقا را در راس خبرهای مهم دنیا قرار داد. تبلیغات وسیع آمریکا و فرانسه به منظور وانمود کردن وجود چیزی بنام خطر لیبی برای مصر و سوآن و کامرون و خود چاد نیز با ارسال نیروهای حافظ صلح آفریقائی خاتمه پذیرفت ولیکن حالا خروج نیروهای لیبی زمینه مناسبی را برای استقرار مجدد قدرت آمریکا فراهم کرده است.

سازمان ملل با اعلام سال ۱۹۸۲ به عنوان سال مبارزه با آفریقائی جنوبی و سیاست آپارتاید و وارد ساختن فشار بر دولت آفریقائی جنوبی، آنها را وادار به بعضی اصلاحات ظاهری نمود ولیکن بزودی آشکار شد که این کارها جز یک عقب‌نشینی موقت تاکتیکی چیزی بیش نبوده است. در مورد استقلال نامی بیا نیز تلاشهای موجود به نتیجه نرسید و معلوم گشت که تنها راه حل موجود همان راهی است که

سازمان خلق آفریقائی جنوب غربی (سواپو) از مدت‌ها قبل به آن رسیده بود و آنهم توسل به زور بود. زمین‌بویه در سال قبل شاهد تلاشهای موگابه نخست‌وزیر آن کشور برای جلب دوستی و حمایت کشورهای جهان بخصوص کشورهای غربی برای بازسازی زمین‌بویه بود. تلاشهایی که باعث برانگیخته شدن موج انتقادات از داخل و خارج گردید. تلاشهایی که او برای جلب اعتماد مردم سفیدپوست انجام داد نیز به شکست انجامید و فقط باعث برانگیخته شدن خشم سیاهان که هنوز دوران آقائی سفیدها را به یاد

دشمن خود وارد کردند از زمانی که برک کارمل بدیال یک کودتای نظامی بر علیه حقیظ‌الله امین که با کمک نیروهای شوروی انجام شد روی کار آمد. درگیری بین مجاهدین افغانی از یکسو و نیروهای دولتی افغانستان و ۹۰۰۰۰ نظامی شوروی همچنان ادامه داشت. با تشدید درگیریها، صف نیروهای دولتی و نیروهای شوروی در سرکوبی مجاهدین آشکارتر گشت. رژیم افغانستان مداماً مسلمین مجاهد آن کشور را مزدور آمریکا میخواند. تظاهرات گسترده افغانیهای سراسر جهان که در آستانه سومین سالگرد اشغال نظامی افغانستان انجام شد نیز مشت محکم دیگری بر دهان تمام تجاوزگران جهان بود. پاکستان در سال قبل دست به خرید مقادیر زیادی اسلحه از آمریکا و چند کشور غربی دیگر زد اعلام انتصاب شورای فدرال، نزدیکی هرچه بیشتر ضیاءالحق به کشورهای عضو شورای همکاری خلیج فارس مخصوصاً عربستان سعودی بود. سفر شش روزه زکی یمانی وزیر نفت عربستان سعودی به پاکستان و سفرهای ژنرال ضیاءالحق به کشورهای حوزه خلیج فارس و بازدید وی از چهار کشور اروپائی رومانی، یوگسلاوی و فرانسه از اهم اخبار مربوط به پاکستان بوده است. این وقایع به نوبه خود باعث نگرانی دولت هند گشت و آن دولت نیز تصمیم گرفت که مقادیری اسلحه از شوروی خریداری کند و از جمله این خریدها، معامله جنگنده‌های میگ بیست و پنج میباشد. دیگر از تصمیمات دولت هند بررسی احتمال خرید میراژهای فرانسوی و جنگنده‌های جاگوار انگلیسی قابل ذکر است. اعلام آمادگی پاکستان برای مذاکره جهت عقد پیمان عدم تجاوز و توافق خانم گاندی با آن، باعث سفر شاهزاده و وزیر امور خارجه پاکستان به هند برای ملاقات با ناراسیمهایا همتای هندی و صدور بیانیه مشترکی مبنی بر دست یافتن هر دو طرف به یک رشته عوامل تفاهم شد.

خاور دور: در آسیای جنوب شرقی کامبوج خبرساز سال بود. سپهانوک رهبر سابق کامبوج در تلاش برای تشکیل جبهه واحدی برای سرنگون کردن حکومت هنگ سامرین در اوائل اسفند در پکن، رهبران چین و همچنین خوسامفان رهبر خمرهای سرخ ملاقات و گفتگو کرد. ملاقاتهای دیگر او با سون سان، رهبر جبهه ملی آزادی خلق کامبوج در سنگاپور برای تشکیل جبهه متحد ملی کامبوج در عمل بواسطه اختلاف نظر بین «سون سان» که از طرف آمریکا حمایت میشود با خوسامفان که پیرو رهبران پکن است باعث برهم خوردن این روند شد. بی‌رحمی‌های خمرهای سرخ از یک سو و ویتنامی‌ها از سوی دیگر که توجیهی به مردم رنج‌کشیده کامبوج ندارند باعث شده است

از تحویل باقیمانده صحرای سینا (۲۵ آوریل) به همراه لجاجت صهیونیستها در مورد دادن خودمختاری به فلسطینیها ایجاب میکرد که مسیر کمپ دیوید اندکی تغییر کند. کنفرانس سران عرب در فاس فرصتی بود تا عربستان سعودی تلاش کند که زمینه را برای به تصویب رساندن صلح خود آماده نماید. ولی مخالفت مسلمین جهان با طرح فهد و استکفاف سران بعضی از کشورهای منطقه و در رأس آنها سوریه این توطئه را خنثی کرد. تلاشهایی که برای تحت فشار قرار دادن سوریه انجام شد بلانتیجه ماند. این اقدامات چه در مورد قطع کمک‌های مالی و تهدید به جنگ وجه بمب گستردهای نتوانست عزم راسخ آن کشور را شکست دهد. در همین میان اسرائیل نیز از موقعیت سوءاستفاده کرد و شروع به تلاش برای الحاق بلندیهای جولان به خاک اسرائیل نمود.

این کار که برخلاف قطعنامه‌های ۲۴۲ و ۳۳۸ سازمان ملل متحد بود از سوی ۹۸ کشور غیر متعهد شدیداً محکوم شد. جلسه شورای مجمع عمومی و تقاضای سوریه از شورای امنیت برای تحریم از جمله وقایع دنبال کننده این عمل بود. ولی رای ممتنع فرانسه و انگلیس و وتوی آمریکا مانع هرگونه استقامتی در برابر زیاده طلبی‌های اسرائیل بود. سفر فیلیپ حبیب فرستاده ویژه ریگان الکماندر هیگ وزیر امور خارجه آمریکا چارلز پرسی رئیس کمیته روابط خارجی کنگره آمریکا، میتران رئیس جمهور فرانسه، کلودشون و شارل هرنو وزراء امور خارجه و دفاع فرانسه و تنی چند از وزراء دولت انگلیس را می‌توان از جمله سفرهای سیاسی مهم منطقه بحساب آورد. ملاقات میتران از فلسطین اشغالی اولین ملاقات یک رئیس جمهور فرانسه با سران صهیونیسم در فلسطین اشغالی بود.

جنگ ایران و عراق: در سال ۶۰ جنگ ایران و عراق همچنین در صدر اخبار جهان بود. تلاش استعمار جهانی برای به شکست کشاندن انقلاب اسلامی در ایران از طریق جنگ عراق با ایران، منتهم کردن ایران به حمله به پالاینگاه نفت کویت واخلال در منطقه و تلاش برای کودتا و بوق و کرباهای تبلیغاتی استعمارگران و مزدوران آنها شدت گرفت ولیکن سدهائین اراده ملت مسلمان ایران باعث شد که عراق بطور مقتضای صدمه بحورد ناجائی که رسانه‌های غربی ناچار به اعتراف به این امر شدند و تلاش دول مرتجع منطقه برای دادن کمک به عراق نتوانست وضع نابسامان رژیم صدام را جبران کند. صدمات عراق به حدی بود که بارها شایعه احتمالی برور کودتا در عراق شنیده شد.

در افغانستان مردم رنج‌دیده افغانستان با تاریخی سرشار از سنت مبارزه بر علیه اشغالگران خارجی سالی پرمبارزه را پشت سر گذارد. مردم افغانستان علی‌رغم امکانات کم نظامی خودشان و خنجر بودن حریف تجاوزگر، ضربات مهلکی بر پیکر

سال که گذشت، سال ۱۳۶۰ سالی پر حادثه بود و همه شاهد نوسعه بحرانهای جدید یا رشد بحرانهای سابقمانده از سال‌های گذشته بودیم. اگر در این محضر توفیق نیافتیم تا نتایج از مطالعات «بحران شناسی سال» را ارائه کنیم لااقل کوشیدیم تا جغرافیای سیاسی بحران‌های جهانی را با نگاهی به گذشته بررسی کنیم و برای ثبت در تاریخ، طنی چند قسمت، بصورت بنسبیا فشرده و خبر گونه، به خوانندگان وفادار «صبح پنجشنبه» تقدیم کنیم.

۱- آسیا

خاور میانه: در سال گذشته فلسطین محور اصلی بحران دائمی خاور میانه به حساب می‌آمد اسرائیل سال قبل را با بحران انتخاباتی آغاز کرد. بحرانی که موقعیت بگین و حزب حاکم لیکود را بشدت تضعیف کرده بود. ولیکن بگین با دست زدن به اقداماتی بطیر حملات مداوم هوائی و زمینی به جنوب لبنان در راه انداختن بحران موشکی کاذب در مورد استقرار موشکهای سوریه در لبنان و ایجاد تب جنگ موفق شد که برخلاف پیش بینی اولیه اوموفق شود که انتخابات را برید و دوباره رمام امور کشوری با ۱۳۹ درصد نرخ تورم بیکاری، گرانی سرسام آور و سایر مشکلات را بر عهده بگیرد. مشکلاتی که او بعد از انتخاب مجدد، دوباره کوشید تا با توسل به بحرانهای سیاسی مانند الحاق بلندیهای جولان و جنگ در جنوب لبنان آنها را تحت الشعاع قرار دهد. دیگر از وقایع پر رنج حال منطقه فروش هواپیماهای آواکس به عربستان و از طرف دیگر فروش هواپیماهای اف-۱۵ و اف-۱۶ به دولت صهیونیستی به عنوان بخشی از گروگان فروش آواکسهای آمریکائی بود. جنگنده‌هایی که حدود یکماه بعد از تحویل علیرغم تعهدات طاهری دولت صهیونیستی در حمله ساختگی به نیروگاه اتمی تموز مورد استفاده قرار گرفت. دیگر از وقایع مهم منطقه انفجار حشم تودمهای مسلمان مصر بود که نهایتاً به اعدام انقلابی سادات توسط ستوان خالد اسلامبولی و شش تن از یاران جان بر کفش منجر شد. شرکت کارتر، فورد و نیکسون روسای جمهور پیشین آمریکا و هنری کیسینجر وزیر امور خارجه قبلی و جمعی دیگر از سیاستمداران آمریکا نشانگر اهمیت سادات برای آمریکا بود. بهر شکل حسنی مبارک معاون سادات جای او را بر کرد و خدمتگزاری آمریکا در مصر بر شانه او قرار گرفت، ولی مانورهای سیاسی بطیر استقرار نیروهای چند ملیتی و مانور سیاسی حسنی مبارک مبنی بر عدم سفر به اسرائیل نتوانست مردم مسلمان عرب را گول بزند. تظاهرات خویس بسیار گسترده در فلسطین نشانگر این مطلب بود نقشه امپریالیستی آمریکا بدنبال به بی بس رسیدن طرح صلح کمپ دیوید به منظور ادامه دادن آن از طریق طرح صلح فهد با اعتراض شدید مسلمین روپرو شد و به شکست انجامید.

تلاشهای اسرائیل برای گرفتن امتیازات بیشتر قبلی بود و سالی که گذشت، سال ۱۳۶۰ سالی پر حادثه بود و همه شاهد نوسعه بحرانهای جدید یا رشد بحرانهای سابقمانده از سال‌های گذشته بودیم. اگر در این محضر توفیق نیافتیم تا نتایج از مطالعات «بحران شناسی سال» را ارائه کنیم لااقل کوشیدیم تا جغرافیای سیاسی بحران‌های جهانی را با نگاهی به گذشته بررسی کنیم و برای ثبت در تاریخ، طنی چند قسمت، بصورت بنسبیا فشرده و خبر گونه، به خوانندگان وفادار «صبح پنجشنبه» تقدیم کنیم.



بود و سوماتی نیز از طرف برای بهبود روابط بین همسایگانش تلاش میکرد.

اروپا: شبه جزیره اسکاندیناوی رویداد مهم روبرو شد: اولاً رفتن ککونن رئیس جم فنلاند بدلیل بیماری و راه مائونوگویی فینستو نخست فنلاند برای شش سال به ریاست جمهوری بود. بعد چنجال زیر دریائی بگل شوروی در سواحل سوئد مدتها مورد بحث بین المللی بود.

نیز وقایع مهمی رخ داد. دول غربی تمام تلاش خود را برای حفظ حکومت‌های دست‌نشانده خود انجام میدادند. آمریکا با کمکهای نظامی، اقتصادی خود، تشکیل کمیسیون مشترک نظامی، توافق بر سر استفاده مجدد از پایگاههای مستقر در مراکش، اعمال نفوذ سیاسی و غیره هر کاری میتوانست برای حفظ حکومت ملک حسن انجام داد ولیکن در عمل ضربات مداوم انقلابیون بر ارتش مراکش و نهایتاً شکست گولنا زامور، دولت مراکش را به موضع‌گیری دفاعی مجبور کرد.

جهانی در سال گذشته

انگلیس از حمله کشورهای اروپائی بود که وقایع داخلی آن ابعاد وسیع جهانی یافت. مبارزه قهرمانانه مردم ایرلند شمالی بر علیه دولت انگلیس، مرگ افتخارآمیز اعتصابیون غذا در زندان «تاج-سلاک» بلژیک، وخامت اوضاع اقتصادی جزیره، ازدواج ولیم و کاترین و افزایش محبوبیت حزب جدید سوسیال دمکرات از جمله وقایع مهم بشمار می رفت.

پیروزی سوسیالیستها در فرانسه و یونان به رهبری میتزان و پاپاندرو و پی آمدهای آن، کشف شبکه وسیع فراماسونری در ایتالیا، سوء قصد نافرجام به جان پاپ، گروگانگیری اعضای پارلمان اسپانیا توسط تعدادی از افراد ارتش کشور، تصویب لایحه الحاق این کشور به ناتو در جنوب اروپا، ادامه اختلاف بین ترکیه و یونان بر سر بهره برداری از منابع دریای اژه و بحران قبرس از جمله وقایع مهم بودند.

جنبش هواداران صلح و

از خیرسازترین کشورهای اروپا در آورد. شرق و غرب باران نهمت و تهدید را بر سر هم ریختند و مسأله تنبیهات اقتصادی مطرح شد ولیکن بعدا اوضاع ندریحا آرام گرفت.

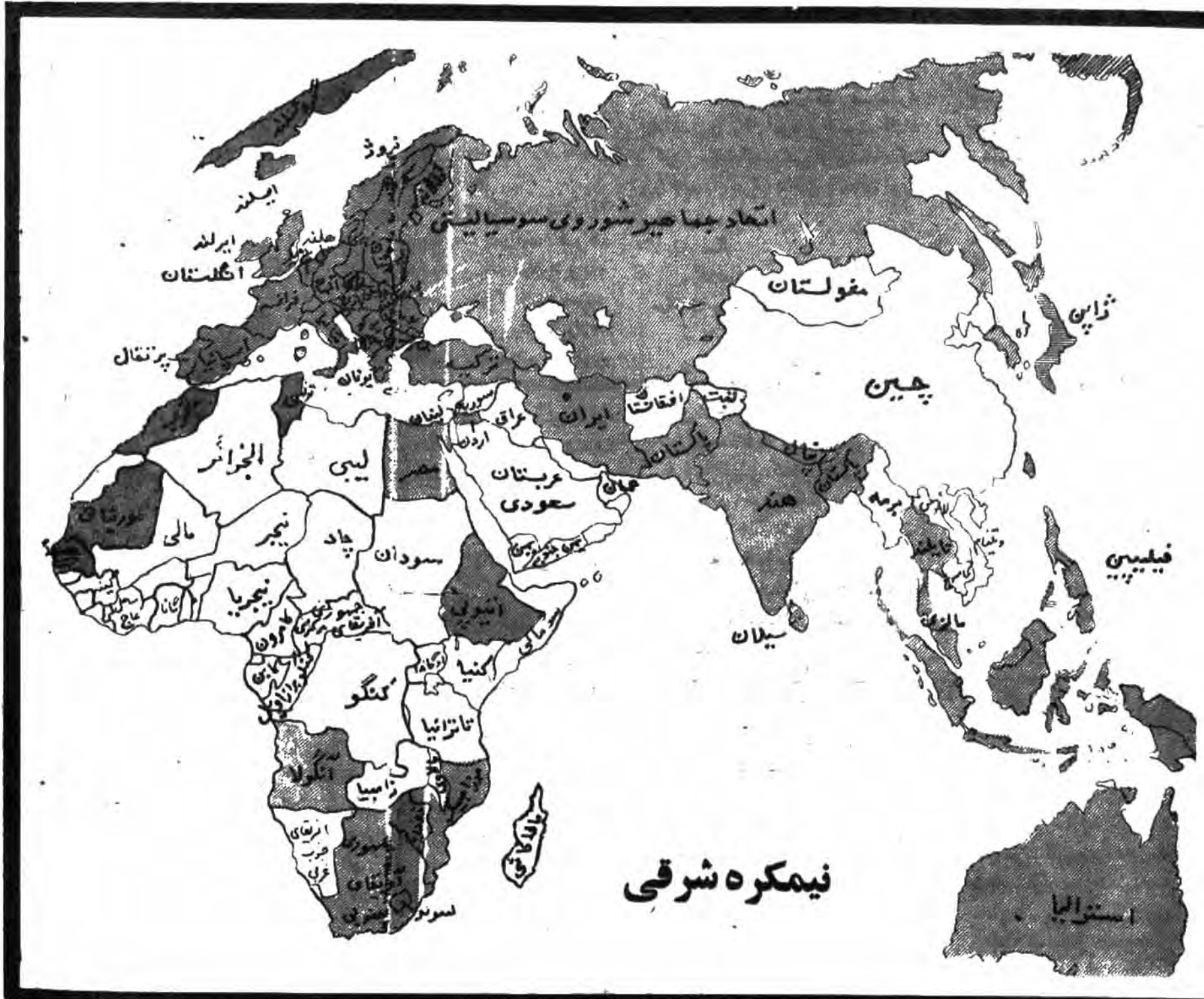
آمریکای لاتین

آمریکای لاتین در سال قبل نیز شاهد بحرانهای وسیعی بود. بولیوی شاهد ۳ کودتای نظامی بود که تعداد کودتاهای این کشور را در کل به ۱۹۰ کودتا رساند. اوضاع اقتصادی نیز بر وخامت اوضاع افزوده است. در آرژانتین جمهوریهای نظامیان نتوانسته است ثباتی ایجاد کنند. به قدرت رسیدن ژنرال گالتییری در آن کشور نیز فقط باعث تشدید بحرانها شده است از سال ۱۹۷۶ حدود ۳۰۰۰ نفر از مخالفان دولت ناپدید گشته اند و تظاهرات عمومی نیز بشدت سرکوب گشته است. از طرف دیگر شیلی بنا وضعیت مشخص خود تجلی گاه

مسطقه کارائیب و بویژه سه کشور السالوادور، نیکاراگوئه و کوبا از خیرسازترین و پرخاشه ترین کشورهای آمریکای مرکزی بوده اند. مهمترین و بحرانی ترین کشور آمریکای مرکزی السالوادور بود، شورای مختلط نظامی- غیرنظامی حاکم که آمریکا آنرا در سال ۱۹۷۹ با یک کودتا بجای حکومت ژنرال هومبرتو موررو بر سر کار آورد نیز نتوانست کاری انجام دهد. این کار بقصد ایجاد یک حکومت بظاهر رفورمیستی برای آرام کردن فعالیتهای چریکی که از سال ۱۹۷۵ که ژنرال رومرو روی کار آمده بود آغاز شده بود، انجام گرفت. ولیکن رفراوندوم نمایی نتوانست موفق باشد و مردم به این توطئه پی بردند و نبرد بصورت شدیدتری ادامه یافت. چریکها تاکنون چند شهر مهم السالوادور را گرفتند. حمله چریکها به یکی از پایگاههای مهم هوایی آمریکا در السالوادور و نابود کردن هواپیماها و هلیکوپترهای نظامی

نیکاراگوئه تا این لحظه بشدت مقاومت کرده است. دولت ساندینیستی، در برابر مشکلات روابط خارجی از یک طرف و مشکلات مربوط به مسائل اقتصادی و اجتماعی سازمانده از زمان رژیم سوموچا طرف دیگر مانند کوهی اسفند و ورزیده است. این مشکلات- اقتصادی بواسطه فشارهای آمریکا بر مؤسسات بین المللی برای ندادن وام به نیکاراگوئه افزوده شده است.

مشارکت نیکاراگوئه در ارائه طرح صلح مکزیک که یکی از مواد سه گانه آن مربوط به انعقاد موافقتنامه عدم تجاوز بین آمریکا و نیکاراگوئه می باشد، نخستین گام برای حل مسائل کارائیب بحساب می آید. از طرف دیگر کوبا که هنوز هم یکی از خیرسازان منطقه کارائیب است، در معرض اتهامات شدید آمریکا مبنی بر ارسال اسلحه دریافتی از لاتین و تلاش برای کمک به انقلابیون منطقه قرار داشت. تشکیل سازمان دموکراتیک آمریکای مرکزی به منظور عقب راندن کوبا و کمکهای نظامی سنگین آمریکا که به بهانه برقراری توازن تسلیحاتی منطقه که به ادعای



نیمکره شرقی

تظاهرات وسیع ضد هسته ای، گفتگوهای کاهش سلاحهای هسته ای، فعالیت هلموت اشمیت صدراعظم آلمان فدرال در نزدیکی ساختن دیدگاههای شرق و غرب و همچنین مسائل اقتصادی اروپا از جمله اخبار مهم سال قبل بود. لهستان سال گذشته را با بحران سپری کرد. ناآرامیها و اعتصابات و نهایتا اعلام حکومت نظامی از طرف ژنرال ژاروزلسکی، از هم پاشیدن جنبش همبستگی و بازداشتهای دسته جمعی، اختراهای شدید آمریکا و شوروی به یکدیگر برای مدت طولانی لهستان را بصورت یکی

یک حکومت پلیسی و نمونه اعلای دیکتاتوری نظامی از نوعی که ایده آل واشنگتن است، بوده است. سیر صعودی اعتراض بر علیه پینوشه با اوضاع رقت انگیز جامعه شیلی بویژه قوانین سختی که هر روز از طرف دیکتاتور وضع میشود بر وخامت اوضاع شیلی افزوده است. در کلمبیا فعالیتهای چریکی تا آنجا شدت گرفته است که فرماندهان ارتش رسماً اعتراف کرده اند که تا وقتی که اوضاع کشور تغییر نکرده است، همه چیز به همین منوال باقی خواهد ماند.

یکی از موفقیتهای چشمگیر چریکها بوده است. پس از السالوادور، نیکاراگوئه از جمله کشورهای حساس منطقه کارائیب بشمار میرود. از زمان پیروزی انقلاب ساندینیستها و کناره رفتن حکومت آمریکائی سوموزا آمریکا از هیچ کاری برای سقوط دادن نیکاراگوئه خودداری نکرده است. ارتباط نزدیک نیکاراگوئه با کوبا نیز ضربه ای به طرح آمریکا برای منزوی کردن کوبا بوده است. آمریکا میلیونها دلار برای نابودی این انقلاب خرج کرده است و لیکن مردم

آمریکا بواسطه ارسال اسلحه روسی از طرف کوبا به انقلابیون برهم خورده است، از جمله این اقدامات بوده است. قبول طرح سه ماده ای صلح مکزیک از طرف کوبا نیز به منزله تمایل برای حفظ صلح در منطقه است. طرح سه ماده ای صلح مکزیک عبارت است از: ۱- مذاکره در مورد السالوادور ۲- موافقتنامه عدم تجاوز بین آمریکا و دولت نیکاراگوئه. ۳- گفتگو بین آمریکا و کوبا که در آن دولت مکزیک نقش میانجی را ایفا خواهد کرد.

بحران غرب در آینده آمار

بررسی آماری وضع اقتصادی بقدری از کشورهای بزرگ صنعتی		
نرخ رشد اقتصادی	نرخ رشد قیمتها	نرخ بیکاری
۱. ژاپن +۵.۵	۱. آلمان +۳.۵	۱. ژاپن ۱.۲
۲. فرانسه +۴.۵	۲. ژاپن +۴.۵	۲. آلمان ۴.۳
۳. ایتالیا +۳.۲	۳. آمریکا +۹.۲	۳. آمریکا ۷.۵
۴. فرانسه +۳.۵	۴. فرانسه +۹.۵	۴. انگلیس ۷.۳
۵. آمریکا +۲.۵	۵. انگلیس +۱۱.۵	۵. فرانسه ۷.۸
۶. انگلیس +۲.۵	۶. ایتالیا +۱۳.۲	۶. ایتالیا ۷.۱

درستون رشد اقتصادی بیان شده است، رشد نرخ بیکاری کارگران نیز بصورت چهارنعل به پیش می تازد و این زمینه ای برای بحرانهای اجتماعی سیاسی این جوامع شده است که در کسوت بیکاری کارگران و کاهش تولید و آغاز انحطاط اقتصادی نمایان شده است. در طول چهار سال فاصله بین این ارقام و حقایقی که در جوامع سرمایه داری پدید آمده اند مشکلات اقتصادی و گرفتاریهای مستضعفان بویژه قشر کارگر این جوامع را پیچیده تر و فزونی تر ساخته است و ارقام نوین از بیکاری هرچه بیشتر کارگران در صنایع مختلف این کشور ها، حکایت میکند. در نظام سرمایه داری صنعتی غرب، قربانیان نخستین آغاز و ادامه بحرانهای اقتصادی کارگران هستند و همان سان در رژیمهای کمونیستی نیز که بنام کارگران و زحمتکشان مصنوعی رشد اقتصادی این نظام های سرمایه داری را استکباری ترسیم مینمایند. ۳- افزایش قیمت ها در مقایسه افزایش نرخ رشد اقتصادی، از یک حرکت شتابان وحشتناکی برخوردار است که در درازمدت زمینه های مصنوعی رشد اقتصادی این نظام های سرمایه داری را بکلی از بین میبرد و چشمه های درآمد و تامین رفاه این جوامع را می بلعد. ۴- برخلاف آنچه به

* بررسی آماری وضع اقتصادی بحرانهای تعدادی از کشورهای بزرگ صنعتی غرب

* قیمت ها و درصد بیکاری کارگران در بالا رفتن باهم مسابقه دارند این نمودار آماری چند از واقعیت اقتصادی را بازگو میکند:

۱- کشورهای صنعتی غرب در یک چرخه بحران اقتصادی چند بعدی دست و پا میزنند.

۲- گرچه این آمارها متعلق به چهار سال پیش هستند ولی باتوجه به درصد نرخ رشد اقتصادی آنها و افزایش قیمت ها و افزایش روزافزون بیکاری کارگران، افق بی تاریک را برای آینده رژیم های استکباری ترسیم مینمایند.

۳- افزایش قیمت ها در مقایسه افزایش نرخ رشد اقتصادی، از یک حرکت شتابان وحشتناکی برخوردار است که در درازمدت زمینه های مصنوعی رشد اقتصادی این نظام های سرمایه داری را بکلی از بین میبرد و چشمه های درآمد و تامین رفاه این جوامع را می بلعد.

۴- برخلاف آنچه به



میرد. چراغ دیگری نمی‌سوزد
وقتی پسرک آماده شد نگاه می‌کرد
صورت پدرش را با خود ساکت
صورت پدرش را با چشمتی معمول
ندیده بود پدرش لبخندی رد و
گفت:
- بریم؟
پسر بدون اینکه حرفی بزند
سرنس را زیر انداخت و این پاها را
پاشد پدر جلو افتاد و رو به
اوتل کر چه پوشیده از برف، برآه
افتاد. در دستهای سرد، یک
فانوس و یک چوبدستی بود که
همیشه همراهش میبرد. هنوز
چند قدمی نرفته بودند که
صدای باز شدن در خانه‌اشان را
شنیدند. هر دو ایستادند و به
عقب نگاه کردند. زن در آستانه
در چوبی، کهنه ایستاده بود.
مرد انتظار اینرا نداشت، شاید
بخاطر اینکه سالها بود که دیگر
زن پدرقش نمی‌کرد. نرسد از
میان تاریکی و برف و سوز، گفت:
- کاری داشتی؟
زن اشکهایش را پاک کرد و با
صدای بغض کردمش جواب داد:
- نه.
مرد پس از لحظه‌ای، سکوت
را شکست:
- پس برو تو، سرما میخوری
میفتی تو خونه
زن جواب مرد را نداد. وقتی
در را آهسته می‌بست، خطاب به
پسرک گفت:
- خودتو خوب ببوشون سرما
نخوری
و در را بست. مرد نگاهی به
پسرک کرد. پسرک به خودش
نگاه میکرد، به دکمه‌های پالتوی
پشمی کهنه‌اش، دست می‌کشید
تا مطمئن شود که بسته است.
مرد آهی کشید و دوباره راه
افتاد. پسرک پرسید:
- مادر برای چی گریه کرد؟
مرد در حالیکه برفها را زیر

پایش له میکرد. جواب داد:
- اون تورو دوس داره، مثل
همه مادرای دیگه...
و در حالیکه سعی میکرد صدای
خنده‌اش را پسرک بشنود، ادامه
داد:
- زناهمشون اینطورن، فکر
می‌کنن مردها نمی‌تونن از
خودشون مراقبت کنن...
و چوبدستی‌اش را به دست
راستش داد و با دست چپ،
شانه‌های پسرک را گرفت و
گفت:
- تو دیگه برا خودت به مرد
شدی. شب که برگردیم، مادرت
میفهمه که پسرش به مرده و از
اون بیدهاش نیست. که از این
سوز و سرماها بلرزه.
و خندید
پسرک از این حرف مغرورانه
پدر، احساس گرمی کرد. اما
بدرستی نفهمید که مرد یعنی
چه. هنوز خواب از سرش نپزیده
بود و خیلی دلش میخواست که
در خانه‌اشان خوابیده باشد.
برفها زیر پاهایشان صدا میکردند
و او خوشش می‌آمد. پسرک
پرسید:
- کارخونه شما کجاست؟
چقدر راه؟
پدر جواب داد:

- اون خیلی دوره، اونطرف
شهره
پسر تعجب زده پرسید:
- پس کی میرسیم ما؟
پدر نگاهش کرد. جواب داد:
- با ماشین میریم، ما باید ساعت
۶ صبح مشغول کار باشیم
- ساعت ۶ هواروشنه؟
آره، اما هنوز آفتاب نیست.
پسر دیگر چیزی نپرسید.
سرما را احساس میکرد و
هر لحظه، صدای عووی سگها را
واضحت و نزدیکتر می‌شنید.
دیگر چیزی به پایان کوچه نمانده
بود و پس از آن، بیابان کوچکی
بود که از میان آن عبور
میکردند. وقتی به اوائل کوچه و
بیابان رسیدند، پدر ایستاد و
پسرک هم از او تبعیت نمود.
پسرک احساس کرد که پدرش به
سگها فکر می‌کند و وقتی پدر
چوبدستی‌اش را به دست راست
داد و فانوس را بالاتر کشید و به
دست دیگرش داد، پسرک
مطمئن شد و ترسید. پسرک
دست برد و آستین پدرش را
گرفت و پرسید:
- سگا خیلی‌ان؟

سگهای ولگرد و گرسنه، او را آزار
میداد. مرد احساس میکرد که
سگها اطراف آنها هستند
و منتظرند چوبدستی‌اش را محکم
در دستهای پینه بسته‌اش
می‌فشرد. هر چند قدم که
میرفتند، مرد، می‌ایستاد و اطراف
را حول نگاه میکرد. تاکنون
چندین جفت چشم براق را در دل
تاریکی بیابان دیده بود. صدای
عووی سگها قطع شده بود،
اما مرد می‌توانست صدای خرخر
آنها را بشنود و فهمید که سگها
منتظرند و به همین خاطر
صدایشان در نمی‌آید.
مرد با صدائی نسبتاً بلند گفت:
- آگه - بیابان جلو،
پدرش نود و میاورم
اینرا گفت و از پسر پرسید:
- تو که نمی‌ترسی، ها؟
پسر زیر لب جواب داد:
- نه
اما مرد میدانست که
اوستی‌ترسد، خود او هم این
احساس را داشت.
وقتی به وسط بیابان رسیدند،
باد شدیدتر شد و دانه‌های برف
را با سرعت بیشتری به سروروی
آنها میزد. پسرک سرش را پایین
انداخته بود تا برفها در چشمش
نروند. اما مرد مقاومت میکرد
و سعی داشت که سرش را بالا
نگهدارد و اینکه دیگر ایستاد و به
اطراف نگرست. چشمها زیادتر
شده بودند و از فاصله کمی
اورنگاه میکردند. مرد
فانوس را بالا آورد و خوب نگاه
کرد: سایه کمربتی از چند سگ
را دید. پسرک دامن پالتوی او را
چسبید و گفت:
- سگ
مرد صدائی از گلویش خارج
ساخت و گفت:
- ترس، بیا بریم
و دوباره قدم برداشت. اما

صدای سگها او را وادار به
ایستادن کرد. سگها، آنها را
محاصره کرده بودند و آنها
می‌توانستند سگها را ببینند.
پسرک بغضش ترکید و صدای
هق‌هق گریه‌اش بلند شد. مرد
اعتنائی نکرد. او میدانست که
گریه چاره‌ساز نیست. تجربه به او
آموخته بود که اگر میخواهد از
بیابان سگها بگذرد، راهش گریه و
یا فرار نیست. مرد گفت:
- چرا گریه میکنی پسر؟
پسر گریه‌اش را شدیدتر کرد
و جواب داد:
- می‌ترسم
مرد فقط نگاهش کرد و
مضم‌ولی با احتیاط، قدم
برداشت. صدای سگها بلندتر شد
و بر زوزه باد غلبه کرد. اما مرد
نیایستاد و قدمهای بعدی را
برداشت. اینک حلقه محاصره
تنگتر شده بود و ناگهان یکی از
سگها حمله را آغاز کرد. مرد
فانوس را بر روی برفها گذاشت
و چماقش را دودستی گرفت.
مرد، استوار و مضم‌ولی نگران
از پسرک، حمله سگ را پاسخ
گفت. سگ افتاد و دوباره بلند
شد و دوباره افتاد.
لحظه‌ای کوتاه عووی سگها
قطع شد و زوزه باد سرد، گوش
آندو را نوازش داد. و دگر باره که
عووی بلند شد، مرد حمله کرد و
در حالیکه چماقش را گرد سرش
می‌چرخاند و فرود می‌آورد، گفت:
- مواظب خودت باش پسر
پسرک اشک می‌ریخت و دور
خودش می‌چرخید. سگی زخم
خورده بطرفش خیز برداشت.
پسر هراسان بر زمین افتاد و
فریاد کشید:
- بابا
وقتی پسرک بهوش آمد، در
ماشین کارخانه بود و پدرش در
حالیکه کاسه چشمانش پسر از
اشک بود، برویش لبخند میزد.
فرازمز داوایی

پیش‌بسی آینده...

بقیه از صفحه ۹
خود نشان نداده است که از
صدها هزار فریاد حق طلبانه
بردگان تاریخ، صد نمونه و یا
بیشتر را بخاطر بسپارد. بخاطر
آنکه در این دوره‌های مختلف ستم
و زور و جور، بیشتر فریادهای
حق طلبانه در ارتباط با علایق و
خواسته‌های فردی، قومی و
خانوادگی بوده است و بهر
معدود فریادهای متعلق به همه
عصرها، فریادهای طاغوت ستیز،
همه گم شده‌اند. در حالیکه نرونها
و فرعونها و آنانی که قطب مخالف
آنان بوده‌اند، تا به امروز حضور
خود را به تاریخ تحمیل کرده‌اند.
امروز وقتی از ابراهیم خلیل
یاد می‌کنیم، قدرت بازوی او و
تیزی تبرش را که بر گردن و
پیکر بنها فرود می‌آمد، در نظر
نمی‌گیریم. ابراهیم خلیل در
زمانی زاده و بزرگ شد که دهها
هزار و بلکه میلیونها برده تحت
ستم وجود داشتند و چه بسا
بسیاری از آنان در مقابل بتهای
زمانه خود شوریدند و خود را به
مرگ نزدیک ساختند. اما تاریخ
از ابراهیم خلیل بعنوان یک
بت شکن یاد می‌کند و یاد او و
حماسه او تا زمین بر سر گرد
خورشید می‌گردد و حیات دارد،
زنده است. این نه بخاطر آنستکه

طواغیت، بردگی هست. آنها به
قوم و خانواده و منافع خود فکر
نکردند، بلکه علت اسارتها را
جستجو کردند و آنگاه
تبر برداشتند. یک حرکت و قیام
اصیل، آرمانی متعلق به همه
زمانها دارد و اگر نداشت،
نمی‌تواند استمرار یابد و طبعا
یادش هم نمی‌تواند کمکی به
توده‌های اسیر و محروم نماید.
آنچه کارگران بزرگترین شهر
صنعتی آمریکای ۱۸۸۶ را وادار
به اعتصاب و اعتراض نمود،
آگاهی آنان نسبت به وظایف
انسانی خود در برابر نسلهای
آینده و نسبت به تمامی حقوق
خود نبود. آنها اینرا درک کردند
که سرمایه‌داری آمریکا به آنها
ظلم می‌کند و حتی این پایدردی
را از خود نشان دادند که برای
احقاق خواسته‌های خود، قیام
نمایند و خون بدهند. اما با این
همه، در صدد نفی حاکمیت ظلم
بر نیامدند و تنها خواهان
رفرمانی در شرایط و مناسبات
میان خود و سرمایه‌داری شدند.
در نتیجه، حرکت و قیام آنان
دارای مشخصه یک حرکت اصیل
نیست و اگر چه تا همین حد هم
حق طلبان است، اما در مجموع
یک قیام رفرمیستی بوده است.
قیام کارگران شیکاگو حق
طلبانه بود و تأثیر خود را هم بر
مناسبات آنروز گذاشت. اما این
قیام بواسطه نداشتن بنیانها و
انگیزه‌های آرمانخواهانه دور برد،
نمی‌تواند مبنای روزی قرار گیرد
که انتظار اصولی از آن، تحرک و

سال از این ماجرا می‌گذرد و در
این مدت طولانی، میلیونها نفر
به خیابانهای کشورهای مختلف
ریخته‌اند، اما هنوز همه چیز
سر جای خودش است. زیرا تا
زمانیکه محتوا و بنیان حرکتها و
جوشها، خدائی و علیه همه
طاغوتها نباشد، اثر واقعی
ندارند.
مراسم روز کارگر با همین
محتوا، در قلب قطب سرمایه‌داری
دنیا برگزار میشود و دولت
آمریکا خم به ابرو نمی‌آورد.
برای اینکه دولت جنایتکار آمریکا
بانسان دادن این مراسم، مردم
آنجا را به خطر کمونیزم متوجه
می‌کند. اما در همین نقطه
جغرافیائی، یونیفرم پوششهای
وحشی، رهبران، اعضای و
هواداران سازمانها و جریانات
سیاه و سرخ و سفید را که اندکشی
گرایشات اسلام خواهانه داشته
باشند، مسئله و ترور
اسلامی خالص برگزار شود.
جهان اسلام می‌تواند روز کارگر
خود را هم، روزی مثل روز قدس
نماید. ما صحبت از ناممکنها و
افکار ایده‌آلیستی نمی‌کنیم،
ایمان داریم که جهان اسلام
می‌تواند به این سو برود و در این
روز، یادآوران بلند همت و
خداجویی را بخاطرها بیاورد که
نه با سرمایه‌داری موافق بودند و
نه با کمونیزم.
جهان اسلام بایستی این
حقیقت را درک کند که برای
نجات خود و هر آنکسی که قابل
نجات باشد، می‌بایستی از لحظه
و السلام

جیره خواران لاف هدایت زنند
 طعنه به آزادی امت زنند
 دشمن تو... دشمن من.... خصم ما
 گشته کنون چاره گر خشم ما
 تا که کند دیرزمان سروری
 باز نمودست کنون دفتري
 لاف زند از تو از برزگر
 تا بفریب دل هری خبر
 لاف ز آبادی ایران زند
 لاف ز آقائی انسان زند
 لیک زند تیشه بایمان ما
 طعنه زند سخت به قرآن ما
 آنکه کند نوکری اجنبی
 گشته کنون حامی لامذهبی
 آنکه بود خادم طاغوتها
 تیشه زند برین ایمان ما
 تفرقه اندازد و غوغا کند
 تارهی از فاجعه پیدا کند
 منشعب از همه بنماید مگر
 کارگر و پیشه ور و برزگر
 تا بزند تیشه بر این انقلاب
 تا که کند ساخته ها را خراب....
 آه.... چه بی شرم و ستم گستراست
 دشمن این ملت دین باور است
 اینهمه بی مغزی و بی غیرتی
 هیچ ندیدست دگر ملتی
 خون شهیدان بخروش آمده
 قلب شرف نیز بجوش آمده

کارگرای کارگرای کارگر
 ای طیش سینه خون و خطر
 خیزوببین شعله بیدادها
 عربده ها.... معرکه ها.... دادها
 خیزوببین فتنه دجال را
 سوختن کعبه آمال را
 خیزوببین کینه اهریمنان
 فتنه گران.... خیره سران.... دشمنان
 خیزوببین زینهمه آشفته سر
 باز بپا خاسته گردی دگر
 باز ز تو دشمن دیرین تو
 دشمن دیرینه آئین تو
 سخت باهنگ دگر تاخته
 باز ز نو طرح دگر ساخته
 تا بکند ریشه ایمان ما
 تا بزند تیشه بایران ما
 تا بدرد سینه توحید را
 سینه آزادی و امید را
 تاخته بر ریشه وحدت زین
 تفرقه اندازو
 حکومت بکن

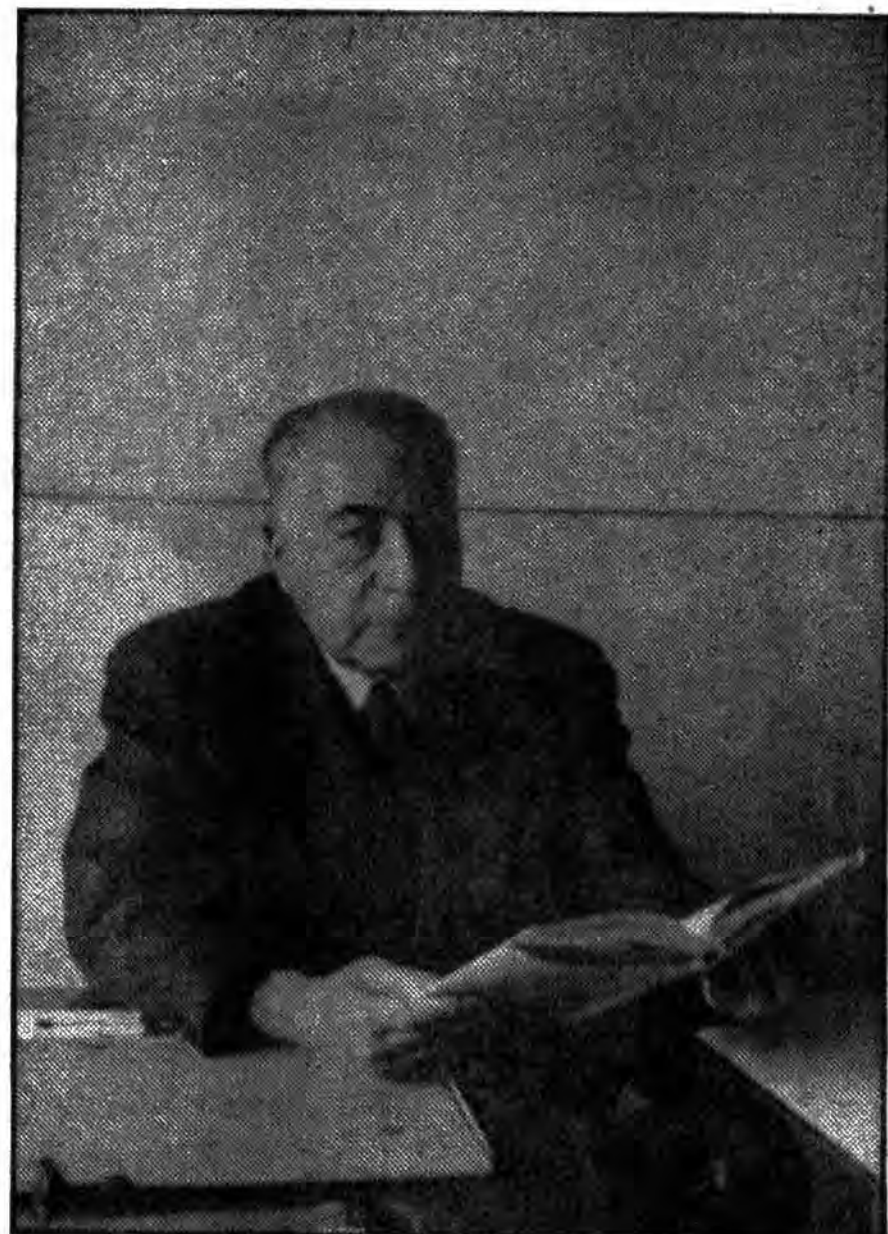
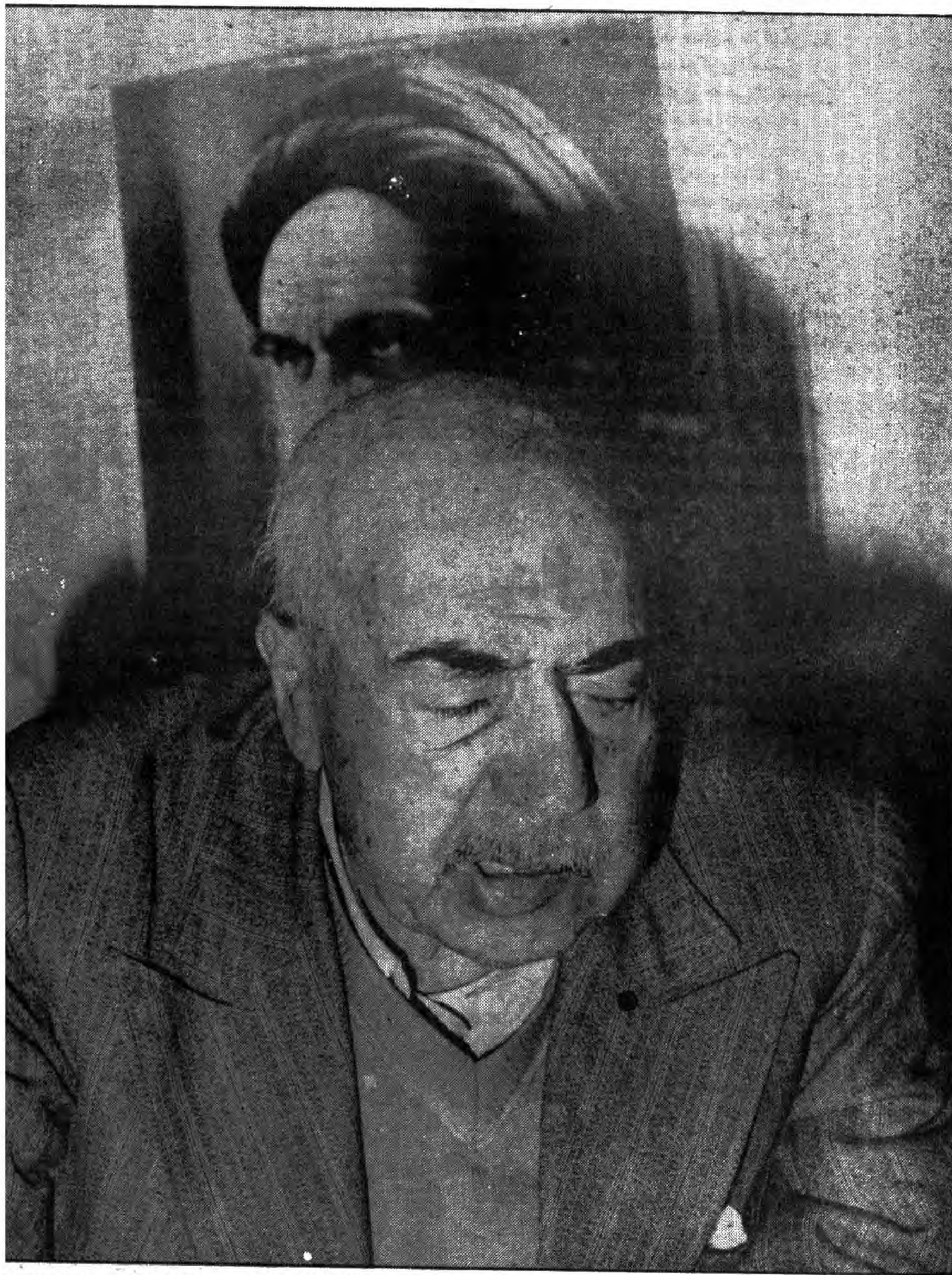
قامت ایران ز منافق شکست
 پشت مسلمان ز منافق شکست
 آنکه بود همقسم دزدها
 قافله را باز شده همصدا
 آنکه بیک عمر جنایت نمود
 آنهمه از شاه حمایت نمود
 عربده جوئی که بعمری سیاه
 بود شهنشاه مرا ورا پناه
 فتنه نگاری که در این سالها
 سوخت چنین خرمن فرهنگ ما
 آن که قلم داد و جواهر گرفت
 مزد از آن رهن ماهر گرفت
 آنکه بمداخی شاه پلید
 دیو دلان را چو پری می کشید
 حال دم از داد و ترقی زند
 تا بر این کهنه سرا می طند
 حال دمکرات شده آی... آی...
 بوق شکایات شده آی... آی...
 - بود دمکرات همان بختیار
 معرکه گردان شه نابکار
 آنکه بدزدی و بگردن کشی
 هیزی و خود کامگی و حق کشی
 ثروت یغما بسی اندوخته
 پس دل آزاده کز سوخته
 حال شده حامی هر کارگر
 باز دلش سوخته بر برزگر
 تا مگر امروز بدین فن و ساز
 روبه بت غرب نماید نماز

خون شهیدان بخروش آمده

پارهای از منظومه بلند «کارگر مسلمان»
 سروده م- کارگر



حرفهای استاد سید حسین میرخانی: خدا رحمت کند ملک الخطاطین را، خیلی خوش می نوشت



اشاره:

استاد سید حسین میرخانی، چهره آشنا و برجسته خوشنویسان ایران در ماهی که گذشت به هفتاد و دومین سال زندگی پرفراز و نشیب خود رسید.

استاد حسین علاوه بر نوآوری‌های بحث‌انگیز و تکان دهنده‌ای که در خوشنویسی ایران پدید آورده، تأثیر روانی و عاطفی انکارناپذیری بر زندگی و هنر خطاطی بسیاری از خطاطان نیم قرن اخیر ایران داشته است، تا آنجا که گاه ارتباط «شاگرد و استاد» شکل رابطه «مريد و مراد» را گرفته است. از سوی دیگر منش‌های مذهبی و گرایش‌های عارفانه میرخانی چیزی است که در متن زندگی هفتاد و چند ساله‌اش جریان داشته و لحظه‌ای از او جدا نشده است.

استاد سید که افتخار شاگردی وی را داشته‌اند بر این ویژگی آشکارش صحنه میگذارند.

میرخانی چون بسیاری از هنرمندان و خوشنویسان همانند خود در برابر خیل شاگردان و طرفداران و مریدان با گروه منکران و مخالفان نه چندان کوچکی نیز روبرو بوده است. و همین نکته شخصیت و تأثیرگذاری شدید اجتماعی- هنری او را می‌رساند.

تا حال گفت و شنودهای بسیار درباره نظرات میرخانی در زمینه آئین خوش نویسی و آینده آن درگیر شده است. در این راه منش‌های عارفانه و تلاش‌های پی‌گیر او در تثبیت اصولی معین برای خوش نویسی سهم بیشتری را در این گفت و شنودها داشته است.

طرفداران استقرار نظامی معین در جهت حرکت صحیح خط در ایران نظرات وی را محترم می‌شمارند و مخالفان آن را بسیار زیانبخش دانستند.

صبح پنجشنبه، شخصیت اجتماعی- هنری و منش‌های مذهبی و عارفانه استاد میرخانی را صمیمانه گرامی میدارد و در سرآغاز هفتاد و دومین سال زندگی استاد گفتگوی ویژه‌ای را که با او داشته است انتشار میدهد و مایل است به روال مطبوعات این امکان را بوجود آورد تا استبد نظرها و دیدگاه‌های خویش را پیرامون نوع حرکت هنری لازمه امروز جامعه ابلاغ دارند.

استاد میرخانی با تلاشی پی‌گیر و مستمر چهارچوبی را پدید آورد تا خط و خوشنویسی در ایران از پراکندگی و آشفتگی رهائی یابد و خود میگوید دنباله روی پیش‌گسوتانی چون ملک‌الخطاطین و میرزا کله‌ر بوده و دست مایه‌هایش را از توشه‌های آنها اندوخته است.

نکته قابل ذکر آنکه متن بشکلی تنظیم شده که پرسش‌ها از گفتگو خارج و جوابها بشکلی ردیف شده‌اند که خود پرسشها را آشکارا می‌رسانند.

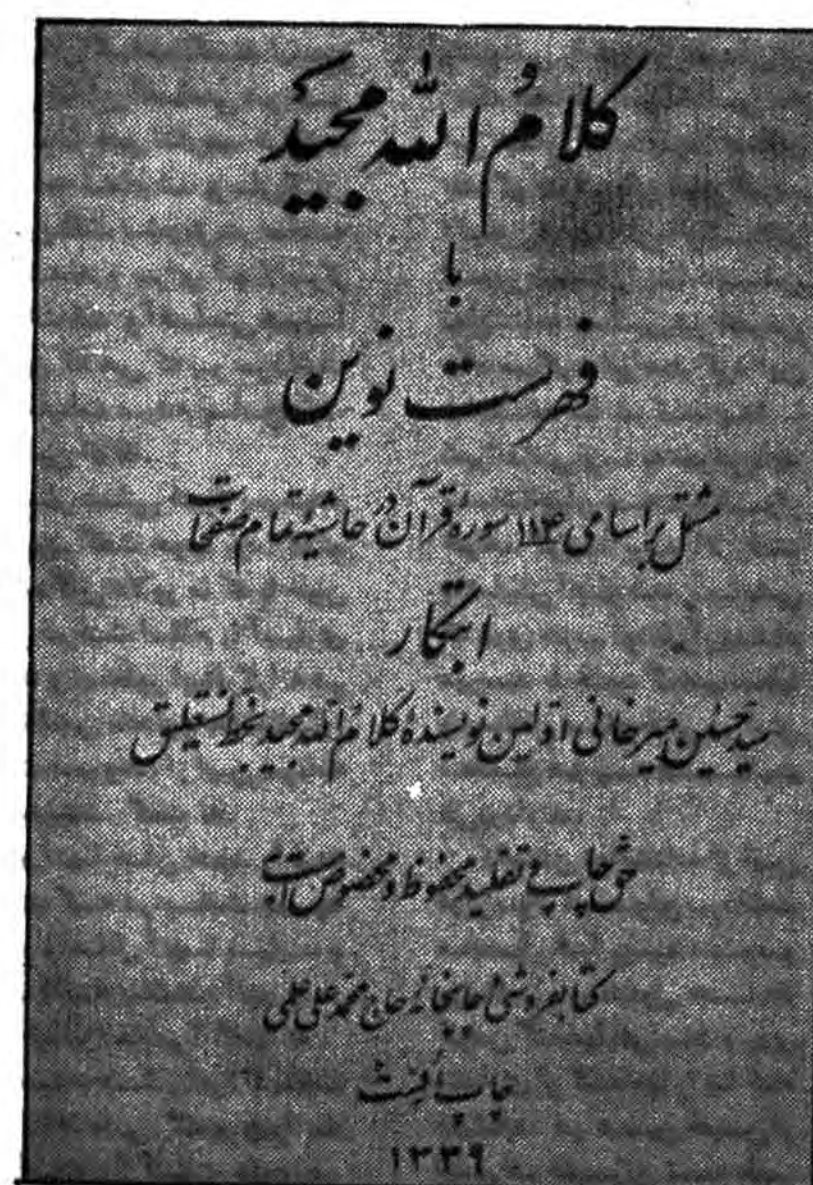
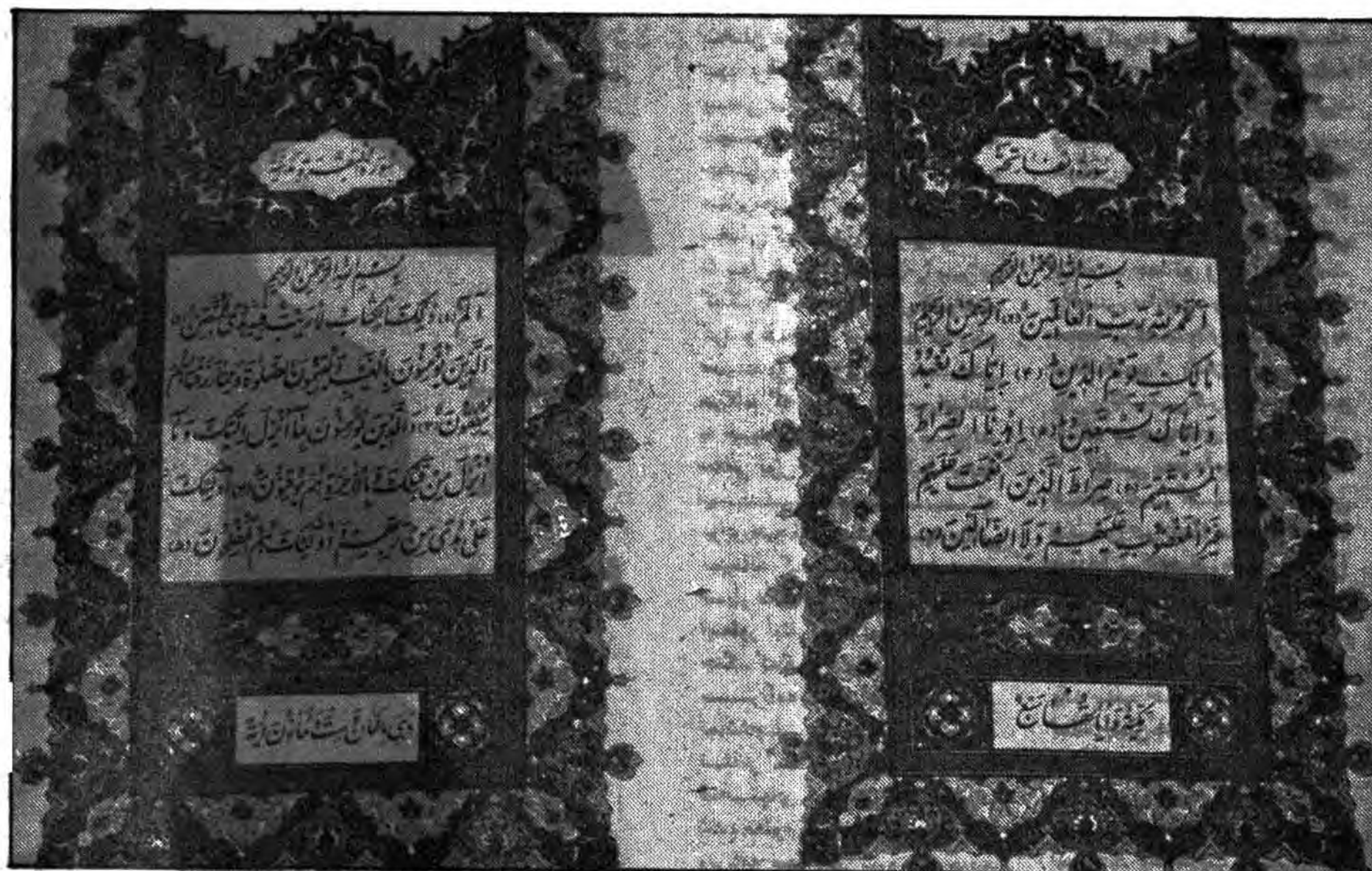
هفتاد و دو ساله از دوازده سالگی شروع به امر نوشتن کردم و خوب نظرم هست که به اتفاق پدرم روزی به کتابخانه اقبال در شمس‌العماره رفتیم، پدرم گفت آقا محمد حسین یک کتاب بده حسین بنویسد. ایشان هم کتاب

تپسندیده‌اند. ولی یک اشاره پدرم کار را برعکس کرد، گفت: به‌به، به‌به آقا سید مرتضی نمی‌دانید که چه کار کرده، مثل میرزای کله‌ر نوشته و من تعجب کردم که اینقدر

تعریف می‌کند و دست کرد توی کشوی میز و دوتا دو ریالی جلوی من گذاشت و گفت خیلی می‌بخشید این حق شما نیست، انشاء... که کار تمام شد حق شما را پرداخت می‌کنم و من با یک اشتیاقی کتاب را نوشتم. تا

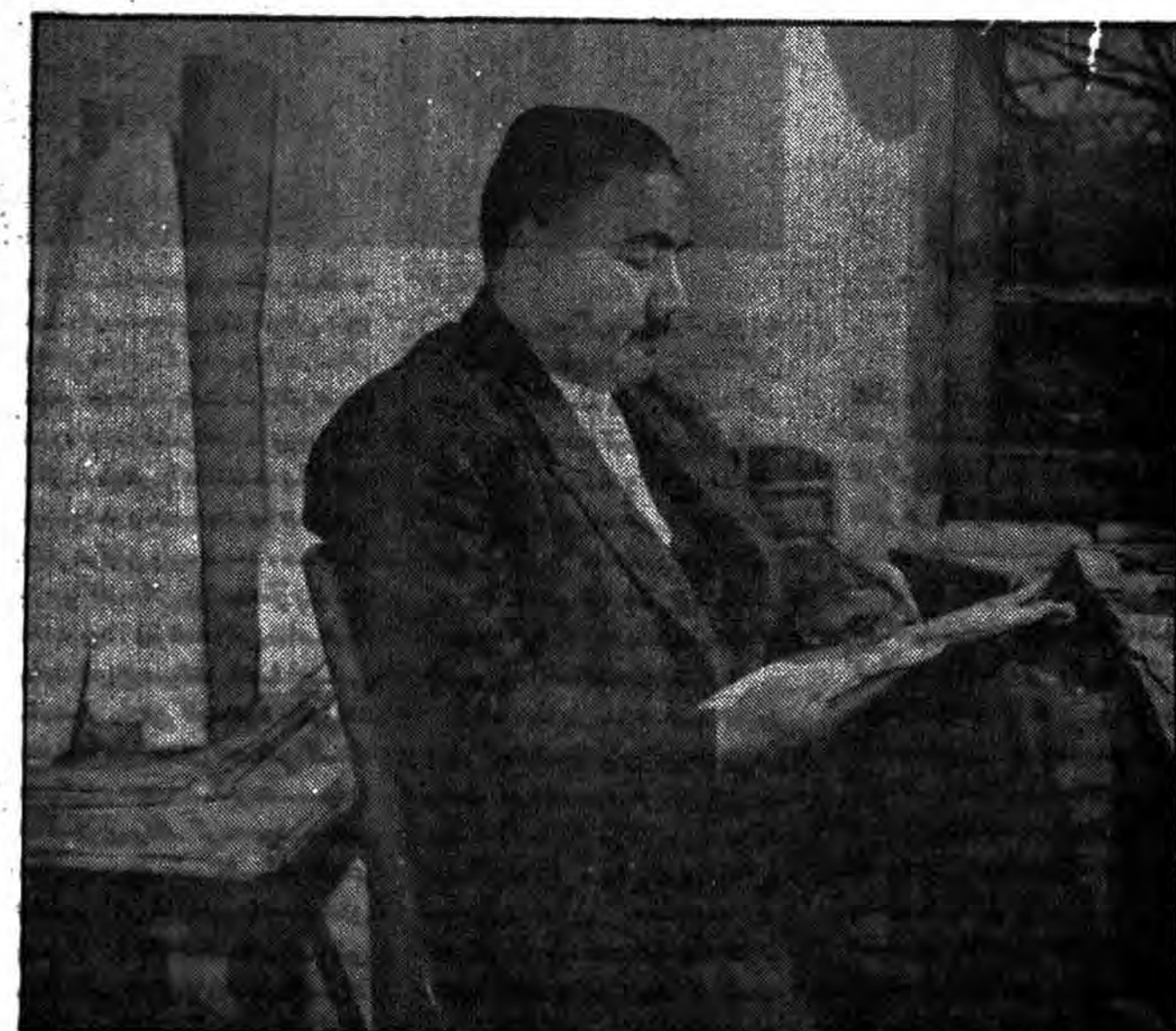
این اواخر خدا بیامرز گفت تشویق من بود که شما را خوش نویس کرد. بعد از اون روزها آمدم جلوی کتاب قبروشیا و شروع کردیم به نوشتن و کتاب فروشها هم استقبال کردند. چون خدا رحمت کند

ملک‌الخطاطین خیلی خوب می‌نوشت و من هم در اطراف اقامت کردم همه از کار من ناراحت بودند و ما یک عنوان پیدا کردیم و یک چند وقتی شمس‌العماره در یک کتابخانه کار می‌کردیم یک روز ابوی گفته



در هتروستان ۷۰٪ شاگردان را خودم اداره می کردم و بر حسب میدادم و این بر حسب وجود خصوصیتی بود که علاقه و عشق به پیدایش و ترویج خط در وجود من بود. این را هم از همان اساتیدی که افتخار شاگردی آنها را داشتادم آموختم و هم خواسته بودم که رابطه شاگردی و استادی وجود داشته باشد و کلاس همیشه یک کلاس شاد و با نشاط و روحیه دار بوده است و این امر سبب میشد تا شاگردان با نشاط روحی و خوش حالی من خودم از شاگردانم شنیدم که میگفتند که ما هر وقت که ناراحتی، داشته باشیم، سر کلاس شما می آیم تا یک مقداری از آن فضای ناراحت دور باشیم و آرامش روحی بدست بیاوریم، این باید از خصوصیات کلاسهای هنری باشد تا تأثیر استاد بر شاگرد یک تأثیر عاطفی و روانی باشد چون امر تدریس هنر یک امر انتقال روانی و عاطفی است پس باید کلاس یک فضای عرفانی و الهی داشته باشد تا هنر جو احساس نشاط و عرفانی اش زنده و در نتیجه آموختههایش فزونی یابد و بهترین نوع تدریس در هنر بخصوص خوشنویسی همان است تا استاد خود رموز و ظرافتهای هنری را دانسته و بتواند براساس دانستههایش رمز خوشنویسی و چرخشها و نرمش را به شاگردان انتقال دهد. من براساس روشی که داشتم من حیثالمجموع نزدیک به ۵۰۰ شاگرد تعلیم دادم و اکثر اوقات در سر کلاس که میرفتم کلاسها نزدیک به چهار ساعت طول می کشید و آخر هم به زور از دست شاگردها فرار می کردم، چون واقعاً خسته میشدم، بنده دو سال تمام سالی داشتم و کار می کردم، در تهران هم هر چند سالی را که سکونت داشتم سر کلاس بوده و تعلیم میدادم همه شاگردهای خوب که حالا استاد هستند و ادعای خط دارند چند سالی را شاگرد من بودند و این از افتخارات من **بقیه در صفحه ۲۹**

نوشته بود «مگر مادر دهر دیگر بتواند مثل میرزا رضای کلهر بنویسد» خط کلهر هم در کتابت نظیر نداشت و بالاتر از شیوه کلهر هم دیگر شیوه ای نداریم، البته کم و بیش اساتید از خودشان نظرهایی داشته اند و نظر می دهند و بالاترین نوشتههای کلهر همان سفرنامههایی است که برای ناصرالدین شاه نوشته



کتابت را شروع کردم و در تجربیات از کارهای ملک الخطاطین، پدر شریفی، عمادالکتاب، قوام الکتاب و برادرش و آن استاد کردستانی که الان اسمش خاطرم نیست و استاد بودری تمام دورههای تجربی را از نظریات این اساتید استفاده کردم و افتخار شاگردی آنها را داشتم و دقیقاً رفتار آنها را نسبت به شاگردانشان سعی کردم که، انتقال بدهم و من یادم می آید که

قرآنهاي نسخ است. به به مرحوم کلهر ارادت دارم چون دنبال روی عماد الکتاب بوده است و بعد از آن هم استاد امیرخانی، استاد خسروش، فتحعلی واشقانی و بقیه را هم که کم و بیش دنبال این کار یعنی شیوه عماد الکتاب را گرفتند و اگر شیوه عماد الکتاب دنبال شود هر نقصی که در خط ما باشد رفته رفته از بین خواهد رفت و امروز جوانها باید جای گذشتهها را پر کنند و ارزش خط

را دنبال کنند تا این هنر دیرینه و اسلامی احیا و زنده شود. خود من در نستعلیق زیاد کار کردم البته یک کتاب نسخ هم نوشتم، ولی آنچه را که من بایست می نوشتم نشد، چون نستعلیق با نسخ از نظر نوشتن و قواعد با نستعلیق تفاوت زیادی دارد و من بیشتر نستعلیق کار میکردم و نسخ کم نوشتم؛ شیوه عماد الکتاب شیوه کاملی بود بعد از مرحوم کلهر خودم دیدم یک نوشته ای که عماد الکتاب

کنند شب احیای اول بود رفتن مسجد، خدا رحمت کند آشیخ عیسی لواسانی را شب قدر رفتیم مسجد. آنجا وقتی ایشان قرآن می خواند، خیلی خوب میخواند و دلمان به درد می آمد، به ایشان هم سپردم که قرآن بدون غلطی برایم تهیه کنند، شب ماه رمضان بود و بعد از مسجد رفتن، منزل گرفتند آقای بشیر حضور شما را میخواستند که در همین حین در زدند، دیدم ایشان هستند و یک بسته هم زیر بغلشان، گفت قرآن است که میخواستی

بنویسی. یک قرآن سلطانی است که آوردم من تعجب کردم که چطور از دیشب که به درگاه خدا دعا کردم ظرف کمتر از ۱۴ ساعت چگونه خدا قرآنی را که من ۵ ماه دنبالش بودم بعد از ۱۴ ساعت دم در خانه تحویل داده است. شروع کردم به نوشتن و یواش، یواش تا تمام شد و بفکر چاپ کردنش افتادم و البته کار خوبی ام شد و استقبال هم ازش خوب شد و خواندنش هم چون نستعلیق است راحت تر از

هر وقت که ابوی خدا بیاورم میخواستند به دوستان چیزی نشان بدهند. آن قرآن را می آوردند و نشان میدادند. این قضیه بود تا مرحوم ابوی فوت کردند. من یک شب ایشان را خواب دیدم و گفت شنیدم می خواهی کتابها را بفروشی، گفتم ببله، گفت آن قرآن را نفروش و گفت این قرآن را من به یک زحمتی حفظ کردم، ما یک روز قرآن را آوردیم پیش یک کتاب فروش و به قیمت خیلی کم ۱۵۰ الی ۶۰ ریال فروختم.

شب جمعه شد پدرم را خواب دیدم که اینقدر از من مصیبتی است، هر چه کردم با من حرف زد التماسش کردم، پایش را مچ کردم که با من حرف بزند، آخر سر با گریه پرسیدم ترا بخدا چه خطائی کردم که با من حرف نمی زنی گفت: چقدر گفتم که قرآن را نفروش و پادم آمد که چه اشتباهی کردم، فردای آن روز رفتم پیش دائی و جریان مطلب را گفتم که من یک همچین خوابی دیدم و لطف کنیدی و قرآن را به من بدهی و به هر قیمتی که میخواهید، عذر آورد که یک کسی از یک جایی آمد و قرآن را دادم و رفتم. من فهمیدم کار خیلی خبطی کردم که اینقدر مورد غضب پدرم واقع شده ام و این گذشت تا دوازده سیزده سال طول کشید و من میخواستم که یک جوری جبران این اشتباه را بکنم یک شب منزل یکی از دوستان پدرم بودم و چند نفری دیگر هم از دوستان بودند و قضیه را تعریف کردم یکی از آنها گفت این کار جبران دارد. گفتم چطور، فرمودند که شما یک قرآن بنویسید، گفتم این که عملی نیست، من نستعلیق می نویسم و تا بحال هر چه قرآن نوشته شده نسخ است و من نسخ نمی توانم بنویسم و قرآن هر چه هست نسخ است، گفت دیگر بهتر شما نستعلیق بنویس. این گذشت تا اینکه بنده به فکر نوشتن قرآن به نستعلیق افتادم که هر جور شده قرآن بدون غلطی پیدا کنم. بنده آن زمان اداره ارتش میرفتم و به کتاب فروشی ها سپردم که یک قرآن بدون غلط برایم تهیه

شب بیا پیش من کارت دارم، و شب که رفتم، گفت کار که برای تو قحط نیست، که نتوانی کار کنی. مردم خیال می کنند که من ترا علم کردم برای ولسی چیزی ملک الخطاطین، ولی چیزی نگذشت که پیش آمد شد و شوهر همشیره بنده از مشهد ما را خواست و من رفتم مشهد و یک کتاب هم در مشهد نوشتم و یواش، یواش افتادیم در کتابت تا ۱۳۲۹ که انجمن خوشنویسان ایران تشکیل شد. آنجا هم اولین کسانی که انتخاب کردند بنده بودم و بودری و عرض کنم که درست نظر هست که چهار نفر بیشتر نبود، عبدالرسولی که نسخ می نوشت و یک کسانی دیگر که نظرم نیست و خورده خورده شد انجمن و آقایان زعمی و دیگران آمدند و انجمن خوشنویسان شد. کاوه و اخوی و جواد شریفی که هیئت وزرا بود و محمد علی کاوه.

به نظر بنده الان حقیقتاً خیلی ها گردن خط حقی دارند، آنهایی که عباد الکتاب را می شناسند ایشان آخرین خوشنویس بود و کسانی که از شیوه نوشتن عباد الکتاب پیروی کنند خطشان نقصی نخواهد داشت. و خط رو به کمال است. شما سابقاً اگر خط میخواستی که یاد بگیری بایستی ۲۵ الی ۳۰ سال پیش معلم می رفتی و یک چیزی یاد می گرفتی و یک چیز نامانوس یاد می گرفتی. ولی حالا شاگردان در عرض چهار، پنج سال خیلی خوب یاد می گیرند. همین آقای نوروز شاد اگر بی گیر کار می بودند از خوشنویسان خوب می شد. و این کار را در ظرف چهار پنج سالی که بنده خدمتشان بودم یاد گرفتند. و خوب حالا هم کار دارند و کارخانه ها با کتابت و نوشتن فرق دارد. ایشان اگر کار می کردند واقعا از خوشنویسان نمره یک بودند.

عرض کنم خدمتان که آن قرآن علت دارد که بنده به نستعلیق نوشتم. یک قرآن نوشته اند اقام حسن اصفهانی که که به نسخ بود و از نفایس خط،



یک
نامه
رسیده

اسلامی است. حالا بگذریم که سخنان مدیرتئاتر کذب محض بود و آقای نخست‌وزیر فقط پیامی برای جشنواره فرستاده بودند و خودشان در افتتاحیه جشنواره حضور نداشتند. خلاصه مدیر محترم!! تئاتر در ادامه سخنان گهربارشان فرمودند که ما پول فروش بلیطها را برای کمک به جبههها ارسال خواهیم کرد و همچنین فرمودند که یک صندوق در روی سن نمایش میباید که هر کسی که میخواهد به جبههها کمک کند میتواند مبلغی پول در آن بیاندازد. و به این وسیله برای هیچکس جای شبهه باقی نمیماند که مدیر تئاتر فردی بسیار مکتبی- انقلابی است که اینطور ایثارگرانه به جبهههای جنگ کمک مادی میکند خلاصه برنامه شروع شد. اگر تماشاجیان برای دیدن آغاسی به تئاتر آمده بودند و این از صحبتهای کوتاهی که با افراد شد، معلوم گردید. پرده بالا رفت و برنامه صدا و نور شروع شد مردم به محض بالا رفتن پرده با دیدن آغاسی شروع به زدن کف و سوت

کمیود صندوقی عدهای روزنامه پهن کرده و روی زمین نشسته بودند و عدهای هم سرپا ایستاده بودند. صد تومانی- ده تومانی- پنجاه تومانی- پنج تومانی و... هر کس به فراخور حال پولی به صندوق آغاسی می‌انداخت... آقا نعمت نوکرتم... زنده باشی برادر... خدا تورو از ما نگیره... و آغاسی با صندوق پرپول به صحنه برگشت و تازه عدهای هم به سبک قدیم از بالکن برسر آغاسی پول پرتاب می‌کردند به نفع کمک به جبهههای جنگ!!! آغاسی مجدداً به بهانه اینکه عدهای دیر آمدند و از فیض شنیدن ترانهها محروم شدند، مجدداً ترانههای خود را اجرا کرد و با گروه کر که از کارکنان تئاتر بودند، حسابی سنگ تمام گذاشت. پس از پایان مجدد شو یک بنده خدایی گفت تکبیر. تماشاجیان هم دست و سوت زدند و به گوینده تکبیر خندیدند. در بین گروه کر چند نفر به چشم میخوردند که انگار بزور ایستادند و عنقریب نقش زمین خواهند شد. خلاصه نمایشنامه پایان ظلم شروع شد که مدیر

هیچوقت به خود مغرور نمیشود... در دل گفتم نکند این آغاسی با آن آغاسی دو نفر هستند و ما خبر نداریم. خلاصه نمایشنامه تمام شد و بازیگران برای دریافت تشویق در صحنه ظاهر شدند و برای آنها ابراز احساسات شد و آغاسی هم با برداشتن کلاهی که بر سر داشت به احساسات مردم پاسخ داد. پرده پایین افتاد. از کنار دستی خود پرسیدم چطور بود. گفت خوب بود. گفتم آیا رزمندگان دلاور ما که با خون پاکشان درخت اسلام را آبیاری می‌کنند و اینطور ایثارگرانه در مقابل دشمن متجاوز به استقبال شهادت میروند، از این برنامه راضی هستند، گفت نه. گفتم آنها جان خود را فدا می‌کنند که در پشت جبهه آغاسی و امثال آنها بیایند و فعالیت داشته باشند، انهم با رنگ و لعاب انقلابی؟ گفت نه پرسیدم چکارهای؟ گفت کارگر ساختمانی. گفتم چرا به اینجا آمدهای؟ گفت جلوی در تئاتر یک نفر اسم آغاسی را فریاد میزد منم گفتم بنیام بنیام

نگاهش کردم در چشمانش پشیمانی را دیدم. پشیمانی از اینکه بخاطر اسم آغاسی به این مکان آمده بود. صدای بلندگو حرف ما را قطع کرد. اکنون میهمانان، از تئاتر البرز شما را با دیدن نمایشنامه «سگی در خرمن جا» سرگرم خواهند کرد این نمایشنامه با شرکت پدا... شیراندازی... به معرض دید تماشاچیان محترم قرار خواهد گرفت. پرده بالا رفت و نمایش آغاز شد. نمایشی که بوی حزب توده از آن بمشام میرسد با خود گفتم عجبا وابستگان مسکو حتی در این سطح هم به فعالیت می‌پردازند. داستان نمایشنامه از این قرار بود که موقع برداشت محصول فرا رسیده بود و روستایی مشغول جابجا کردن گندمهایش بود و روی مقداری از گندمها را با کاه پوشانند. در همین حین از اطراف فقیران به طلب مقداری از گندم آمدند و روستایی چون شخص خوب و با ایمانی بود از محصول خود به آنها کمک میکرد ولی زنش شدیداً مانع میشد و میگفت ما خودمان به

این نان بیشتر احتیاج داریم هر کس که یک تکه کهنه دور سرش پیچیده آمده... (در اینجا جمله خود را ناتمام می‌گذارد) ناگفته نماند که فقرانی که برای دریافت کمک می‌آمدند، شمایل قلندری داشتند و طووری از گندمها کیسههای خود را پر میکردند که انگار غارتگرانی هستند که به بیماگری مال مردم آمدهاند. حالا منظور از ادای این جمله و نمایش این صحنه چه بود و چه مطلبی را در ذهن تداعی میکرد، پرواضح است که هدف کوبیدن روحانیت است نکته دیگر اینکه این نمایشنامه بدون پروانه نمایش بر روی صحنه آمده است و تکیه زیادی که زن روستایی در مورد مسئله نان از خود بروز میدهد، بخوبی کودتای خزنده حزب توده را در زمینه فرهنگی و القای ایدئولوژی مسکو به نمایش می‌گذارد بهر حال طلبکار پس از مقداری کشاکش چون می‌بیند که محصول روستایی کم است و بیشتر آن کاه می‌باشد، از طلب خود صرف نظر می‌کند و میرود. در اینجا روستایی زن خود را صدا می‌زند و از او میخواهد که کاهها را کنار بزند زن چنین می‌کند و ناگهان می‌بیند که در روستایی با این کلک شر طلبکارها را از سر خود کم کرده است. این نمایش بهتر بود بنام آموزش نفاق (که حربه حزب توده نیز هست) نام‌گذاری میشد. و همچنین «هدف وسیله را توجیه می‌کند» نیز نام بی‌مسماهی نیست. این طایفه بسیار مودی هم تشریف دارند چون این نمایشنامه ضداسلامی را که بدون پروانه نمایش میباید، هر شب در جایی بعنوان میهمانان تئاتر البرز بر روی صحنه می‌آورند که دشمنان لای تله گیر نکنند و بدینوسیله رد خود را گم می‌کنند که اگر کسی هم گزارش کارشان را منعکس کرد و پیگیری شد،

آغاسی

باز میگردد

چطور است گفتم با برنامه‌اش موافقی گفت نه. صحبت را خاتمه دادم بلند شدم و جایم را عوض کردم و با جوان دیگری به صحبت نشستم. پرسیدم برنامه خوب بود. کمی من و من کرد و گفتم ای... پرسیدم چکارهای؟ گفتم سیم پیچ، در پشت جبهه تعمیر وسایل نقلیه می‌کردم و حالا برای سرزدن به فامیل به تهران آمده‌ام. گفتم اهل کجایی؟ گفت اهل جهرم. گفتم مردم جهرم خیلی مذهبی هستند گفت بله خیلی. گفتم چرا آمدی اینجا گفت حوصله‌ام سر رفته بود برای سرگرمی آمدم. گفتم چون اسم آغاسی را شنیدی آمدی؟ گفت از کجا فهمیدی گفتم همینطوری بعد گفتم تو که در جبهه جنگ بودی بگو ببینم آیا رزمندگان ما می‌جنگند که پشت جبهه در آرامش باشد و این مزدورها از لانههای خود بیرون بیایند و به فعالیت بپردازند؟ گفت نه، و اضافه کرد اصلاً چرا این آغاسی را نگرفتند اینتها همانهایی بودند که مردم را به فساد کشیده بودند و الان دارند آزاد می‌گردند.

تئاتر و آغاسی نیز در اجرای آن نقش داشتند. آغاسی در نقش کارگر انقلابی و زحمتکش و مدیر تئاتر در نقش مدیر کارخانه ظاهر شدند. داستان از این قرار بود که انقلاب باعث محدودیت مدیر کارخانه گردید و کارگران مدیر کارخانه را خلع ید کرده و همه چیز را در اختیار خود گرفتند و شب ظلم به پایان رسید. انواع و اقسام حرفهای رکبیک و مستحقین در دیالوگ نمایشنامه بعنوان شوخی و خنده گنجانده شده بود و حرکات و اعمال بازیگران تماشاچی را به خنده و امیداشت با حضور آغاسی در صحنه مردم یکبار دیگر با کف و سوت ایشان را مورد مرحمت قرار دادند. در قسمتی از نمایشنامه آغاسی خطاب به رئیس کارخانه چنین داد سخن میدهند: من یک کارگرم و از بازوی خود نان در می‌آورم و هیچوقت هم خود را گم نمی‌کنم. عدهای با شنیدن این سخنان شروع به کف زدن و ابراز احساسات کردند. آغاسی کارگر انقلابی- مسلمان که هیچوقت گذشته کارگری خود را فراموش نمی‌کند و همیشه در خاطر دارد که نفت فروش بوده و

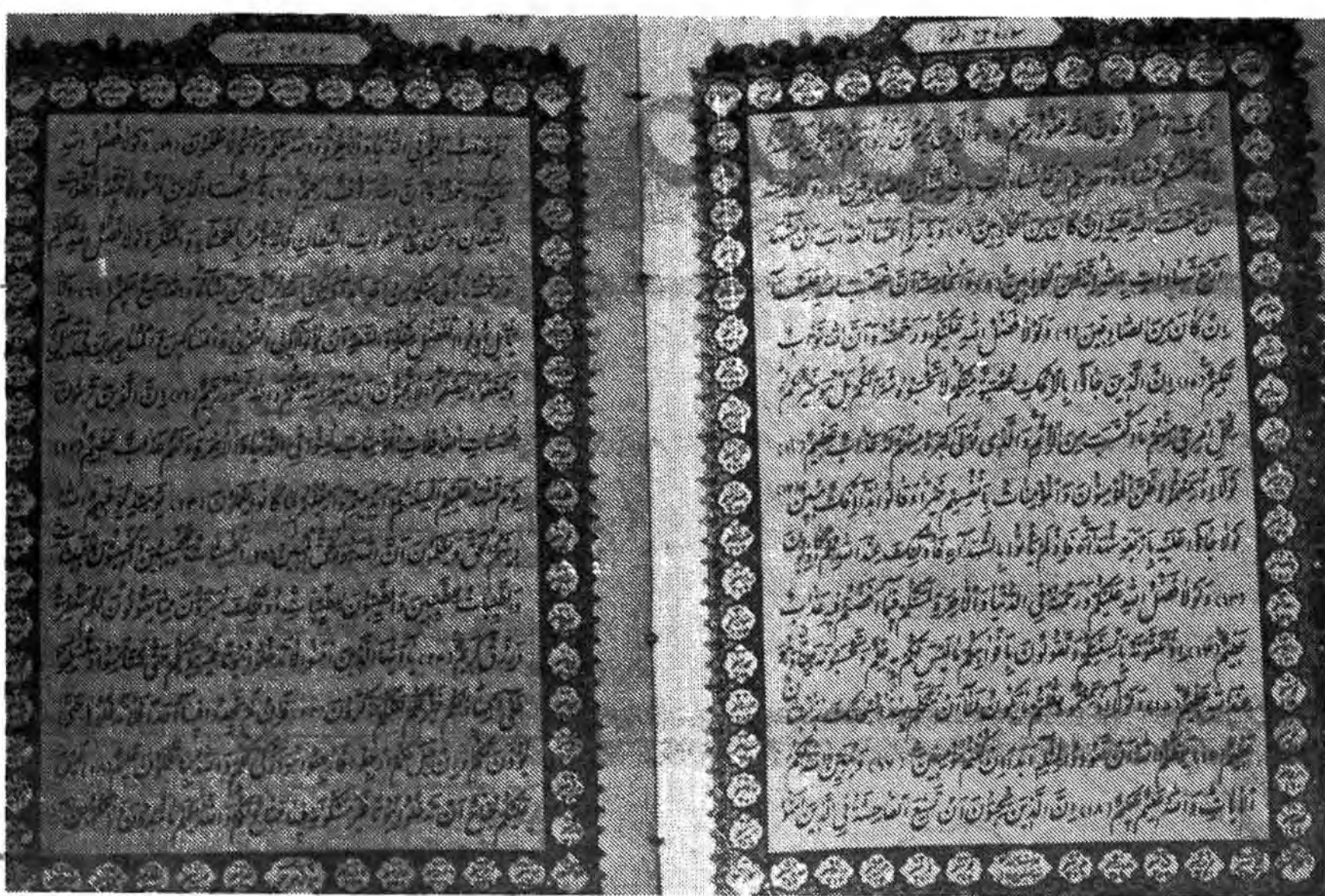


کردند. آغاسی با گروه کر شروع به خواندن ترانهای برای رزمندگان جبهه ها کرد... یاد آن رزمندگان که در جبههها تیرکین بر قلب دشمن می‌زنند و... در بهار آزادی... جمعیت هم با کف زدن خود ایشان را همراهی میکردند و هر وقت هم که خارج میزدند آغاسی آنها را راهنمایی میکرد که پابهای آهنگ کف بزنند. ترانه دوم در مورد عید نوروز بود که عمو نوروز پرچمی در دست گرفته بود که پرروی آن نوشته شده بود مرگ بر آمریکا ترانهای بسیار مزخرف با آهنگی مزخرفتر از آن از حلقوم فردی که یکی از پایههای اشاعه فرهنگ منحط شاهنشاهی بود، برخاسته بود و حضار هم با کف زدن خود آنرا همراهی میکردند. شو آغاسی فقط یک رقص کم داشت که اگر وضع به همین منوال پیش رود، کسری ماجرا نیز برطرف میشد. پس از پایان شو آغاسی مردم را مخاطب قرار داد و گفت: ای مردم شما همانها بودید که بر سرمن پول می‌ریختید حالا هم از گرمتان کم نشده به این صندوق برای کمک به جبههها پول بریزید. سپس از سن نمایش به پائین تشریف فرما شده و صندوق را برای جمع آوری پول در بین مردم گرداندند. سالن مالا مال از جمعیت بود و سوت

به مناسبت جشنواره تئاتر بلیط به نصف قیمت یعنی ۱۵ تومان بود که خریداری کردم و وارد تئاتر شدم. جمعیت پشت در تئاتر موج میزد و با فشار قصد ورود به سالن نمایش را داشتند بالاخره در باز شد و جمعیت با هجوم و فشار فراوان وارد شدند. صندلیها پاره و کفسالن پوشیده از پوست تخمه بود. برنامه رأس ساعت ۶ باید شروع میشد. فضا فضایی نکبت‌بار و جن آلود بود بطوریکه ناخودآگاه انسان احساس گناه میکرد. دودسیگار هوا را خاکستری رنگ کرده بود. مدیر تئاتر بر روی سن ظاهر شد و عدهای برای او کف زدند. ایشان پس از اینکه سخنانی مبنی بر انقلابی بودن خود ایراد فرمودند، اشاره کردند که این تئاتر به مناسبت جشنواره بلیطهای خود را نصف قیمت کرده است و اشاره فرمودند که جشنواره با حضور نخست‌وزیر جمهوری اسلامی ایران افتتاح شده است. خلاصه از سخنان ایشان این مطلب به شنونده القاء میشد که این نمایش که در این تئاتر برگزار میشود، جزو جشنواره تئاتر میباید و طبیعی است که وقتی نخست‌وزیر این جشنواره را افتتاح میکند، شرعی بودن آن در ذهن تداعی میشود و وقتی تئاتر ملت در این جشنواره شرکت می‌کند، پس تئاتر

بر هیچکس پوشیده نیست که هنر یکی از مهمترین ابزار القای ایدئولوژی و فرهنگ در جوامع بشری میباشد و از این میان هنرهای نمایشی از ویژگیهای خاصی برخوردار است در تئاتر بابت هر گیری از کلام حرکات نور و صدا و سایر عوامل دیگر میتوان هر فرهنگ و ایدئولوژی را به بیننده القاء کرد. تاثیر هنرهای نمایشی و تصویری چنان قوی و عمیق میباشد که تاسالها در ذهن بیننده اثر خود را باقی میگذارد غرض از این مقدمه تاکید بر این نکته بود که تئاتر میتواند بعنوان عاملی اساسی و تعیین کننده در اختیار هر نوع تفکری قرار گیرد و چنانچه آن طرز تفکر مخرب و انحرافی باشد، آثار سوء آن تاسالهای سال در افکار جامعه باقی خواهد ماند. بعنوان نمونه تئاتر تخریبی برنامههای یکی از تئاترهای لاله زار بنام تئاتر ملت را با هم مرور کرده و نقش انحرافی و تخریبی آن را در افکار جامعه مورد بررسی و نقد قرار میدهم. یکشنبه ۶۱/۱/۱۵ ساعت ۵/۵ بهار ظهر هنگام عبور از خیابان لاله زار چشمم به سردر تئاتر ملت افتاد «پایان ظلم» عنوان نمایشنامه‌ای بود که در تئاتر ملت بر روی صحنه آمده بود، یک نفر هم جلوی در ورودی ایستاده بود و مدام فریاد میزد آغاسی... آغاسی در تئاتر ملت!!

باز میگردد



خدا رحمت کند ملک الخطاطین را....

است، خود من کتابهای فراوانی نوشته‌ام، کتابهای مذهبی، کتابهای دولتی، فرهنگی، وزارت‌های را تقریباً همه را من نوشته‌ام که بعد از من شریفی و دیگران کار کرده‌اند.

در عالم عرفان و هنر باید خلوص باشد، چون جوهر وجودی هنر، صداقت و ایمان و تقوا داشتن است. نباید ادعای بی‌خود داشت، خدا رحمت کند عمادالکتاب که ایشان استاد مسلم بودند و نشاء بود که یک بار پیش آن، برویم و حقیقت مطلب را بگوئیم و یک وقت یک رسم الخط نوشته بود برای کتاب فروش و جلوی رساله‌خطش را گرفته بودند و نگذاشته بودند که چاپ و منتشر شود، عمادالکتاب توی دربار بود، گفته بود آقا حسین یک شرحی را نوشته بود به دربار البته نه خودش به خط آقا حسین بوده و حالا کار نداریم که کسی اون عریضه را نوشته بود. آقا حسین گفت روز تعلیم مشق بود و من شاگرد کلاس عمادالکتاب و تمام شاگردان نمره یک عمادالکتاب سرکلاس بودند.

او آمد گفت که یک خطی علیه من به دربار نوشته‌اند، ولی این خطی که علیه من نوشته‌اند خیلی خط شیرینی، یعنی خواستم که بگم که باید هنرمند در هر شرایطی واقعیت را بگویم و صادق باشم. عمادالکتاب هیچوقت با وجود اینکه از همه بهتر می‌نوشت یک بار هم به زبان نی‌آورد مرد حقیقت بود و مرد جامعی هم بود و همین حقیقت و جامعیت است که به هنرمند دوام و قوام می‌بخشد. هنر نیرنگ و ریا و تکبر بر نمی‌دارد، صفا و صداقت و ظرافت و عرفان هر کدام یک عضوی از پیکره هنرمند هستند که ماحصل جوهر وجودی هنرمند را شکل و ترتیب می‌دهند و صداقت جوهر اصلی هنرمند است.

نزدیک به ۳ سال است که بی‌ثباتی‌ام را از دست داده‌ام و دیگر قادر به نوشتن نیستم، یعنی

کسی نتواند آنها را پیدا کند. با دلی لبریز از نفرت و تأسف از جای خود برخاسته و از سالن نمایش خارج شدم هنوز چند قدمی از سالن تأثیر دور نشده بودم که سر در تأثیر دهقان نظرم را جلب کرد چهره‌های آشنایی نظیر منوچهر وثوق- علی آزاد- سرگوب- اصغر تهرقه (سمسارزاده) بمن دهن‌کجی میکردند. تصمیم گرفتم فردا هم سری به این تأثیر بزنم.

ساعت حدود سه بعد از ظهر بود که وارد سالن نمایش تأثیر دهقان شدم. بلندگو موزیکهای انقلابی پخش میکرد. پرده کنار رفت جوانی با لباس سیاه ظاهر شد و تابلویی در پشت او قرار داشت که عبارت آموزش شعبده «پرسیستو» و شماره تلفنی... بر روی آن نظر را جلب میکرد جناب شعبده‌باز با جیغ و فریاد و انجام ادا و اطوار مشغول انجام عملیات بود و در بین عملیات از ادای عبارات مستهجن فروگذاری نمیکرد. یکی از تماشاچیان را نیز بر روی صحنه برد و او را مضحکه قرار داد و آنقدر الفاظ نامربوط ادا کرد که کلافه شدم بهر روی پس از رفتن جناب شعبده‌باز برنامه عملیات اکروبات برقرار شد و سپس برنامه قیام سرخوستان آمریکا به نمایش گذاشته شد. دیدم طاقت و تحمل ندارم بلند شدم و آمدم بیرون تپه‌هایی نظیر آغاسی- منوچهر وثوق- علی آزاد- اصغر تهرقه و تا چندی پیش شهناز تهرانی لجنزار رژیم گذشته را در ذهن تداوی میکردند. آخر کدام مقام، مسؤول اجرای این برنامه‌ها در

جمهوری اسلامی است؟ چرا دادستانی دستور بستن این اماکن فساد ولانه مزدوران فاسد رژیم شاهنشاهی را صادر نمی‌کند؟ حالا کار به جایی رسیده که آغاسی هم فرصت‌طلبانه برای جبهه‌های جنگ اعانه جمع‌آوری می‌کند

که اگر دیگر درباره من بگوئید سرکلاس نمی‌آیم و این امر من را هم به شعر گفتن وادار کرده بود. نه اینکه شاعر باشم، ای گاه گذاری همینجوری یک چیزهایی می‌گفتم.

نقاشی؟ نه من فقط کار خط می‌کردم، نقاشی را دوست داشتم ولی نقاشی نکردم، کتیبه نوشتم یک کتیبه نوشتم که در تالیان سردر مسجد تالیان است که برای احداث مسجد هم زیاد زحمت کشیدم و یک کتیبه هم برای سر در آن نوشتم. بیشتر از نظر روحی و روانی روی همان مسائل خط و خوشنویسی فکر می‌کنم و اکثر اوقات با خدا راز و نیاز دارم که اگر تقصیرات من بگذرد و در این مدتی که قادر به کار کردن نیستم بیشتر دلم می‌خواهد که خدا اقل از شاگردانی که در گذشته بودند به من سر بزنند، من بیشتر با فضای کلاس و بیرون سروکار داشتم و همیشه زندگی‌ام شلوغ بوده است حالا این سکوت و خلوت برای من ناراحت کننده است، بخصوص که قادر به حرکت هم نیستم، اگر از دوستان قدیم و شاگردان محبتی داشته باشند و به من سر بزنند خوشحالم می‌کنند.

نه من مجموعه‌ای در منزل ندارم، اکثر کارهای من بصورت سرمشق پیش شاگردان است و چند وقت پیش انجمن یک مقداری را جمع‌آوری کرده بود و بصورت رسم الخط برای آموزش چاپ و انتشار داد و خوب است که اگر امکانی باشد و بتواند جمع‌آوری بکنند نوشته‌های من را بدنیت و این کار را هم فکر می‌کنم که از دست آقای خورش بریاید که چون هم آدم خوبی است و هم من نسبت به ایشان ارادت دارم و هم ایشان نسبت به من خیلی وفادار بوده‌اند و محبت دارند اگر زحمت بکشند و جمع‌آوری بکنند نوشته‌های من را زحمت کشیده‌اند و شاید بتوانند با این جمع‌آوری یک مجموعه متمرکز از کارهایم را برای آنهایی که علاقمند هستند بخرند در یک جا نگه دارند و خودش وسیله خوبی است برای آموزش آنهایی که میخواهند خط را بشناسند و یاد بگیرند.

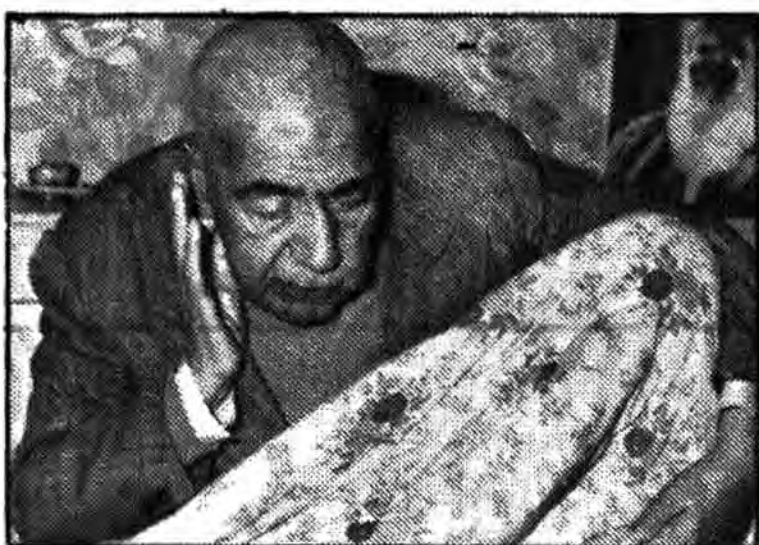
من... التوفیق

قاصد

نو بنویسم در مشهد که میرفتم کلاس بجهتهای مشهدی اکثراً جوانهای بادوق و عارفی هستند و هر کدام یک شعر می‌گفتند و محتوای شعرهایشان هم اکثراً درباره من بود و من هم اوقات تلخ می‌شد که از من تعریف می‌کردند و یک بار حتی گفتم

اینکه از روی حس می‌نویسم، اما چون نمی‌بینم اغلب می‌گویند که کج و نادرست است و اگر برای من امکان دوباره نوشتن بدست آید می‌خواهم که یک مثنوی را بنویسم، چند وقت قبل مثنوی را دست گرفتم ولی چون ناتمام ماند، تصمیم داشتم که دوباره از

در حاشیه:



دیدار آشنا

بار دیگر دیدار یاری فراموش شده و عزیزی در آنرا رفتیم که بهار زندگانی خود را در جهت تعلیم و تعلم فدا نمود و او را که سالها در رونق هنر خط و خطاطی کوشش و تلاش داشت تنها یافتیم.

مردی که اکثر خوشنویسان معاصر افتخار شاگردی او را داشته و علاقمندان به هنر با نام او مانوس و مدیون زحمات و تعلیمات آن سید جلیل القدرند.

استاد این روزها عملاً کنج فقر را از دو عالم انتخاب نموده و در بستر بیماری غنوده است و صد حیف که یاران پیشین او کمتر با او همنشینند- هنگامی که دانست یکی از کمترین شاگردانش بدیدنش آمده با حسرت گفت حالا آمدی که دیگر نمیبینم. دلم فرو ریخت و دانستم به گنجی پر گهر رسیده‌ام که ازدهای اعمی بر آن نشسته و جز بابدست آوردن شمشیر ایام از دست رفته برنخیزد.

هنوز هم مثل گذشته که در سر کلاس مویده هر موضوع و مطلبی آیفای از قرآن حدیثی از ائمه و یابیتی مناسب هدیه میکرد سر بر زیر افکنده این ابیات را می‌خواند و زبان حال خود می‌دانست.

نفت چراغ زندگی ما تمام شد

اکنون فتیله سوزد و این نور کم ازوست

یادم آمد که شاگردان صرف نظر از تعلیم گرفتن هنر خطاطی چگونه از چشمه پرفیض و روح معنوی آن عزیز بهره‌مند میشدند و هنوز هم دوران آن همه شادابی و عظمت گذشته در پی ارشاد و بیان نصایح پدرا نه است.

هنگامی که چهره بیمار گونه و پراندهش را می‌بوسیدم تا برای خدا حافظی از اطاق خارج شوم این بیت از خاطرم گذشت

روزی آگه شوی از حال دلم ای صیاد که بکنج قفسم نیست بجز مشت پری

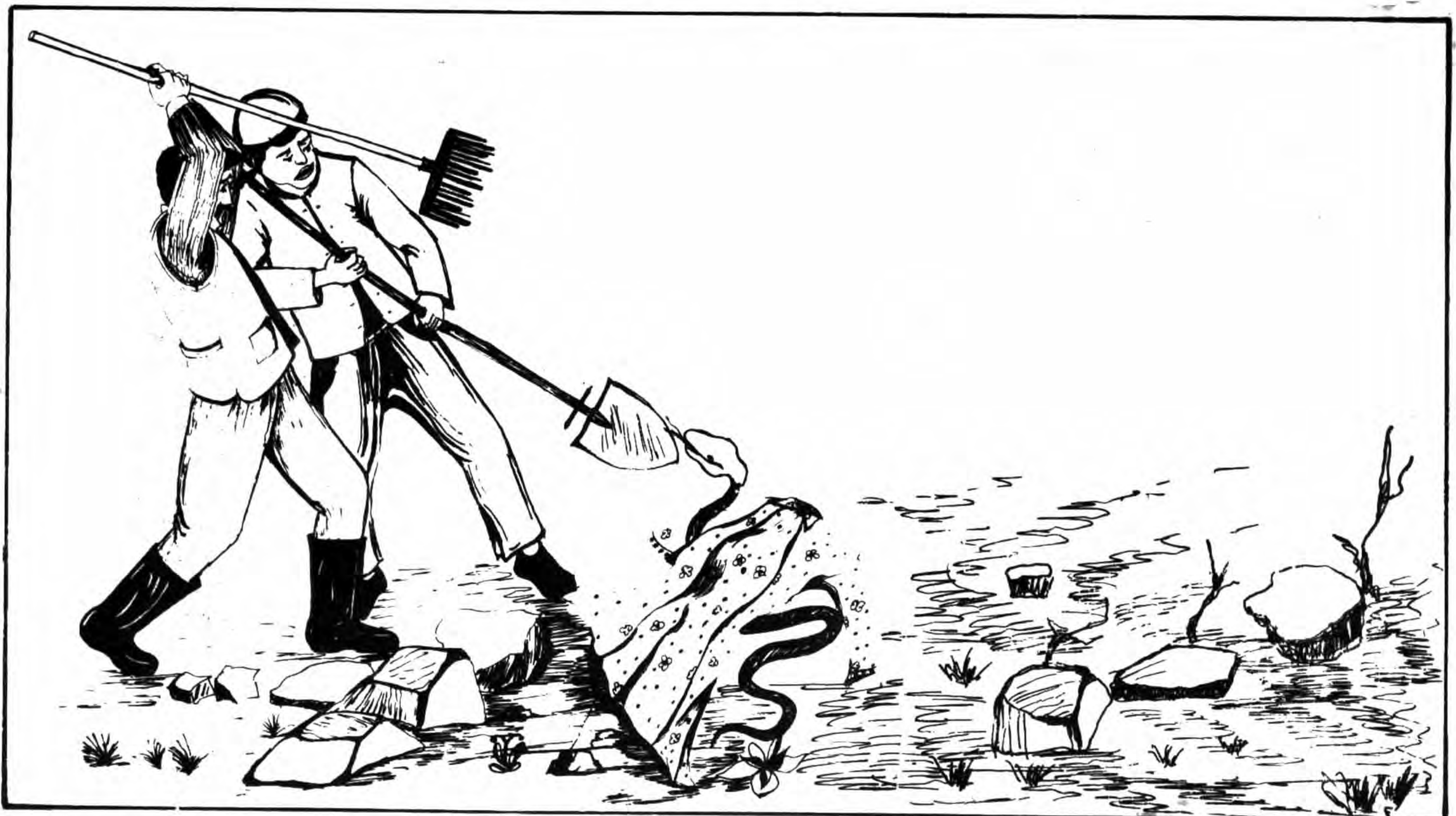
منتور زاع و شغال

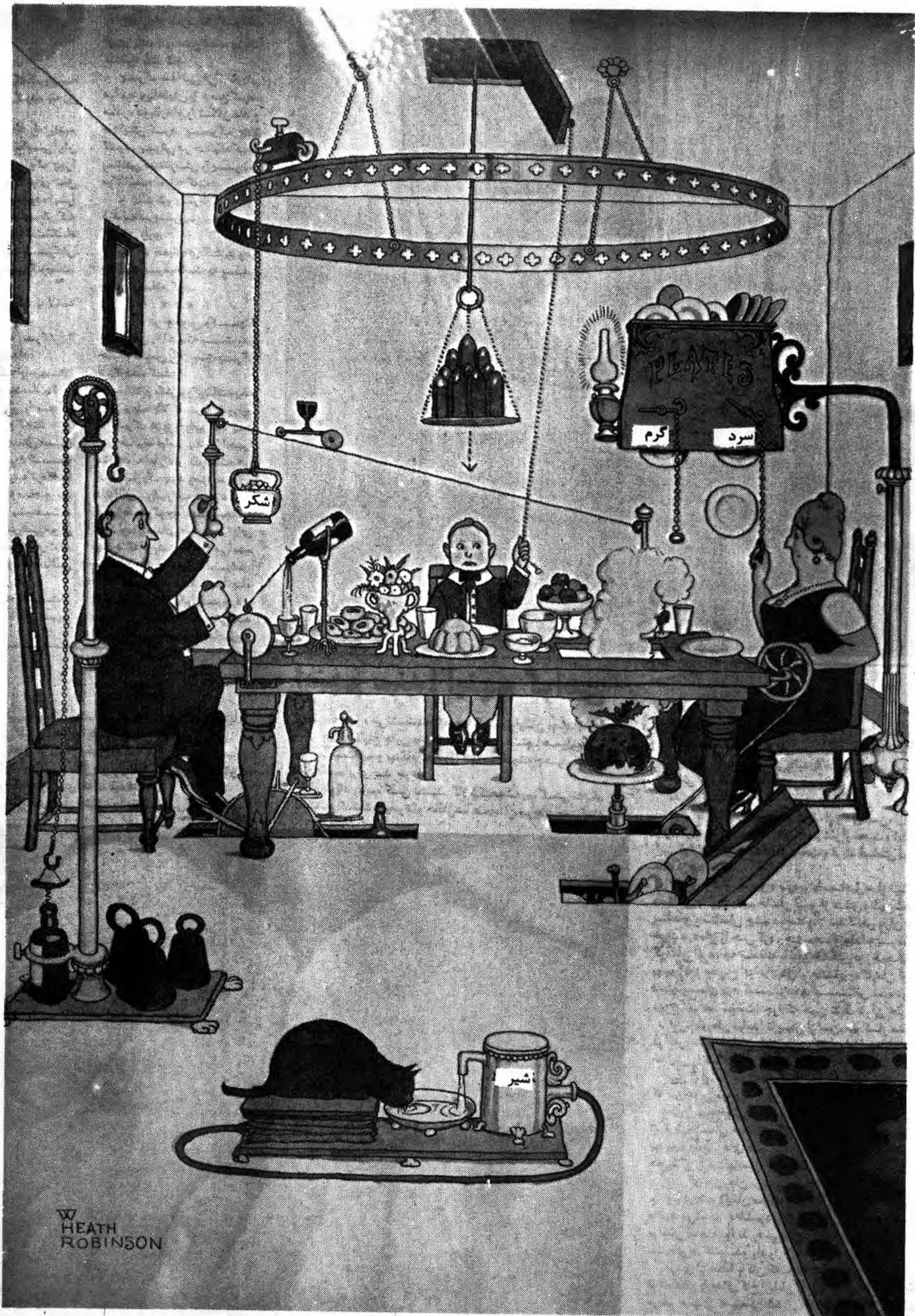
خلاصه مشورت شماره قبل:
گفته‌اند زاعی که در کوهی در بالای درختی خانه داشت و آن نزدیک سوراخ ماری بود و مار بچه‌های این زاع را می‌خورد و زاع هم او را نصیحت می‌کرد ولی بی‌اثر زاع باشغال مشورت کرد و نتیجه این شد که زاع خواست موقع خواب چشم مار را در بیاورد ولی شغال مانع شد، و زاع گفت چاره چیست؟
واکنون بچه‌های عزیز دنباله داستان چنین است:

شغال گفت: درباره مکاران باید حيله بکار برد. به دهی که در این نزدیکی‌ها است برو از خانهای یک چیز قیمتی بردار وقتی که افراد خانه و ده دنبال تو آمدند آن چیز بر سر مار بیاندازد تا مردم او را بکشند.

زاع این را پذیرفت و به ده رفت اتفاقاً بر بالای یک خانه که لباس فاخری راشسته بودند و برای خشک شدن بروی بند پهن بود یافت. لباس فاخر را بر منقار گرفته و پرواز نمود مردم ده چون ایشان را دیدند پندنبال زاع بـیـراه

افتادند زاع بر بالای سوراخ مار رسید و مردم همینطور پندنبال او می‌دویدند زاع مار را دید که با شنیدن پای مردم در حال فرار است لباس فاخر را بر بالای سر مار انداخت مار تا خواست که خود را از دست لباس نجات دهد بدست مردم افتاد و کشته شد. این عاقبت کار همه کسانی است که نصیحت گوش نمی‌کنند.





ماشینیسیم در غرب است که پشت کارگران در زیر سنگینی آن می‌شکند. دنیای غرب که تپه‌های پر دامنه ماشینیسیم را یکی پس از دیگری پشت سر می‌گذارد پیش روی خود تصویری از آینده ساخته که در آن نیاز به نیروی پرهزینه و پیر در دسر کارگران به سمت صفر میل کند. شما فکر می‌کنید موفق خواهد شد؟

تصویر فوق را یکی از آشنایان «فرنگ‌پسند» برایمان فرستاده است. می‌بینید که این خانواده خوشبخت!! چگونه در رفاه و آسایش غوطه‌ورند، بطوریکه بدون کوچکترین زحمت انواع اطعمه و اشربه برای آنها مهیا می‌گردد. البته نباید از یاد ببرید که این هم یکی از موهبت‌های گران وزن

این قصه گونه را به مناسبت روز کارگر، تقدیم تمامی کودکان و نوجوانانی می‌کنم که در پهنه تولید جهانی به کار اجباری مشغولند.

سگها

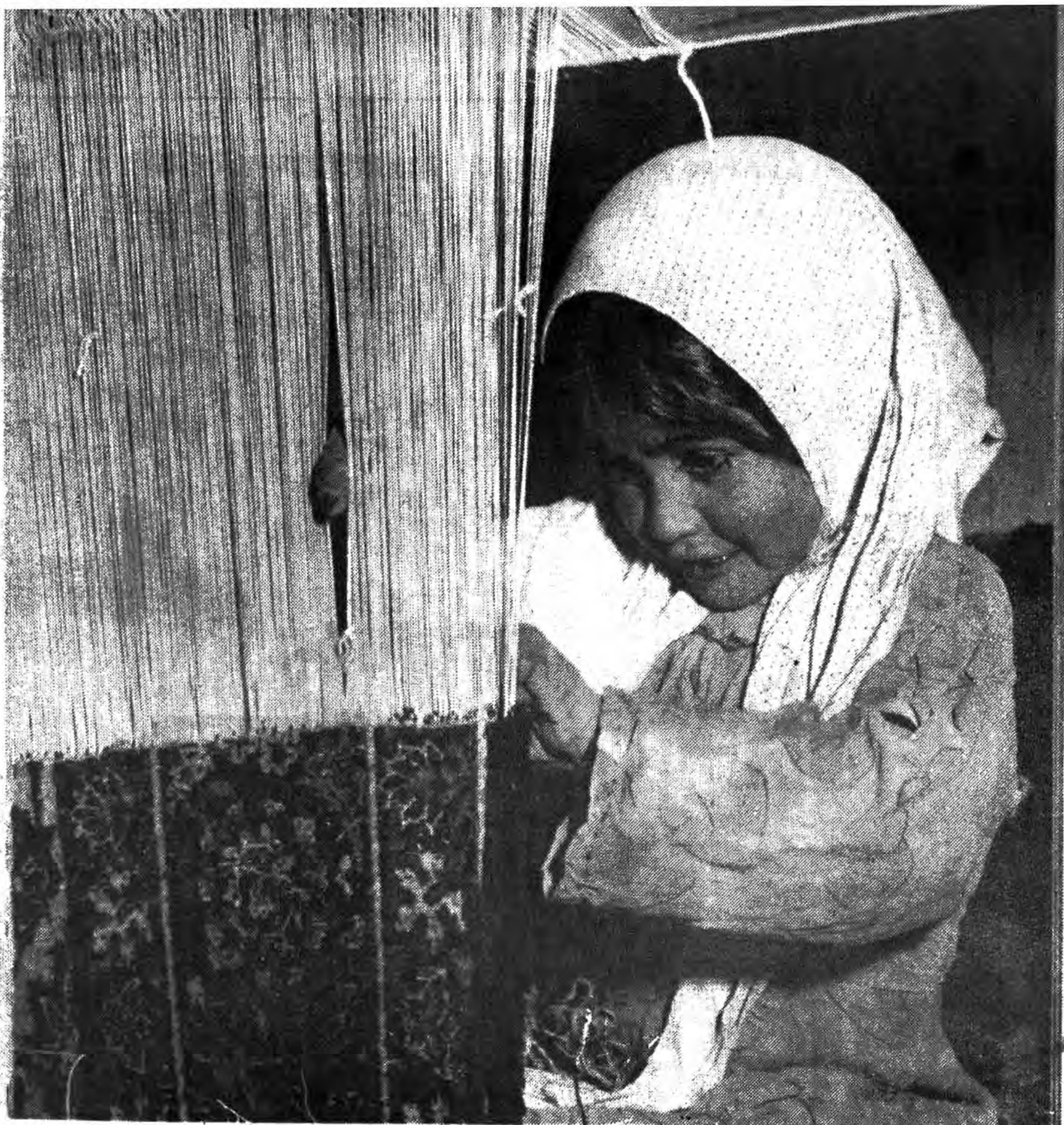
و بعد پسرک را تکان داد. پسرک در بستر خود غلتی زد و بر روی شانه قرار گرفت. زن بار دیگر او را تکان داد و نزدیک گوشش گفت: بلند شو، صبح شده، باباها منتظره بلند شو.

پسرک صدائی از گلویش درآورد و پاهایش را جمع کرد. مادر، دوباره او را تکان داد و صدایش کرد. پسرک چشم گشود. پدرش در حالیکه کلاه پشمی مندرسش را بر سر می‌گذاشت، امرانه گفت: - بلند شو پسر، بلند شو، باید به سرویس برسیم و گرنه کارمون زاره. پسرک خمیازه‌ای کشید و در حالیکه برمیخاست، به پدر و مادرش سلام کرد.

مرد، در چوبی و کهنه خانه‌اش را آهسته بست و در حالیکه فانوس را از پست پسرک می‌گرفت، گفت: - کلاتو بکش روگوشات، یقه پالتوتم بده بالا تا سرما نخوری. پسرک هنوز خواب آلود بود و در حالیکه اوامر پدر را اجرا میکرد، به اطرافش نگریست، هوا کاملاً تاریک بود و سوز سردی، دانه‌های برف را به سر و صورت او میزد. در کوچه آنها هیچکس نبود و بجز صدای عوگوی سگهای ولگرد که از پشت خانه‌ها می‌آمد، صدای دیگری شنیده نمیشد. خانه‌های یک طبقه کوچه آنها، در سکوت و تاریکی فرو رفته بودند و بجز نورهای ضعیفی که از پنجره‌های بعضی خانه‌ها بیرون

مرد در حالیکه شروع به پوشیدن لباسهایش کرد، به زن گفت: - بیدارش کن، باید راه بیفتیم. مرد که سن و سالی ازش می‌گذشت و چین و چروک چهره تکیدهاش در زیر نور لامپای اتاق گاهگلی بخوبی پیدابود، اینرا گفت و به صورت همسرش که طراوتی در چهره نداشت نگاه کرد. زن کناربالین پسرک نشسته بود و او را می‌نگریست. مرد ادامه داد:

- چاره چیه؟ کی میادیه لقمه نون تو سفره بذاره؟ زن همانطور که پسرکش را می‌نگریست، جواب داد: - تو میخوای که اونم مثل خودت بشه؟ مگه چندسالشه؟ مرد بندشلاورش را محکم کرد و آهی کشید و گفت: - نه، نمیخوام مثل من بشه، کدوم پدریه که بخواد فرزندش مدرسه نره؟ اما فقط ما نیستیم که مجبوریم. بچه‌های کوچکتر از اینم هستند که کار می‌کنند درس نمی‌خونن زن دست بر روی شانه پسرکش گذاشت و با صدائی بغض کرده جواب داد: - این فقط ده سالشه. بچه‌های همسن و سالش میرن مدرسه.



اینهم سند! اینهم گواهی

چیره بودند و ما نیز همچنان بکار مشغول. هر چند یکبار کسی می‌آمد از تبار خودمان، ندائی سر میداد و جرعه امید در دلمان روشن میکرد اما دیری نمی‌پایید یا خونسش را می‌ریختند و یا آوارهاش میکردند. و باز ما بودیم و ناله‌های در گلو شکسته‌مان. مدتها گذشت...

دیگر بار بناگاه پیامبری از کویر، از وادی ایمن، از فرا سوی چاه زمزم فرود آمد و با دستانش که سرشار از محبت و ایثار بود جرعه آبی گوارا بر حلق عطشانمان ریخت و فریاد قیامش لرزه بر جان ظالمان انداخت.

او نیز از تبار «هابیل» بود و «اسماعیل». از تبار خودمان! دستانش را که دیدیم جانمان لبریز از عشق و شور شد. او نیز بر پینه‌های دستانمان چشم دوخت و از دیدگانش باران غم بارید. چه خوب دردمان را حس کرد، چه سخاوتمندانه بر سر سفره‌اش گردمان آورد، چه صادقانه با لبان خشکش بر زخم‌های دستانمان بوسه زد و چه روح افزا مژده‌ای از جانب پروردگارمان آورد که: «این دستهای ورم کرده و آماس شده در آتش دوزخ بخواهد سوخت! چرا که خون شرف در آن جاریست». اول، باورمان نیامد! تا پیش از این، هم کار میکردیم و هم در آتش خشم خدایان باطل می‌سوختیم. اما بعد، باورمان شد چون خدایش را شناختیم!

پس از او، باز پیرتوحیدگوی نخلستان‌های حجاز را می‌دیدیم که نان حوین می‌خورد و در کنارمان کار میکرد. هور بوی خوش آزادی در مشاممان بود که دیگر بار، ابرهای تیره ظلم آسمان حیاطمان را فراگرفت و باران بودیم و غربت، ما بودیم و زنجیرهای ظلم. نوادگان پیامبرمان را کشتند و داغ هجرشان را بر دل‌هایمان گذاشتند.

کاروان زمان بر اهش ادامه داد. دیگر کسی نبود که بر تاولهای دستهایمان مرحم بگذارد و بیاریمان شتابند. داشتیم ناامید می‌شدیم. داشتیم در جاده تاریک و پر خطری که باز قیصرها بر امان ساحه بودند ره می‌سپردیم که در آسمان بی‌نورمان ستاره‌ای درخشید و راه را از چاه نشانمان داد.

مردی از سلاله پاکان که به هجرت رفته بود باز آمد و بادست نوازش پایهای کاخ اربابان را فرو ریخت. باز آمد و یکبار دیگر مرحم حایهای خسته‌مان شد.

حالا، پس از سالها و قرن‌ها حس می‌کنیم کسی هست که دستش شهای دراز غربتمان را گوش کند حالا کسی هست که حرف از ما برسد و تاولهای دستمان را سند شرف و افتخار ما بداند. حالا کسی هست که رونق جهان را نتیجه کار دست‌های خسته ما بداند.

راستی، ما جز این دستهای پر پینه چه سندی بر حقایقتمان داریم؟!

حمید گروگان

اربابان به نظاره می‌نشستند، ما درو میکردیم و ایشان بر میداشتند! حکم حباران تاریخ چنین بود که ما بردگان، دشتها هموار سازیم و دانه‌ها بیفشانیم و بهنگام محصول تنها به خوشه چینی صحرا اکتفا کنیم برای سد جوع!

گاه فریاد زدیم، کسی نشنید. گاه شکنجه شدیم، کسی ندید. گذشت و گذشت، قیصرها و خاقان‌ها همچنان بر جان و مالمان

زخم دستانم گواهی رنج سالهاست. خوب نگاهشان کن، باتو حرفها می‌زنند، ناله‌ها می‌کنند، گله‌ها دارند....

هنوز جای پینه‌های تر کیده و بخون نشسته در آن پیداست. با این دستها کار کرده‌ام، کار. دستان من وارث خستگی‌های دستان پدرانم است، چرا که هنوز بوی خاک میدهند. من و پدرانم، نسل اندر نسل چنین بودیم. ما می‌کاشتیم و

